

سالروز شهادت گل سرخ انقلاب



فصل الله الجاهدين على القاعدین الجراغین

نشریه اتحادیه انجمن های
دانشجویان مسلمان خارج از کشور
(هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران)

سالروز رحلت پدر طالقانی



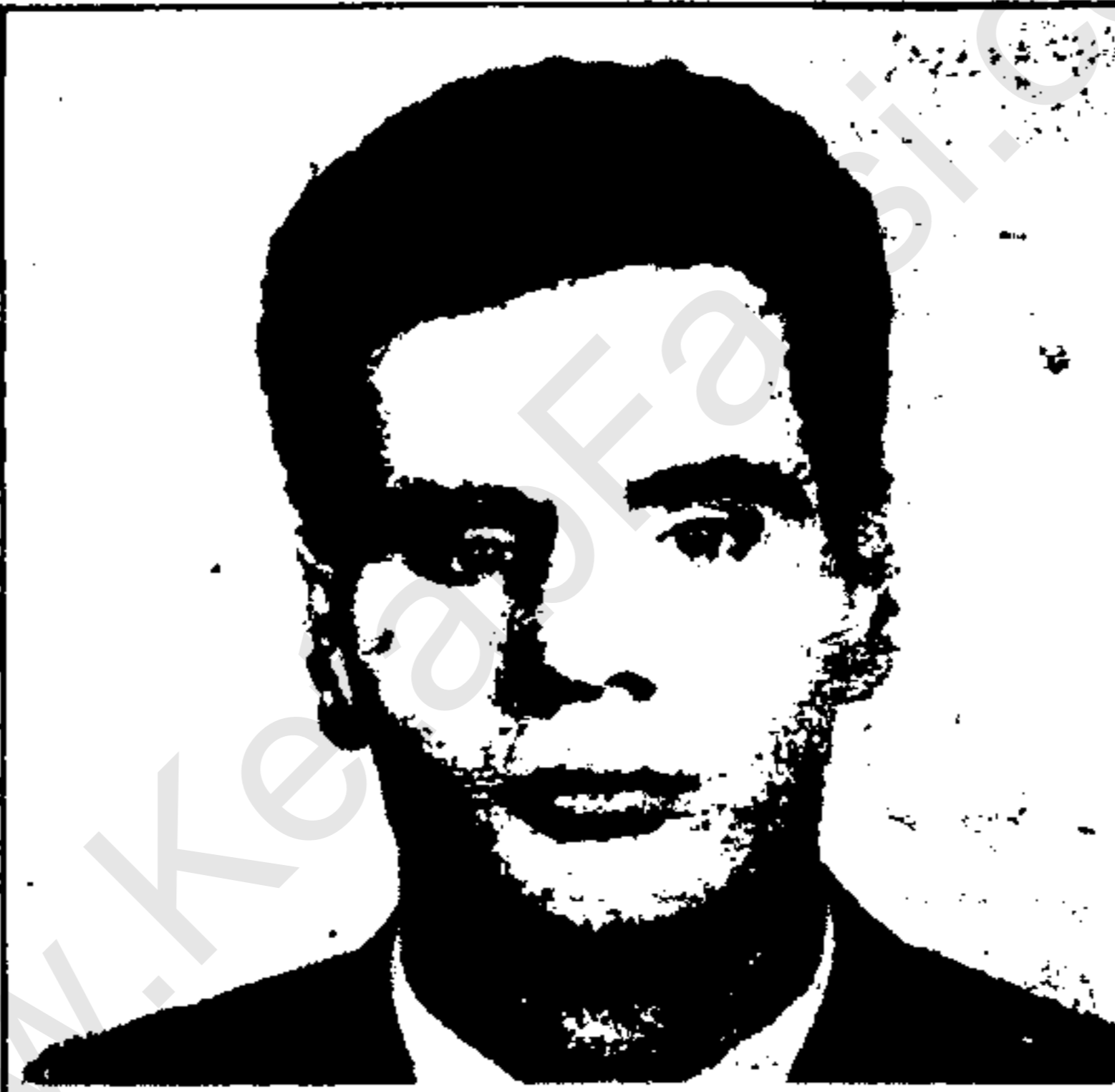
جمعه ۱۹ شهریور ۱۳۶۱
۱۰ سپتامبر ۱۹۸۲

شماره ۵۳

پیام سازمان مجاهدین خلق ایران بمناسبت هجدهمین سالگرد تأسیس سازمان
هجدهمین سالگرد تأسیس سازمان مجاهدین خلق ایران گرامی باد



مجاهد بنیانگذار شهید علی اصغر بدیع زاده گل



مجاهد شهید، بنیانگذار کبیر محمد حنیف نژاد



مجاهد بنیانگذار شهید سعید محسن



سمبل زن انقلابی مجاهد شهید اشرف ربیعی

هفته گذشته در تهران بیش از ۱۰۰ تن
لژیاسداران خمینی به هلاکت رسیدند



مجاهدین خلق ایران
۱۳۴۲



سردار شهید خلق مجاهد کبیر موسی خیلانی

۱۷ شهریور، سالروز قتل عام مردم بی دفاع
بدست مزدوران شاه خائن

دستور محوری روز: گسترش هسته های مقاومت مسلحانه در سراسر کشور برای انهدام پاسداران ارتجاع،
شکستن طلسم اختناق و تدارک قیام رهنانی بخش عمومی

پیام سازمان مجاهدین خلق ایران بمناسبت هجدهمین سالگرد تأسیس سازمان

ها ایشان متفجر نموده و سران خیانتکار ارتجاع خون آشام را به سزای خیانت های تاریخی شان به خلق و به اسلام رساندند.
حماسه ی زندانیان استوار و مقاومی که در اطاق های شکنجه با بدن های کبود و خونریز و چشم های از حلقه درآمده و استخوان های شکسته ایمان و اراده ی آهنین مجاهد خلق را در برابر تمام اعصار و قرون به نما ییش گذاشتند.

و بالاخره حماسه ی هزاران پدرو مادر و همسری که با روی گشاده فرزندان و همسران خود را ابراهیم و ارفدیبه ی رهائی خلق و میهن در مسیر جاده ی عاری از اختناق و ستم نمودند.

و چنین است که امروز دیگر بدون هیچ تردید سازمان مجاهدین خلق ایران بخش تجزیه نا پذیر از تمامیت تاریخ ایران و متعلق به تمام می خلق قهرمان نیست که آن را در دامان پرمهر و عطوفتش پروراند و با حمایت های بی دریغ خود ادامه ی حیات آن را تضمین نموده است .

هم میهنان !
تک تک لحظات و روزهای سال گذشته گواه آنند که خلق قهرمان ایران از طریق فرزندان مجاهد خود به سنت سیدالشهدا (ع) مرگ سرخ را بر تنگ تسلیم مرجح شمرده و در نتیجه ، پیروزی قطعی و اجتنابنا پذیر خود را بر رژیم دجال و ضد بشری خمینی تضمین نموده است :
این تضمین را به روشنی می توان در طنین فریادهای دختران نوباوه ای همچون فاطمه مصباح در میدان های تیرباران یافت .
آنجا که فریاد می زنند زنده باد آزادی .

این تضمین را می توان در بدن های قطعه قطعه شده ی زنانی همچون عالییه ی بازرگان و مادران شکنجه شده ای همچون مادر کبیری از نبرد گاه ها و شکنجه گاه ها باز یافت . آنجا که فریاد می زنند سلام بر خلق ، سلام بر آزادی .

پس در همین جا خدای را سپاس می گذاریم که ما را به این راه شکوهمند رهبری و هدایت نمود . راهی که بی تردید بدون "او" یارای پیمودنش را نداشتیم .

الحمد لله الذی هدینا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان هدینا الله

بقیه در صفحه ۴۶

خونین و با کوله باری از گرانها تریسن تجارب ایدئولوژیک ، سیاسی ، تشکیلاتی و نظامی ، ضمن عبور از مراحل و نقاط عطف گوناگون در پیمایشا پیش این نبرد قرار گرفته و خود را به مثابه ی عظیم ترین گنجینه ی ملی و تضمین کننده ی آزادی و استقلال میهن ، قویا "تثبیت نموده است . سازمانی که طبعاً "نخستین وارث و تداوم بخش مجموعه ی مبارزات ملی و مردمی تاریخ معاصر ما از مجاهدان صدر مشروطه و سردارانی همچون ستارخان و باقرخان و کوچک خان و مدرس و مصدق و طالقانی فقید به شمار می رود .
سازمانی که به سنت بن بست شکنانه ی بنیانگذاران کبیرش تا همین تاریخ نیز به حرمت خون های والائی همچون خیابانی و اشرف ربیعی و دهها هزار شهید و اسیر دیگر که ضمن ۱۴ ماه گذشته نثار شده اند کمر ارتجاع خمینی را درهم شکسته و در مرحله ی نویسن مقاومت به پیشرفت های باز هم چشمگیری نا ئل خواهد گردید .

بدینسان در هجدهمین سال عمر ما از خون شهدای مجاهد خلق باز هم سیلابها جاری شد . اما این رود خروشان چهره ی اسلام انقلابی را از رنگارهای ارتجاعی شست و حماسه ی مقاومت خلقی در زنجیر را برای نیل به آزادی و استقلال به اوج رساند :

حماسه ی عاشورا گونه ی سردار کبیر آزادی ، موسی خیابانی و سمبل زن انقلابی مجاهد اشرف ربیعی و فرزندش و تمام زنان و مردان مجاهدی که در کنار آنها تا آخرین نفس جنگیدند

حماسه ی شیر زنان مجاهدی چون فائزه بهاری و زهرا عمرانیان و اکرم خراسانی که پس از ساعت ها نبرد با پاسداران ارتجاع ۱۷ تن از آنها را بر خاک افکنده و آنگاه دست از جان شستند

حماسه ی فرماندهان و واحدهای کارآزموده ی مجاهد و میلیشیائی که طی همین یکسال در بیش از ۶۰ عمل موفق نظامی شرکت نموده و قلب دشمن خدا و خلق را با آتش سلاح های خود مالا مال از هراس نمودند

حماسه ی داوطلبان شجاع عملیات مقدس فدائی که خویشان را نیز با بمب -

ضرب الله مثلاً" کلمة طيبة کسجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء توتی اکلها کل حین باذن ربها .

بنام خدا
بنام خلق قهرمان ایران
بیاد بنیانگذار کبیر سازمان مجاهدین خلق ایران
شهید محمد حنیف نژاد

خلق قهرمان ایران !
خواهران و برادران مجاهد ، میلیشیای مجاهد خلق !

شهریور ماه هر سال یادآور روزهای خاطره انگیز و تاریخی ما نند روزهای ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۹ شهریور است .

سه سال پیش در ۱۹ شهریور پدر طالقانی سمبل وحدت ملی ، روح راستین انقلابمان و پدر معنوی خلق و مجاهدین خلق ایران با ما بدرود گفت و رحلت نمود .

چهار سال پیش در ۱۷ شهریور اراده ی خللنا پذیر خلق برای نابودی دیکتاتوری شاه و نیل به آزادی باز گردید و تنها در یک روز هزاران تن فدیهداد .

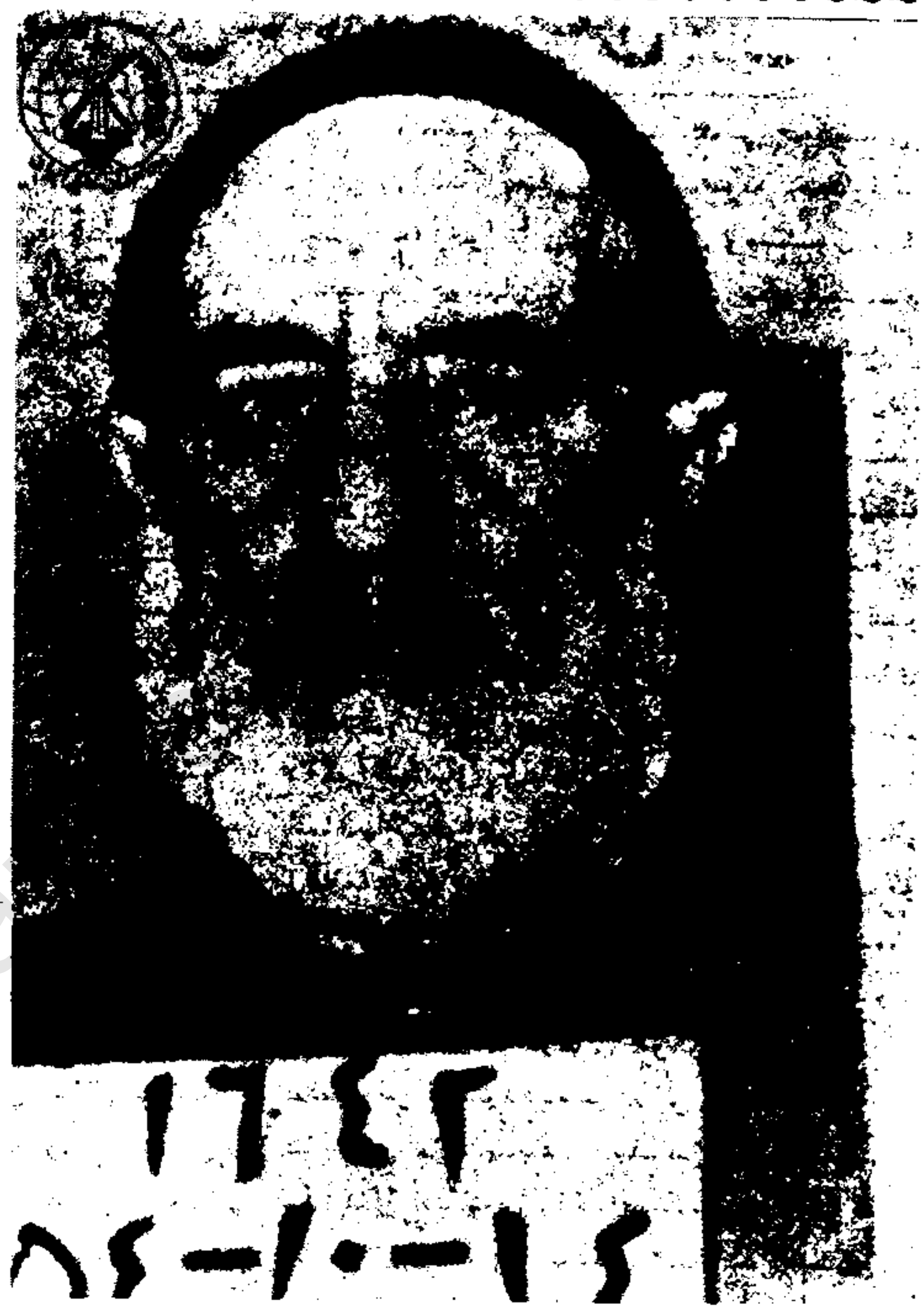
ده سال پیش در ۱۶ شهریور نوگل سرخ انقلاب ایران مجاهد شهید مهدی رضائی بدست دژخیمان شاه تیرباران شد و دست در دست دیگر مبارزان و مجاهدان خلق باران انقلاب را تدارک دید و نوید داد .

هجده سال پیش در ۱۵ شهریور ماه شهید بنیانگذار محمد حنیف نژاد سازمان مجاهدین خلق ایران را پی افکند و آن را با بنیانگذاران و راهمردان دیگری همچون شهید سعید محسن و اصغر بدیع زادگان برای روزهای چون دیروز و امروز در برابر شاه و خمینی و در مسیر جاده ی بی طبقه توحیدی و بارنج و خون و اندیشه آبیاری نمود .

امسال در شرایطی به بزرگداشت این روزها می پردازیم که میهن و خلق ما درگیر سرنوشت سارترین نبرد تاریخ خویش هستند . نبردی که در آن ، خلق و انقلاب و میهن بر آنند تا برای همیشه ریشه ی فاسد ارتجاعی به قدمت بیش از هزار سال و به عمق جهالت و فساد تمام می دور آنها را ازین برکنند .

هم اکنون سازمان مجاهدین خلق ایران با پشت سر گذاشتن ۱۷ سال مبارزه ی

۱۹ شهریور سالروز رحلت پدر طالقانی گرامی باد



۱۶۴۲
۸۶-۱۰-۱۲

گروه های سیاسی بالا گرفت. پدر طالقانی بارها این اعمال را محکوم کرد. و اولین بار که با ندخمینی دجال با بسیج جما قدر و سپس با حکم نهادهای رسمی اش دستور تخلیه ستادهای مجاهدین را داد، پدر طالقانی شبانه از محل ستاد دیدن کرده و بسیار ناراحت و گریان برگشت.

بر زمین نشستن و سکوت معترضان به پدر در مجلس خبرگان خمینی نیز نمونه های دیگری از مخالفتش با جناح ارتجاعی حاکم بود که همیشه در خاطر ملت خواهد ماند.

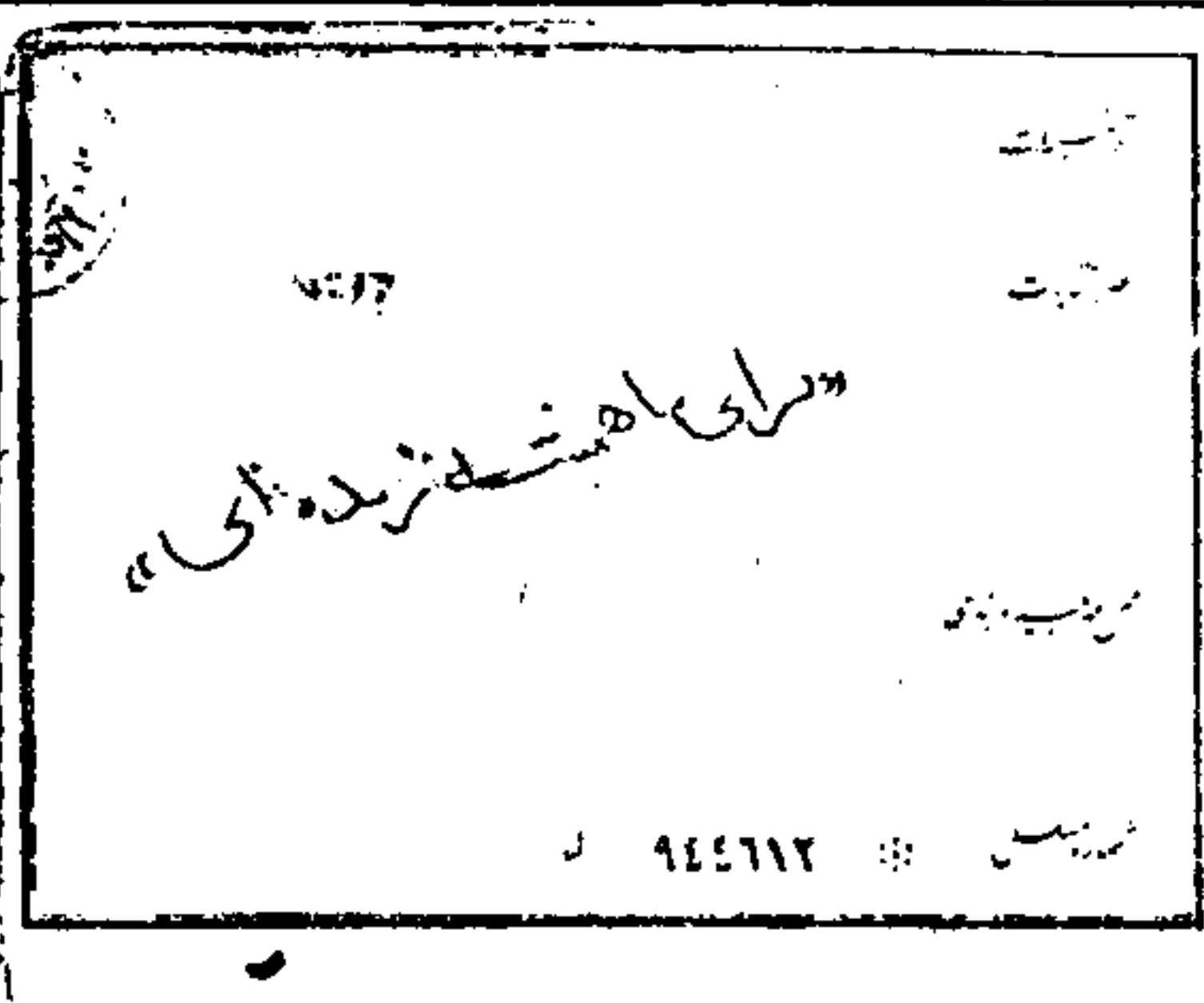
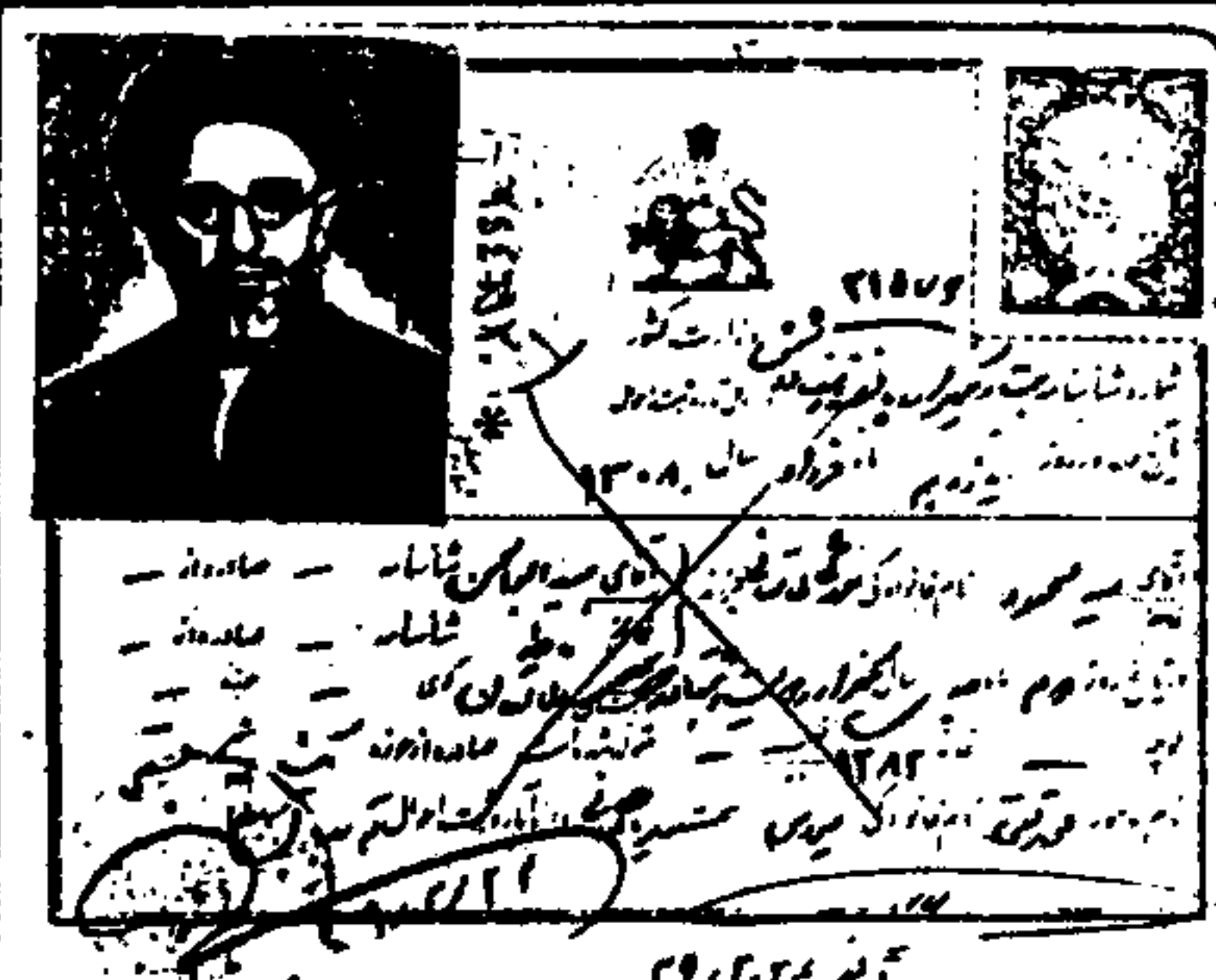
روز ۱۶ شهریور، در آخرین نماز جمعه اش بر مزار شهدای ۱۷ شهریور، با آنان تجدید عهد کرد و آنگاه ضمن بیسان درد دلهايش در مورد عملکردهای انحصار طلبانه و استقرار استبداد زیر پرده های دین توسط مرتجعین حاکم، در مورد اهمیت شورا سخن گفت.

و سرانجام در سحرگاه ۱۹ شهریور، خیرشاه دتش در میان ناباوری مردم پخش گردید. آنروز روزهای بعد، مردم ما - تما می مردم - حقیقتاً "دا غدار و عزا دار شدند و عشق و احترام خود را به این پدر بزرگ در صحنه های بی نظیری به نمايش گذاشتند. اما راستی مگر می شد با ورکورد که چنین شخصیتی مرده است؟ نه او نمرده بود و نمرده است؛ چرا که خاطره ای تا بناک او در قلب و ضمیر تمام می خلق و تمام می نسل های آینده زنده و جاودان خواهد ماند گرامی باد خاطره ای پدر طالقانی

کردستان پیش آمد، برخلاف باند خمینی خائن که سعی می کرد مردم را تجزیه طلب و آشوبگر معرفی کرده و بدین وسیله خط سرکوب را دنبال می کرد، پدر طالقانی، مذاکره و راه حل مسالمت آمیز را مطرح کرد و خود به میان مردم سنج رفت، تا مردم محسروم و قهرمان کرد را در اداره امور سرنوشت خویش یاری دهد.

هنگامی که بانند خمینی به کمک ایادی سیا و ساواک توطئه های خود بر علیه سازمان مجاهدین خلق ایران را از طریق دستگیری و شکنجه ای مجاهد قهرمان سید محمد رضا سعادتى تحت عنوان جاسوسى طرح ریزی و اجرا کردند، پدر طالقانى بنا موضع گیری قاطعانه و انقلابی خود بسیار در آشکارا اتهام جاسوسى از سعادتى، رسوائى باندخمینی را به اوج رساند. وقتی حمله ای جما قدران و عوامل ارتجاع به میتینگ ها، کتابفروشی ها و

پدر، در سال ۱۳۸۶ شمسی در یکی از روستاهای طالقان (گلپرد) بدنیا آمد. به دلیل مبارزات خستگی ناپذیر با رژیم ضد خلقی پهلوی، نیمی از سالهای زندگی را در زندان و تبعید گذراند. با دیکتاتور



به هر صورتش مخالفت می کرد، پدر می گفت: "هر جمعیتی که خواهد آزادی بحث و انتقاد را محدود کند، اسلام را شناخته است." پدر معتقد بود که: "همه گروه ها آزاد بوده و خواهند بود که عقایدشان را مطرح کنند. و این مردم هستند که باید راهشان را انتخاب کنند."

بعد از پیروزی انقلاب پدر با هم پناهگاه مردم بود. همیشه به میان آنها می رفت. از درد و رنج آنها و از اینکه "بالائی"ها با دیدن پایش و پایشینها بیرونند بالا، از شورا و از اینکه مردم باید برسرنوشت خود حاکم باشند، سخن می گفت. در اوایل فروردین ۵۸ که مسئله

راستی بچه ها چطور با ورکنیم که بی پدر شده ایم؟ آقای ما مرده؟ نه! نه! مگر همیشه همین پدری بمیره؟ نه! ما با بچه های همسایه ها و بچه کوچه ها بگید پدر مرده، نه بگید رفته سفر، اگر پرسیدند سفر پیش کی؟ بگین پیش خدا، اگر سوال کردند کی برمی گرده، بگین وقت بیا روقت لاله زار..... (از سخنان برادر مجاهد مسعود رجوی در دانشگاه تهران در بزرگداشت خاطره ای پدر طالقانی) شنا سنا مهی "پدر" را که برای باطل کردن نزد ما موران شریف آما بر بردند، آنها هرگز حاضر نشدند "باطل شد" بر روی شنا سنا مه بززند بجای آن نوشتند: "برای ما همیشه زنده ای"

پیام پدر طالقانی

بمناسبت سالروز شهادت بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران

بسم الله الرحمن الرحيم والسماء ذات
البروج واليوم الموعود وشاهدومشهد
قتل اصحاب الاخذ والنار ذات الوقود اذ هم
عليها قعود هم على ما يفعلون بالمومنين
شهود ما نعموا منهم الا ان يومنوا بالله
العزیز الحمید .

(سوره بروج)

سوگند بیه این آسمان و برجهای
نگهبان و مراقبش ، همین جهان زنده که
با امواج اسرار آمیزش خیرها و حوادث را
ضبط می کند . سوگند به روز موعود و دادگاهی
که در آن پرونده های جنایات و ستمگریها
گشوده می شود ، پرونده هایی که در صفحات
جهان و اذهان مردم ثبت شده است " والیوم
الموعود " .

سوگند بیه شاهان پرونده ها ، شاهان
پرونده های جنایات تاریخی . ملت های
ستمزده ، مادران و پدران ، فرزندان ، برادران ،
خواهران ، همسرهای داغ دیده ، که همه
شاهان چنین جنایاتی بودند و درودیوار
وتپه و ما هور و محله های جنایات همه
مشهودند و همه شاهانند " و شاهدومشهد " .
همه این ضابطین و شاهان مشهود ، آن
آشکارا جرائم و جنایات و شکنجه و کشتارها

را می نمایند چنانکه همه ای این جنایات
امروز در صفحات درودیوار زندانها ،
کشتارگاه ها ، سلولها ، در تپه ای اطراف
اوین آشکارا شاهد این ماجرا هستند ،
چنانکه این جنایتکاران قدرت محسوس
پرونده های خود را ندارند ، همه گواهند که
اصحاب اخذ و گذشته شدند همانهایی که در
تاریکی سلولها بدنهایشان سوخته شد ،
شیرها ، شکنجه ها بر بدنهایشان ماند .
اصحاب اخذ و همه آنها که در زیر شکنجه و تپه ها
ودره ها خون پاکشان به زمین ریختند .
خونهای پاکی که قلب ملتی را خونین نمود
جلادان داخلی و غارتگران خارجی را به
نشاط می آورد برای غارت بیشتر و دستبرد
افزونتر .

ای منم من آن آهوک بیه رنای من

ریخت آن جلاد خون صاف من

گرچه امروز از من ، فردا از وی است

خون چون من اینچنین ضایع کی است

این جلادان مسخ شده و مغرور چنین

شعوری نداشتند که این پرونده ها از شعور

جهان زنده و ملت ما مخون می شود ، گرچه

بکشند تا آنها را با تبلیغات فریبنده ای

خود محو کنند . آنها نمی فهمیدند که آتشی که

بر جان وهستی ملتی زدند هستی خودشان
را می سوزاند " النار ذات الوقود " . قطرات
خونی که از جوانان با ایمان و مسئول ما
ریخته شد جویبارها می شود ، و در یک مسیر
رهبری شده سیلاب می گردد ، و بنیان توطئه ها
و زندگی ستمگران را از میان برمی دارد .
ستمگران مسخ شده چنین شعوری ندارند .
اکنون همانها که ملت ها و ملت ما ، ملت
فلسطین ، ویتنام و آفریقا را به خون کشیده اند
برای مزدوران و مزدده های خود ناله سر
می دهند و دم از حقوق بشر می زنند . امروز برای
تجلیل از شهدائی جمع شده ایم که از خون
پاک آنها پس از هفت سال سیلابها برخاستند
همانها که برای درهم کوبیدن شرک و بتها و
اقامه ی توحید بپا خاستند . دشمن مشترک
هم از همین جهت از آنها انتقام می گرفت .
" و ما نعموا منهم الا ان یومنوا بالله العزیز
الحمید " آنها شاگردان مومن و دلداده ای
مکتب قرآن بوده گوه رهایی بودند که در
تاریکی درخشیدند . حنیف نژاد ، بدیع
زادگان ، عسکری زاده ، مشکین فام ، ناصر
صادق از همین تابندگان بودند . اینها
راه جها در اگشودند



"پدر طالقانی" بر مزار دکتر "محمد مصدق"
راهگشای مبارزات ضد امپریالیستی خلق ایران



دیدار ابوعمار (یا سر عرفات) با "پدر طالقانی"

سخنان پدر طالقانی هنگام دیدار از فرزندان مجاهدش؛ برادران مجاهد "مسعود رجوی" و "موسی خیابانی"

پس از آزادی از زندان



در بهمن ماه ۵۷ هنگامی که "مسعود" و "موسی" پس از ۷ سال اسارت و شکنجه در زندانهای شاه، به همت خلق قهرمان ایران از بندرها شدند، روز بعد، بلافاصله "پدر طالقانی" به دیدار آنها در منزل رضائیها شتافت. در این دیدار پر شور که اکثر اعضای سازمان شرکت داشتند، "پدر" مجاهدین را به ادا مراه تشویق فرمود. قسمتی از سخنان پدر طالقانی را در زیر میخوانید:

و این همه سیاه وقتی که در مقابل شکنجه چیه و باز جوسوهای کسه خودتان می شناسید و دیدید از نزدیک و این همه گروه های سیاسی که به اسم های مختلف چپ و راست در زندان بودند، وقتی اسم مجاهدین برده می شد،

"... تاریخ هم همین را نشان داده شما هم الان همین را می گوئید. مشاهده می کنید، می دانید چه قدرتها چی چه سلاحهایی چه کارشناسهایی به کار رفت ولی همه اینها بیت العنکبوت بود، در مقابل عقیده - پایداری و راه را پیمودند و تا پای چوبه های دار صدای تکبیرشان فضا را پر کرده بود. این ابتدای راه، به شما که ماندید.

آنها چی که ماندند و از این سعادت عظمی محروم شدند، شاید هم اراده ی خدا بود که باید با دیدمانید و باید راه را طی کنید،

اعصاب آنها به هم می لرزید و کنترلشان را از دست می دادند، با اینکه

وقتی اسم مجاهدین برده میشد، اعصاب اینها (ساواک) بهم می لرزید و کنترلشان را از دست می دادند، با اینکه اغلب در چنگال آنها بودید. این دلیل بر قدرت عقیده و ایمان به حق است. از اسم "مسعود رجوی" وحشت داشتند. از اسم "خیابانی" وحشت داشتند.

"پدر طالقانی"

اغلب در چنگال آنها بودید، این دلیل بر قدرت عقیده و ایمان به حق است. از اسم

این قدرتی است که نباید دست کم گرفت ...

... آنچه من نگران هستم همین است که جوانهای ما، هوشمندان، شما مردان و جوانهای با ایمان که وارث فکر قرآن هستید و ما به آخر خط رسیدیم، شما با ید این راه را تکمیل کنید. از تکمیل معتقداتتان، نشان دادن آراء صحیحتان که از قرآن و از سنت پیا میر و از سنت ائمه در یافت کردید باید تکمیل کنید. این مبارزه تمام می شود، به یک جا می رسد، فرق نمی کند حالا شاه رفت، یک بیتی شکسته شود و راننده شد، هنوز خیلی بت سر راه داریم اگر یک مهره ای از بت را از کشور بیرون رانندیم، به صورت های دیگر خواهد بود، و این کار ابراهیمی است که بتی را به تمام ابعاد فکری و عقیندهای و ایدئولوژی و ...

... هما نظور که گفتیم شما اولین کارتان همین است، ما کم و بیش در دسترستان هستیم.

انشاء الله این مسائل را، ابعاد قرآن را که هنوز در ساجلش هستیم و هنوز هم با ید به جلو برویم و نشان بدهیم به دنیا که ما با ید کوشش کنیم.

بعد از این، تا به حال اگر مرا یک معلم قرآن می دانستید، حالا من می خواهم فکرم، سلولهایم، کم کار شدند، تنبل شده اند، مریض شده اند. امیدوارم بعدها ما از شما درسها و تجربیات جدیدی بدست بیاوریم انشاء الله تعالی خداوند تائیدتان کند.



مسعود رجوی وحشت داشتند، از اسم خیابانی وحشت داشتند.

همچنین دیگران، این دلیل برای این است که در همین اوج قدرت دشمن به حسب ظاهر که همه در چنگال این دشمن گرفتار بودیم، باز قدرت شما فائق بود.

اگر اشتباهاتی بوده جبران کنید، اگر نقصهایی بوده که تکمیل کنید و اگر نارسائیهایی بوده رساترش کنید و این راه دیگر بر عهده ی شماست که بیمائید. "در درون زندان یک قدرت قهاری که با کارشناسان خارجی و اسرائیلی و داخلی

۱۷ شهریور، سالروز قتل عام مردم بی دفاع بدست مزدوران شاه خائن

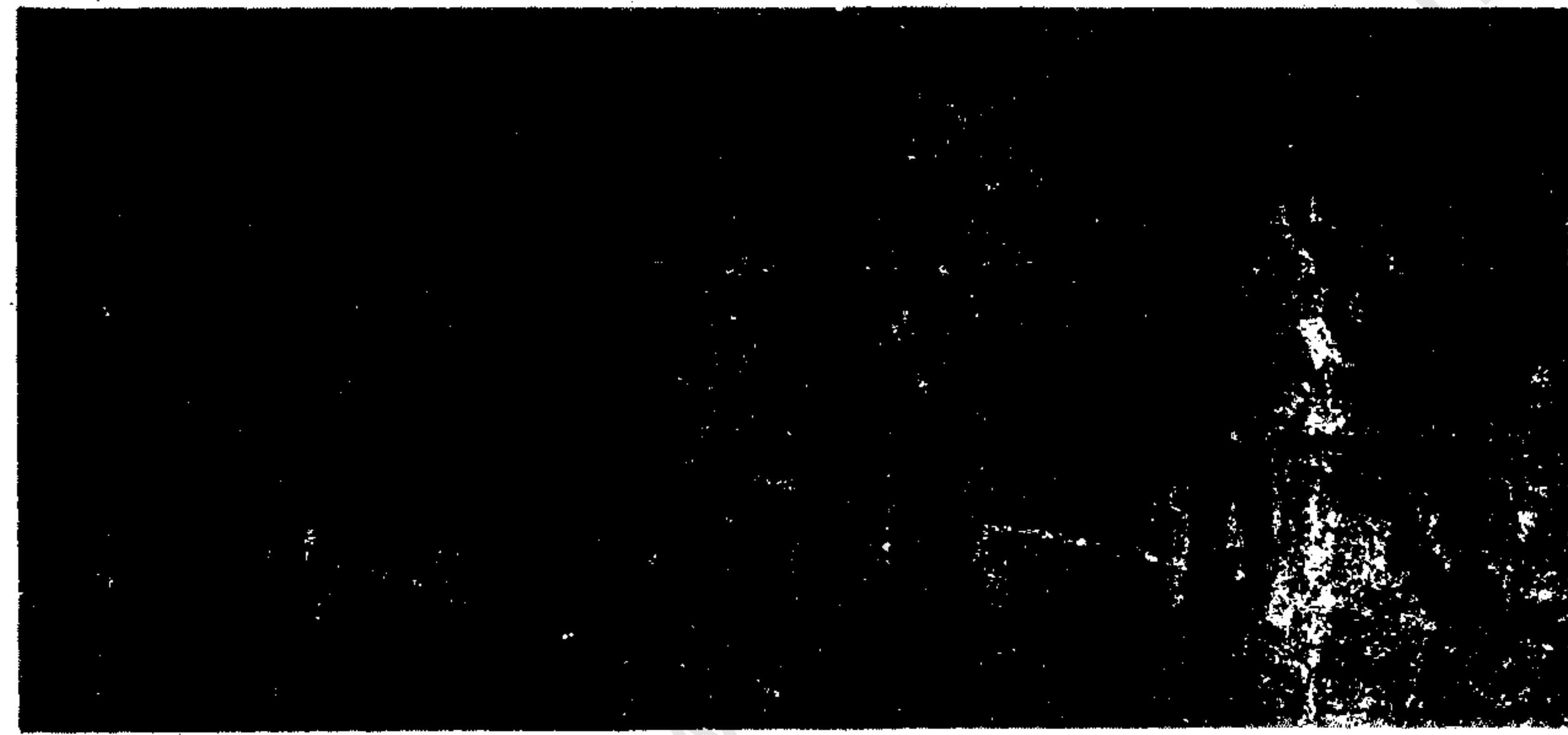
با وجود آوردن ۱۷ شهریورها از سقوط رژیم پوپالی اش جلوگیری کند، خلف او - خمینی دجال - اگر چه در قساوت و ددمنشی رکوردهای ضد انقلابی سبزه را هزاران بار بیشتر پشت سر گذاشته است اما هرگز نخواهد توانست پیروزی محتوم انقلاب را با بیخس خلقمان را که در پرتو مبارزه انقلابی مسلحانه و با خون دهها هزار نفر از پاکبخته ترین و آگاه ترین فرزندان مجاهد خلق، هر روز اوج و اعتلا بیشتری می یابد، مانع گردد. روز پیروزی خلق دور نیست. گرامی باد خاطره ای شهدای ۱۷ شهریور و تمامی شهدای بخون خفته ای خلق

خون هزاران شهید ۱۷ شهریور و هزاران شهید دیگر از توده های قهرمان مردم در سراسر کشور طوما رژیم ضد خلقی شاه در هم نوردیده شد و در زیبا لهدان تاریخ افتاد. اگر چه انقلاب ضد دیکتاتور توری بر علیه شاه مورد دستبرد خائنانه و غاصبانانه ی خمینی دجال و باندها و یکتا ریش قرار گرفت، اما ما به یمن حضور سازمان مجاهدین خلق ایران در پیشاپیش مبارزات راهائی بخش خلق قهرمان ایران، انقلاب ما از حرکت باز نایستاد و متوقف نگردید، بلکه با حرکتی شتابان هر روز به اوج عالی تری ارتقاء یافت و هما گونه که شاه نیز نتوانست

۱۷ شهریور، یادآور قیام قهرمانان مردم تهران در مقابل رژیم وابسته ای شاه خائن است، درست در ساعت ۹/۲۰ دقیقه روز جمعه هفده شهریور هزاران نفر از مردم در میدان شهدا حماسه ی پر شکوهی از مبارزات خلق قهرمان را آفریدند.

توده های بی سلاح و بی دفاع مردم که برای تظاهرات در میدان شهدا گرد آمده بودند، به ناگهان از هر طرف به رگبار بیامان گلوله ها بسته شدند. خود فروختگان خونخوار ساواک و مهره های ارتش شاهنشاهی حتی راه های فرار را به روی مردم بسته

بودند تا در بی پناهی مردم شهوت سبانه ی خود را هر چه بیشتر ارضاء کنند. هیکل های مسخ شده ی آدم نما، مردم بی سلاح را همچون برگ خزان بر زمین ریختند. هزاران نفر مردوزن و کودک و بزرگ به خاک افتادند. شاه خائن در سایه ی چنین کشتار راهائی ادامه ی بازم بیشتر حکومت ننگین خود را نقشه می کشید. ولی دیدیم که چگونه به قیمت خون پیشاهنگان و پیشتازان انقلاب، به قیمت



پول در بانک در طول روز ۳ - ۴ بار صورت می گیرد. از سوی دیگر حمل و نقل پول اخیراً "با تداوم پیرشیدید امنیتی صورت می گیرد." (یک زنجور به اضافه یک رنو که چهار محافظ مسلح دارد).

وزارت راه و ترابری

قایم مقام وزیر راه و ترابری فردی است بنام اسکندر کریمیان که بعد از انقلاب سرکار آمده و یکی از مهمترین عناصر گرداننده ای این وزارتخانه است که تمام مدیران و مسئولین با نظراین فرد انتخاب می شوند. او عضو شورای عالی و فنی نخست وزیر است. نماینده ای ایران در دادگاه لاهه هم می باشد قبلاً "شرکت ساختمانی داشتیم و نفوذ وی به قدری است که حتی شایع است وزیر فعلی را هم او انتخاب کرده و خودش خواسته که معاون وزیر باشد.

پذیرفته از انباشتن پول در یک شعبه جلوگیری کرده و حتی در این رابطه جریمه ها می نیز در نظر گرفته شده است.

* بانک های ملی و تهران سعی می کنند که پول را در طول روز حتی پیش خود نگه ندارند در این رابطه یک نفر که ۱۸ هزار تومان پول می خواست به شعبه ای مراجعه می کند، اما به او گفته می شود که نداریم و به شعبه ای دیگری سربزنید. او گفت ای سیزدهمین شعبه ای است که من سرزده ام ولی هیچیک از آنها ۱۸ هزار تومان نداشته است. * رئیس یکی از شعبه های بانک ملی به علت نگهداشتن پول در طول شب در شعبه اش توبیخ و ضمناً "موظف شده است که هر بار که پول از ۵ هزار تومان بیشتر شد به پول رسانی منطقه خبر دهد که بیایند و پول را ببرند. ضمناً "در توبیخ نامه ای این رئیس قید شده است که اگر پول اضافی در بانک بماند مسئولیت آن به عهده رئیس بانک است. در همین رابطه انتقال

در ادارات چه می گذرد

بقیه از صفحه ۲۱ مسئله به لحاظ امنیتی درست نیست، فقط می توانم به شما بگویم، در این موقع یکی دیگر از افرادی که در اتاق حضور داشته با ملائمت می گوید که: "نه آقا نفت داریم ولی نه برای اینگونه مصارف. پس اگر بنویسیم نفت نداریم دروغ است و ضمناً" بگوش کسانی که نیا بدبفهمند می رسد. شما خودتان به مسئول اداره تان توضیح بدهید که اصلاً "ملاح نیست چنین چیزی را بنویسیم. شما بروید و نامه را عوض کنید!"

سازمان نقشه برداری

* اسامی عده ای از کارکنان سازمان نقشه برداری جهت تصفیه و بازسازی تهیه شده و قرار است عده ای را نیز به علل سیاسی اخراج کنند.

بانک ها

به تازگی در بانک ها برای مقابله با مامورانی که از طرف انقلابیون صورت



دهمین سالگرد شهادت مجاهد قهرمان مهدی رضائی گل سرخ انقلاب گرامی باد



**بگذار شکنجه کنند، بگذار رگ
و پوست ما در راه خلق فدا گردد، تا
ظلم هست مبارزه هست و تا مبارزه
هست شکست و پیروزی هست و تا
سرانجام پیروزی متعلق به خلق است.**

بسیار به حسن ابد محکوم شد و مدت هفت سال در زندان آریا مهری بسر برد تا اینکه بالاخره در آستانه قیام به یاری خلق قهرمان از زندان آزاد گردید و هما نظور که اطلاع دارید مدتی پس از ۳۰ خرداد ۶۰ به دست دژخیمان خمینی شهید شد.

مجاهد شهید حمید جلال زاده هم همراه همسر مجاهدش مدتی قبل در یک نبردنا برابریا پاسداران جنایتکار خمینی به شهادت رسید.

دیگر بیدار شهید کبیر محمدضا بطی نام برد که تا قبل از دستگیری مهدی در ارتباطی تنگاتنگ با وی قرار داشت و مهدی مدت ها در خانه ای آنها مخفی بسود. مدتی پس از شهادت مهدی محمد دستگیر و تحت شدیدترین شکنجه ها قرار گرفت و پس از محاکمه به هفت سال زندان محکوم شد. و هما نظور که می دانید مجاهد شهید محمدضا بطی که از شهدای والامقام سازمان مجاهدین خلق است، سه سال و اندی پس از آزادی از زندان های شاه، بدست مزدوران خمینی جلاد به شهادت رسید.

و چنین بود که آگاه ترین و پاکبخت ترین فرزندان این خلق، مسیر تا بنساک مجاهدین خلق ایران را با تمام هستی خویش پیموده و خواهند پیمود. همان سازمانی که بقیه در صفحه ۹

کنند و را تحت شکنجه قرار دادند و تهدیدش کردند که اگر چنانچه در دادگاه دفاع نکند او را زیر شکنجه خواهند کشت ولی علی رغم خیال باطل شکنجه گران ساواک شاه خائن مهدی در دادگاه قهرمانانه از ایدئولوژی و آرمانهای انقلابی و توحیدی مجاهدین خلق دفاع کرد. رژیم ضد خلقی شاه خشمگین از این عمل قهرمانانه ی مهدی در سرگناه روز ۱۶ شهریور ماه دقیقاً "چهار ماه پس از دستگیری در میدان چیتگر" او را به جوخه ای اعدام سپرد.

آخرین برخورد مهدی قهرمان در آستانه ی تیرباران بیانگر روحیه عالی او در آن لحظات شورا نگیزاست. به گفته نماینده ی باصطلاح دادستانی ارتش که در مراسم تیرباران مهدی قهرمان حضور داشته هنگامی که مهدی را با طناب به چوبی تیرباران می بندند، نماینده ی دادستانی را به نزدیک خود می خواند و به او می گوید من دستها یم بسته است و نمی توانم چینی بنویسم اگر پدر و مادرم برای تحویل وسایلم آمدند از قول من به آنها بگو که کمک به ربا به خانم را فراموش نکنند چرا که من بعد برای من ممکن نیست (ربا به خانم پیرزن فقیری بود که سابقاً "در همسایگی خانواده ی رضائی ساکن بوده و مهدی به او نیز کمک می کرده).

جریان شهادت مهدی و دفاعیات شورا نگیزا و در بیدار دگاه شاه خائن تاثیرات زیادی از خود بجای گذاشت و موجی از تنفر را نسبت به رژیم ضد خلقی شاه برآورد. از همزمان قهرمان مهدی که همزمان و با او دستگیر شدند برادر مجاهد قهرمان محمد رضا سعادت و مجاهد شهید حمید جلال زاده بودند. متأسفانه رهبری حرکت عظیمی که شمره ی این خونها بود باعث سقوط رژیم ضد خلقی شاه شد توسط خمینی ضد بشر غصب گردید و این آدمخوار تاریخ پس از مدتی دست به چنان جنایاتی زد که گوی سبقت را از تمام دیکتاتورهای تاریخ ربود.

برخوردی که جلاد خون آشام سازمان که مهدی پرورده ی آن بود و با همزمان مهدی نمود گواه روشنی است از اینکه خمینی ادا مدهنده و ارتقاء دهنده شیوه های فدا انقلابی شاه خائن و شمره ی ۵۰ سال دیکتاتوری او بوده است.

مجاهد قهرمان شهید سعادت هنگام دستگیری مهدی پس از تحمل شکنجه های

۱۶ شهریور ماه ف با دهمین سالروز شهادت مجاهد قهرمان مهدی رضائی است. در سال ۱۳۵۱ در چنین روزی مهدی رضائی گل سرخ انقلاب به دستور شاه خائن به جوخه ای اعدام سپرده شد و قهرمانانه به شهادت رسید. و اکنون ده سال پس از شهادت با مروری کوتاه بر زندگی افتخار آفرین او یاد و خاطره ی تابناک او را گرامی می داریم. مهدی دلیر در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ در یکی از محلات جنوبی تهران چشم به جهان گشود شرایط زندگی اش خیلی زود او را با درد و رنج مردم که شمره ی مستقیم حکومت ضد خلقی شاه خائن بود آشنا کرد. زندگی در دامن مادری پرمهر و ایثارگرو تحت تربیت برادرانی همچون مجاهدین کبیر احمد و رضا خلیلی زود مهدی را که تیزهوشی و عصیانگری علیه ظلم از ویژگی های ایش بود به مسیر انقلاب و مبارزه وارد کرد. در سن ۱۶ سالگی و در سال ۱۳۴۷ تحت تربیت سازمان پرافتخار مجاهدین قرار گرفت و مدتی هم تحت مسئولیت مستقیم برادر مجاهد مسعود رجوی قرار داشت در ضربه ی شهریور ماه سال ۵۰ همچون سایر برادران و خواهران مجاهدش زندگی مخفی اختیار نمود و به مبارزه ی مسلحانه علیه رژیم شاه خائن پرداخت. مهدی دلیر از جمله کسانی بود که در دوران مبارزه ی مسلحانه پس از ضربه ی شهریور ماه خیلی سریع رشد کرد و به مسئولیت یکی از تیم های نظامی سازمان رسید و در چندین عمل موفقیت آمیز نظامی شرکت جست. در ۱۷ اردیبهشت سال ۵۱ هنگامی که هنوز ۱۹ سالش تمام نشده بود دستگیر شد. دشمن به خاطر کینه ی عمیقی که از احمد و رضا بدل داشت مهدی را تحت شدیدترین شکنجه ها قرار داد تا بلکه بتواند از طریق او به محل اختفای همزمانش و بخصوص برادر مجاهدش رضا برسد ولی ۱۷ روز شکنجه ی مداوم با انواع و اقسام آلات شکنجه نتوانست مقاومت قهرمانانه ی مهدی را درهم شکنند پس از دوره ی اول شکنجه به گفته ی پزشک شهربانی وزن مهدی به حدود ۲۵ کیلو رسیده بود (در اثر ۱۷ روز شکنجه و خونریزی مداوم و نخوردن غذا و شلاق با کابل برق) و امیدی به زنده بودنش نداشتند ولی او را به بیمارستان شهربانی بردند و با کوشش بسیار به مداوایش پرداختند تا دوباره به شکنجه اش پرداختند. پس از بازگشت به زندان مجدداً "برای اینکه در دادگاه اظهار نامت

مصاحبه با مادر رضائی ها در سالگرد شهادت «گل سرخ انقلاب»

شد مرزبین اسلام انقلابی مجاهدین با اسلام خمینی ضدبشر مشخص شود. بطوری که دیگر فکرمی کنم حتی به حیوانات هم ظلم شود اگر بخواهم خمینی را با درنده ترین و وحشی ترین آنها مقایسه کنیم.

به هر حال من فکرمی کنم با این کارنامه افتخار آمیزی که فرزندان مجاهدان با نثار این همه شهید و زندانی ارائه دادند و رژیم خمینی ضدبشر را بی آینه کردند جای ایسن دارد که با سربلندی تمام افتخار کنند و باید بالاترین تبری که را به آنها گفت.

س- ما در درآستانه شهادت مهدی می خواستیم خواهش کنم قدری از او بر ایمان بگوئید.

ج: راستی بیخشد توی سوال اول هم از من پرسیدید ولی آنقدر غرق در عظمت شهادت های این روزها شدم که واقعا " فراموش کردم. بله سالگرد شهادت فرزند قهرمان مهدی است ولی من چی بگم شما هر روز می بینید که دهها مهدی را دوباره می کشند، اگر می خواهم خصوصیات مهدی را بگویم مهدی همین ها هستند که هر هفته

شرح زندگی شون را توی نشریه تون می نویسید، حمید و حوا مد هستند که در کرمان به دار آویخته شدند، امیر غمخانی - محمد ضابطی، واقعا " عجب شهید و الامقامی بود مهدی روزهای آخر دستگیریش توی خونه آنها بود.

نمی دانم آخر کدا مشان را نام ببرم با بسیاری از آنها در داخل ایران زندگی کردم و موقعی که خبر شهادت را می شنوم قلبم می لرزه و وصیت نامه ها شون را ببینید یک دنیا عظمت یک دنیا، فی المثل یکی از این مهدی ها عبدالعلی سبحانی بود که مسئول امنیتی خونه ما بود چقدر فداکار بود واقعا " تحمل شهادت حتی از شهادت مهدی برایم سخت تر بود، البته تو خونه بهش مصطفی زمانی می گفتیم و یا شهدای اخیر کمال اکرمی (ناصر - رحمانی) همتی (مهدی زائریان) سودا به (سودا به معزی) شما شاید نشناسید اگر اسم ببرم حالا هم هیچکس اینا رو نمی شناسه، واقعا " کی

میدونه توی ایران چه می گذرد؟ برایم سخته ولی می خواهم هی راجع به اون صحبت کنم. این حرف موسی بود که می گفت شهدا را فراموش نکنید، کیست که وصیت گیتی اسادات جوزی را بخونه و جگرش آتش



س- عزیز جان (اجازه می خواهم که ما هم شما را به این نام بخوانیم). ضمن تشکر از اینکه تقاضای ما را برای این مصاحبه پذیرفتید، مشتاق هستیم که در آستانه دهمین سالروز شهادت گل سرخ انقلاب مهدی قهرمان قدری در مورد او و بر ایمان صحبت کنید.

ج- ابتدا اجازه می خواهم سالگرد تاسیس سازمان پرافتخار مجاهدین خلق ایران را به تک تک هم میهنان و فرزندان مجاهدان و علی الخصوص فرزندان مجاهدان مسعود تبریک بگویم.

نمی دانم از وضعیتی که در آن قرار داریم اظها رخوشحالی کنم یا تاسف بخوریم هر چند که من همیشه راضی به رضای خدا بودم چون از یک طرف می بینم که هر روز تعدادی از بهترین فرزندانم در جنگ با یک موجود ضد بشر بنام خمینی به شهادت می رسند که واقعا " برای من جانگداز است و واقعا " تحملم را از دست می دهم و نمی دانم خدا چه تحملی به مسعود داده که تک تک این گلها را پرورش داده نمی دانم که آیا واقعا " ارزش موسی سردار شهید خلق درک شده ارزش اشرف فهمیده شده، ارزش این همه خون که هر روز روی زمین میریزد درک شده واقعا " اگر تمام این ارزشها درک بشه یک لحظه آدم نمی تواند آرام بنشیند.

ولی خب از یک طرف دیگر می بینیم که این فداکاریها ثمره اش را داده و دارد می دهد رژیم خمینی ضدبشر را به سقوط نزدیک کرده مسئله ی دین فروشی را داره حل می کند و دست تمام مدعیان دروغیسن رو شده مهم ترا ز همه این خونها با عنت

در آستانه دهمین سالروز شهادت گل سرخ انقلاب مجاهد شهید مهدی رضائی مصاحبه ای داشتیم با مادر قهرمان رضائی های شهید، مادری که از آغاز مبارزه ی قهرآمیز علیه رژیم ضد خلقی شاه تا به امروز که خلق قهرمانان به پیشتازی فرزندان مجاهدش درگیری از سهمگین ترین نبردهای تاریخ است همواره در کنار فرزندان مجاهدش قرار داشته و از هیچ کوششی در راه پیشبرد آرمانهای مجاهدین فروگذار نکرده است و به همین جهت هم در نزد تمام می خلق ما بطور عام و مجاهدین خلق بطور خاص از احترام می عمیق برخوردار بوده و هم می مجاهدین: " عزیز را (مادر رضائی ها را به این نام می خوانند) مادر خود می دانند، عزیز که بلافاصله پس از ۳۰ خرداد دو همزمان با اعدام ولین سری اعدا مها از ولینین افرادی بود که توسط گیلانی جنایتکاره (جلاد خمینی خائن) رسماً " وعلنا " طی یک مصاحبه ی تلویزیونی مهدورالدم " اعلام شد در زمان شاه خائن علاوه بر تمام فشارهای که از جهت شهادت ۴ فرزندش متحمل شد، خود نیز مدت ۳ سال در زندانهای شاه محبوس بود و در دوران بازجویی نیز شهادت " مورد شکنجه قرار گرفت، اما در دوران بعد از انقلاب نیز در حالی که این مادر قهرمان هنوز آثار شکنجه های آریامهری برپاهاش باقی بود (و هنوز نیز هست) از طرف خلف شاه خائن یعنی رژیم ضدبشری خمینی خون آشام تحت تعقیب قرار گرفت و این تازه بعد از آن بود که خانه اش سه بار با بمب مورد هجوم پاسداران ظلمت قرار گرفته بود.

و مدتی بعد، یعنی در ۱۹ بهمن ۶۰ نیز که پنجمین فرزندش - مجاهد شهید آذر رضائی و نیز فرزند بدینیا نیا مدهی آذریه همسراه سردار شهید خلق مجاهد کبیر موسی خیابانی در چنان صحنه ای جاودانی و عاشورا - گونه بدست پاسداران خمینی جنایتکار به شهادت رسیدند....

به هر حال در آستانه دهمین سالگرد تاسیس سازمان پرافتخار مجاهدین و سالگرد شهادت گل سرخ انقلاب ایران مجاهد قهرمان مهدی رضائی از ایشان تقاضا کردیم که مصاحبه ای با نشریه اتحادیه داشته باشند که خوشبختانه پذیرفتند و ما ضمن تشکر مجدداً از ایشان، ذیلاً متن این مصاحبه را چاپ می کنیم:

دهمین سالگرد شهادت مهدی رضائی

بقیه از صفحه ۷

منجمله از مهدی رضائی تا موسی خیابانی و از فاطمه امینی تا اشرف ربیعی و انبوهی از ستارگان تا بناک را بر آسمان این میهن نشانند تا در ادامه راه آنان و در رهگذر این نبرد عظیم تاریخی بنیاد هرگونه استبداد و استعمار و استثمای برافتنده و سرانجام جامعه بی طبقه و توحیدی محقق گردد. گرامی باد خاطرهای تا بناک گل سرخ انقلاب مجاهد شهید مهدی رضائی

و شما می شهدای بخون خفتهی خلق

از دفاعیات گل سرخ انقلاب
در دیدگاه شاه خائن

"هدف ما فراهم آوردن چنان شرایطی است که همه ی انسان ها تحت آن شرایط به آخرین حد کمال و انسانیت برسند. اگر انسان برای بدست آوردن لقمه ی نانی به پست ترین صورت ها متشبث بشود از این هدف عالی دور افتاده است. هدف ما چیزی جز بهروزی خلق و درهم شکستن هرگونه روابط ظالمانه ی اجتماعی و اقتصادی و استوار ساختن تعالیم عالییه ی اسلامی در جامعه نیست. جا معهای آزاد، بی طبقات و توحیدی، جامعه ی ایده آل ماست."

"آقای دادستان، تا به حال عده زیادی از جوانان انقلابی و پاک ملت ما در ایسن دادگاه محاکمه شده اند.

من از شما می پرسم آیا هرگز از خودتان پرسیده اید چرا این جوانان انقلابی دست به اسلحه برده اند؟... من می گویم نه شغل، نه پول، نه مقام و نه اتومبیل و زندگی مرفه نمی توانند ما را فریب دهد ما به هیچکدام از اینها دل بستگی نداریم، زیرا قبلاً" می توانستیم دارای همه ی اینها باشیم... من و برادران انقلابیم عقده و کمبودی نداریم. توهین ها و تهمت های ناروای شما چیزی از حیثیت ما انقلابیون کم نمی کند بلکه هرچه بیشتر نشانده ی موضع انقلابی ماست که شما را به خشم آورده است."

"بگذارشکنجه کنند، بگذار رک و پوست ما در راه خلق فدا گردد، تا ظلم هست، مبارزه هست و تا مبارزه هست، شکست و پیروزی هست ولی سرانجام پیروزی از آن خلق ها است. این را من نمی گویم، این را تاریخ می گوید این را نبرد قهرمانان نهی خلق ویتنام می گوید و خلق ها حقیقت را می گویند."



از دوره ی سابق است. کی در آن موقع ها هر روز ۲۵ تا ۴۰ نفر را می کشتند، یادم هست در تمام دوران از ۵۰ تا ۵۷ بجزاون مدتی که من زندان بودم داشما "خونه ی ماشلوغ بود با وجودی که می دانستند ما مخالفیم و لسی با زهم مردم آزادانه می آمدند و می رفتند و جلسه ی بزرگداشت برای شهدا می گذاشتیم ولی حالا ما درها اگر دم زندان شلوغ کنند می برند آنها را توی زندان شلاق می زنند موقع خاک کردن بچه ها یک مشت پاسدار و فالانژ رذل و پست می آیند سرفیروا خاواده شهید را اذیت می کنند به شهید توهین می کنند لگدبه ها می زنند. واقعا "عجب وقاحتی! آیا چقدر ما درها را اینها دستگیر و شکنجه می کنند می دانید داخل گاهای بخاطر، یک اعلامیه آدم را اعدام می کنند برای ایجاد ترس، در معا بر عمومی بچه ها را اعدام می کنند فقر گرانی، کمیابی اجناس و... همه به جای خود، دسته دسته مردم را دستگیر، شکنجه و اعدام می کنند. ۲۰۰۰۰۰ اعدام ظرف ۱۴-۱۵ ماه شوخی نیست. یا ۵۰۰۰۰ زندانی.

س: عزیزجان ما که از صحبت های شما سیر نمی شویم ولی چون قول دادیم زیاد وقتتان را نگیریم به عنوان آخرین سوال می خواستم بپرسم شما برای بچه ها تون که در خارج هستند چه پیامی و یا توصیه ای دارید؟

ج: واللہ فکر می کنم وظیفه ی هرکس مشخص است داخل یک جنگ تمام عیار است بچه ها در داخل واقعا "جانفشانی می کنند. زحمت می کشند و فداکاری می کنند... شما هم در خارج با فعالیت های افشاگرانه و سایر فعالیت های خودتون منجمله همین نشریه که به زبانهای مختلف ترجمه و چاپ می کنید... مسئولیت خودتون را در قبال انقلاب انجام می دهید. ما در ایران که بودیم بعضا "خبر فعالیت های شما را از رادیوها می شنیدیم. خیلی خوبه و قابل تقدیر. ضمناً "بدنیست بدانید که وقتی ما ایران بودیم می دیدیم که هرچقدر دست و پست سال بچه ها از نظر امکانات و بخصوص امکانات مالی بازتر باشد، می تونند بیشتر کار کنند حتی می شه گفت کمتر شهید می دهند می دونید مردم خیلی کمک می کنند ولی شرایط هم خیلی سخته هرچقدر بچه ها اینجا هم کمک کرد خیلی برای پیشبرد کار خوبه، در حال من فکر می کنم باید مثل اون بچه ها کار کرد و می دونم شما هم می کنید خدا حفظتون کند.

پایان

مصاحبه با مادر رضائی ها ...

نگیره؟ می دونید من یکبار زندان رفتم شکنجه هم شدم وقتی می شنوم توی ایسن زندانها چقدر این بچه ها را شکنجه می دهند چقدر این دخترام را اذیت و آزار می دهند واقعا "تحلم را از دست می دم بریروزها شرح زندگی مجاهد شهید ابراهیم زاده (مسئول اعدام انقلابی صدوقی جنایتکار از طریق عملیات مقدس انتخاری) را می خواندم، لذت بردم، واقعا "چه عظمتی! به بچه ها گفتم نمی شه سا زمان به من هم اجازه بده برم به خودم بمب ببندم و یکی از اینها را به سزای جنایتش برسانم؟ بچه ها می گن نمی داریم شما اینکار را بکنید ولی من هم مثل خانم کبیری - خانم ذاکری - با خانم کبیری توی زندان با هم بودیم بنده ی خدا را چقدر با زجوهای ساواک شکنجه کردند. شنیدم این جلادها - جلادهای خمینی - اونو زیر شکنجه شهید کردند. پسرش "حسن" و عروش "هما" را هم قبلاً شهید کردند. خوش به سعادتش عجب شیرزنی بود.

خب حالا می گوئید راجع به مهدی بگم همین ها مهدی هستند همین میلیشیا ها که هر روز با خمینی می چنگند و همین بچه ها که هر روز می برند، اعدام می کنند و اونها حاضر نیستند مقابل خمینی تسلیم بشوند، چقدر خمینی کثیف و رذل است چه سرما بیهوشی از این ملت را بر باد داده است چقدر استعدا داتی را خائنانه برپر کرد! لعنت خدا بر او!

البته یک چیزی هست آنوقت ها که مهدی عزیز ما را اعدام کردند خیلی ها نا آگاه بودند خون مهدی خیلی ها را آگاه کرد یعنی اون موقع ها واقعا "کم بودند کسانی که از همه چیزشون بگذرند و بخاطر خدا و مردم مالشون را، جوشون را و خلاصه همه چیزشون را فدا کنند. و اتفاقاً "اهمیت خون امثال مهدی در آن شرایط سکوت و سکون همین بود که راهگشا بود راه نشون دادند شمره ی اونو هم می بینیم. اونهای که دنبال مهدی ها رفتند امروز چطوری جلوی خمینی ایستادند.

س: عزیزجان ممکن است یک مقداری از شرایط داخل برایمان بگوئید با لایحه شما تازه آمدید و نزدیک شاه و وضعیت ایران بودید. ج - فقط می خواهم بگم که داخل اگر خمینی این قدر نکشه یک روز هم سرپا نیست شما نمی دانید که چقدر جو خفقان شدیده بالاخره ما زمان شاه داشما "با اونها درگیری داشتیم به خدا فشارها و جنایات و شکنجه های خمینی صدبرابر و یا حتی بیشتر

مصاحبه با یک افسر کارشناس نظامی مجاهد خلق در داخل کشور در رابطه با آخرین اوضاع جبهه‌های جنگ ایران و عراق

مقدمه: به یاد دارم که تاج و خمینی به خاک عراق مدتی به عنوان یک سوال جدی اذهان مفسران و محافل خبری و سیاسی جهان را به خود مشغول داشت و بخصوص در شرایط تاج و اسرائیل به لبنان و اعلام عقب نشینی عراق به مرزهای بین‌المللی اش با ایران این سوال جدی تر شده بود. اما سرانجام پیش بینی‌هایی که بر اساس شناخت دقیق ماهیت رژیم خمینی و مسائل مبتلابه او در مورد اقدام اجتناب ناپذیر رژیم به تاج و زبه خاک عراق به عمل آمده بود، به حقیقت پیوست و این در حالی بود که در این پیش بینی‌ها (مشخصاً "از جانب مجاهدین خلق ایران) با زتاب‌های زیان‌بار این تاج و زبیر برای خود رژیم خمینی ملحوظ بود. چرا که در واقع به دلایل فوق الذکر هیچ چیز نمی‌توانست مانع تداوم جنگ طلبی و بحران آفرینی رژیم خمینی بشود و چنین بود که نیروهای خمینی با عبور از مرز همسای بین‌المللی ایران و عراق، عملیات سنگینی بنام "رمضان" را در خاک عراق آغاز کردند.

البته این تردیدها را نباید به سادگی بی‌مورد دانست، چرا که مسلم بود تاج و خمینی به خاک عراق مضافاً "بر همه‌ی ضایعات و مخارج و تلفات جنگ یک اشتباه مهلک سیاسی نیز برای رژیم خمینی محسوب می‌گردید. در شرایط تاج و اسرائیل به انقلاب فلسطین تردیدها حتی تا قلب جنگ افروزترین جناح‌های رژیم خمینی نیز رسوخ کرده بود و در اینجا نیز یکبار دیگر این خمینی بود که به نحو بسیار رزی بیش از هر کس دیگر آنچه را که از ماهیت ضد بشری و ارتجاعی اش می‌جوشد به جریان می‌انداخت. صیاد شیرازی عنصر سادیک و شریر ارتجاع و مهره اصلی خمینی در ارتش در تار ریخ ۱۹ مرداد، با کمال وقاحت می‌گوید: "به دنبال بروز مسئله (جنگ لبنان) ما مجسده‌ها را قصد عزیمت به سوریه را از راه هواشسی و مقابله با اسرائیل داشتیم ولی خدا را شکر می‌کنیم که ما هم عزیز به ما هشدار دادند که تا تعیین تکلیف صدام به این مهم اقدام کنیم و صدام را در این موقعیت رها نکنیم".

بنا بر این تنها به اعتبار شناخت دقیق کاراکتر "ضد بشری" و "دجال" خمینی و

تنها با درک عمق تزلزلات و بحران‌های کشنده‌ای که در اثر ضربات کمر شکن و جبران ناپذیر مقاومت خونین یکساله‌ی خلق تاج و مغز استخوان رژیم خمینی رسوخ کرده؛ می‌توان "پارا دوکس" تاریخی رژیم خمینی را دریافت. چرا که از یک سو برای بقا و حیات خود به بحران و جنگ نیاز دارد و از سوی دیگر این بحران‌ها و جنگ افروزیها روز بروز با سرعت دم‌افزون تمامیت و موجودیت این رژیم را در خود فرو می‌برد.

آنچه در صحنه‌ی جنگ می‌گذرد، به روشنی روشهای خمینی و ناساها و تظاهراتی رژیم او را به نمایش می‌گذارد و نشان می‌دهد که او چگونه به جنگ نیاز دارد و به هر قیمتی از پایان یافتن آن جلوگیری می‌کند. و چگونه در عین حال در اثر جنگ بر مشکلاتش افزوده می‌گردد. این واقعیات همچنین نشان می‌دهد که چگونه سرمایه‌های انسانی و مادی میهن و مردم ستمدیده‌ها در جنگال این رژیم ضد بشری و ضد خلقی به تباهی کشیده می‌شود.

به این منظور مصاحبه‌ای که با یک افسر کارشناس نظامی مجاهد خلق در داخل کشور به عمل آمده ذیلاً درج می‌کنیم و مقدمتاً "یادآوری می‌کنیم که اولاً برخاسته نکات حاوی اطلاعات جنگی و نیز نکاتی که احتمالاً می‌تواند برای افسران میهن پرست و پرسنل نظامی مجاهد خلق مشکل امنیتی ایجاد کند، حذف گردیده است. نکته‌ی آخر اینکه این مصاحبه در وائسل مرداد صورت گرفته است.

س: بطور خلاصه عملیات "رمضان" چگونه آغاز شد و به چه نتایجی رسید؟

ج: عملیات رمضان در روز مقرر انجام نشد و به دلایلی زودتر آغاز گردید که تقریباً خیلی از برنام‌ها به هم خورد. علت جلو افتادن گویا درگیری ناخواسته‌ی پاسداران و یا آگاهان آنها نبوده است که می‌خواسته‌اند در شبهای قدر باشد. به هر حال با اینکه فرماندهان نیروهای زمینی و هوایی در جریان نبودند درگیری شروع می‌شود و چون تهاجم سپاه شروع شده بود ارتش نیز به ناچار وارد صحنه می‌شود.

حمله در سه محور: کوشک، ایستگاه گرم‌دشت و از سمت خرمشهر آغاز می‌شود که در

ابتدا هم‌انطور که گفته شد سپاه از کوشک با ۲ تیپ به نامهای ... حمله را به یک لشکر عراقی آغاز می‌کند. لشکر عراقی بسا برنام‌های از پیش تعیین شده با مقاومت کم از جلوی پاسدارها عقب نشینی کرده و تا نزدیکی بصره می‌رود. نیروهای ایرانی در تعقیب آنها وارد خاک عراق شده و تا عمق ۲۵ کیلومتری نفوذ می‌کنند که در این موقع دو تیپ عراقی که در جناحین چپ و راست (شرق و غرب) کمین کرده بودند از پشت راه را بر ۲ تیپ سپاه بسته و لشکر عراقی نیز همزمان با تک نموده و به این ترتیب ۲ تیپ کامل سپاه ۱۰۰٪ منهدم می‌شوند. غیر از این دو تیپ یک تیپ ارتش بنام ... که از عقب به کمک سپاه آمده بود در تله افتاده و آن هم بطور کامل منهدم می‌شود. بدین ترتیب در اولین حمله ۳ تیپ که حدود ۴۰۰۰ نفر می‌باشند کشته یا زخمی یا اسیر می‌شوند.

بعداً از این پاسدارها به شدت در برابر نیروهای دیگر شروع می‌شود که طبق آمار رژیم تا کنون حدود ۷۰۰۰ کشته و ۱۵ هزار زخمی داشته‌اند. این تعداد علاوه بر تلفات ۳ تیپ منهدم شده‌ی مذکور می‌باشد. بدین ترتیب تا جمعه ۴/۲۵ آمار تلفات ۱۲ هزار کشته و زخمی‌ها حدود ۲۰ تا ۲۵ هزار بالغ می‌شوند و با این حساب از مجموع کل نیروهای ایران که ۷۵ هزار نفر در شروع حمله بوده‌اند حدود ۳۵ تا ۴۰ هزار تا کنون از صحنه‌ی نبرد خارج شده‌اند چیزی حدود ۵٪ کل نیروهای ایرانی.

س: با این رقم تلفات اکنون خط درگیری در کجا است؟

ج: هم‌انطور که گفته شد. نیروهای ایرانی با دادن تلفات بی‌شمار هر طور که شده خود را در داخل خاک عراق نگه داشته‌اند به این ترتیب: محور کوشک تا حدود ۲۵ کیلومتری بصره، محور گرم‌دشت تا حدود ۵ کیلومتری و محور خرمشهر بین ۲۵ تا ۵ کیلومتری و نکته‌ای که قابل توجه است این است که هیچکدام از این مواضع به غیر از مواضع اشغالی توسط لشکر ... تثبیت نشده است و تلفات زیاد در روز نیز به همین خاطر می‌باشد. عراق مواضع مستحکم نشده را از هوا و زمین، مرتباً "بدون وقفه می‌کوبد".

بقیه در صفحه ۴۰

مصاحبه برادر مجاهد مسعود رجوی با سندیکای مصححین فرانسه

سرکوب بر علیه جنبش کارگری در ایران

مصاحبه ای با

مسعود رجوی، رهبر مجاهدین خلق ایران

بنقل از بولتن سندیکای مصححین

تاریخ: ژوئن ۱۹۸۲

این مصاحبه از تیپ خاصی برخوردار است، این مصاحبه با رهبریک سازمان سیاسی به اسم سازمان مجاهدین خلق ایران و به وسیله مبارزین سندیکای مصححین در کادر حرکت بنیادیشان که همانا دفاع از حقوق دمکراتیک و حق حاکمیت خلق ها و بخصوص منافع طبقه کارگر در ایران است، صورت گرفته است.

هدف از این مصاحبه بحث در مورد پروژه سیاسی، تاکتیک اتحادیا انتخاب طرح ریزی شده سازمان مجاهدین خلق ایران نیست، بلکه سخن دادن به یک مبارز می باشد تا در مورد وضعیت کارگران ایرانی تحت رژیم خمینی صحبت کند.

مسعود رجوی در رژیم شاه دستگیر و به مرگ محکوم شد ولی حکم اعدامش به حبس ابد تخفیف پیدا کرد. بعد از اینکه ۶ سال از عمرش را در زندان های ساواک بسربرد و بالاخره چند روز قبل از قیام ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ از زندان آزاد شد. از آن پس، وی از اصلی ترین چهره های سازمان مجاهدین خلق به حساب می آید. سازمانی که از اوایل سالهای ۱۹۶۰ یک جنگ چریکی را بر علیه رژیم انجام داده و نقش مهمی در روزهای قیام فوریه ۱۹۷۹ بازی کرد. در مرحله اول این سازمان بوسیلهی متدهای سیاسی با رژیم جمهوری اسلامی مخالفت کرده و سپس از ۲۰ ژوئن ۱۹۸۱ وارد فاز مبارزه مسلحانه شد. قبل از این تاریخ میتینگ ها و تظاهرات این سازمان صدها هزار نفر را در خود جمع می کرد و روزنامه اش در ۵۰۰ هزار نسخه انتشار می یافت. رقمی که در تمام تاریخ سیاسی ایران بی سابقه بود. در انتخابات اوت ۱۹۷۹ در تهران (برای مجلس خبرگان) مسعود رجوی به عنوان کاندیدای اصلی این سازمان بیش از ۳۰۰ هزار رای و در انتخابات مجلس در بهار ۱۹۸۰ بیش از ۶۰۰ هزار رای آورد و این در حالی بود که تعداد شرکت

کنندگان در انتخابات مجلس ۲ تا ۳ میلیون نفر کاهش یافته بود. برای نمونه بدنیست بدانیم که کاندیدای حزب توده فقط ۴۵ هزار رای آورد.

مسعود رجوی مخفیانه ایران را در ژوئیه ۱۹۸۱ بوسیله یک هواپیمای نظامی به خلبانی یک عضو مخفی O.M.P.I به همراهی رئیس جمهور سابق بنی صدر ترک کرد. و به همراهی ایشان در پاریس شورای ملی مقاومت را بنیادگذاری کرد. شورای که دنیویروی ملی مبارزان O.M.P.I و P.D.K.I. - که کردستان را به جز مراکز شهرها کنترل می کند - می باشد.

این "شورای ملی مقاومت برای آزادی و استقلال" ۲۹ سپتامبر ۱۹۸۱، برنامهدولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران را انتشار داد.

سوال: طبقه کارگر از چه وزنه های در ایران برخوردار است؟ درجه ای تمرکزش چیست و چه بخش هایی از آن از همه متکا ملتر می باشد؟

جواب: جمعیت فعال بیش از ۱۲ میلیون نفر می باشد که طبقه کارگر ۲۵ تا ۳۰ درصد این مقدار را تشکیل می دهد یعنی ۳ میلیون یا قدری بیشتر. در صنایع بزرگ ما بیشتر از یک میلیون کارگر نداریم. منظور ما صنایع بزرگ کارگاه ها یا کارخانه های است که متوسط کارگران حدود هزار نفر است.

قبل از هر چیزی می خواستم خاطرنشان سازم که طبقه کارگر ما از خصایص ویژه ای برخوردار است. جنبش کارگری در ایران یک تاریخچه طولانی در مبارزه سازماندهی شده ندارد. مثلاً از بین سه میلیون نفری که من ذکر کردم، نزدیک به هشتصد هزار نفر در کارگاه های قالی بافی مشغول بکار هستند که عملاً روستایی می باشند. در مورد بقیه اقشار کارگری هم خواستگاه روستایی آنها کارگاهها "مشخص است. این پایگاه روستایی حتی در بخش های دیگر طبقه کارگر مشهود می باشد. با دیدگفت که قسمت اعظم کارگران صنعتی دوندل ما قبل خودش به

روستا بر می گردد. از طرف دیگر باید دانست که توسعه صنعتی همیشه محدود بوده است، که این خود شکست انقلاب مشروطه ۱۹۰۵ را توضیح می دهد، انقلابی که (در نتیجه شکست) شاه پیروزی فتودالیت به سر بورژوازی بود. در واقع بورژوازی ایران اساساً در بخش تجاری وسعت پیدا کرد. و به همین خاطر بود که خمینی توانست در فردای انقلاب بهمن ۱۳۵۸ از سمیاتی یک بخش اعظمی از کارگران بهره ور شود. در صورتی که هرگز به آنها هیچ علاقه ای به عنوان کارگر ندارد.

سوال: شکل فعالیت های سندیکایی در زمان شاه چگونه بود؟

جواب: دوره ای که "ملا" مشخص را با اید از هم جدا کنیم، یکی قبل از سال های ۱۹۵۳ که دیکتاتوری مطلق نبود و هنوز در یک وضعیت سیاسی نیمه دیکتاتوری به سر می بردیم که در آن مقطع فعالیت سندیکایی امکان پذیر بود. و اساساً این حزب توده بود که فعالیت می کرد. اما بعد از کودتای امپریالیستی ۱۹۵۳ و بخصوص بعد از اینکه در سال ۶۳ شاه انقلاب با مطلق سفیدش را به انجام رسانید، دیکتاتوری به صورت مطلق در آمد و از آن پس اصلاً امکان حرکت سندیکایی مستقل دیگر موجود نبود. در واقع از این تاریخ تا سقوط شاه، فعالیت سندیکایی "سندیکایی" بوسیله دولت کنترل می شد و فقط یک شبه - سندیکالیسم بود که همه از ما هیتش مطلع بودند.

و اما ما بطور مخفیانه در حدی که توانائی داشتیم با فعالیت زیرزمینی در میان کارگاه ها نفوذ کردیم. ولی به هیچوجه امکان توسعه فعالیت های پایسیفیک موجود نبود و به همین دلیل ما جنگ مسلحانه را به عنوان تنها راه مبارزه انقلابی و مترقی در ایران قلمداد می کردیم. البته جریانهای دیگری سعی در حضورداشتن در کارخانه ها می کردند، ولی ما تنها کسانی بودیم که فکر می کردیم نمی توان در کوتاه مدت طبقه کارگر را برای سرنگونی رژیم خمینی بسیج کرد. بنا بر این فعالیت های ما مجاهدین در داخل کارخانه ها هدف استراتژیکی داشت، نه تاکتیکی، برای مثال

سرکوب بر علیه جنبش کارگری در ایران

ما به شروع شده و هنوز در چندین کارخانه ادامه دارد. برای مثال در جنرال موتورز حدود ۱۷۰۰۰ کارگر دست به اعتصاب زدند و دلیلش هم آخرین تصمیم وزارت کار مبنی بر افزایش ساعات کار به ۴۴ ساعت و حذف تعطیلی روزهای پنجشنبه - معادل روز شنبه در فرانسه - بود. کارگران خواستار لغو این اقدامات و انحلال انجمن های اسلامی بودند.

اعتصاب بوسیله ی پاسداران سرکوب شد. نتیجه: حدود صد نفر اخراج شدند. من اسم ۴۶ کارگری را که دستگیر شدند در اختیار دارم. کارهای تکنیکی که مسئول حفظ نظم در کارخانه بودند. به زندان انداخته شدند. قسمتی از کارگران دستگیر شده در زندان اوین بصری پزند و بعضی دیگر در یک مرکز مخصوص در وزارت کار تعدادی از کارگران جنرال موتور در پی این اعتصاب دستگیر شده و زندگیشان در خطر است.

باز برای نمونه بد نیست بدانید که در کارخانه ی مونتاژ اتومبیل زامیاد، حدود ۱۴۰۰۰ کارگر و ۳۰۰ کارمند کار می کنند. از این ۱۷۰۰ نفر در آمارگیری که در فوریه گذشته کردیم، فقط صد نفر طرفدار رژیم بودند، برای اینکه ایده های از ترووا عمل شده در کارخانه در اختیار تان بگذارم، بد نیست بدانید که در همین کارخانه ی زامیاد، در تاریخ ۸ فوریه گذشته خانم تلفن چی رادر حیاط کارخانه در ملا عام شلاق زده و سپس اخراج کردند. دلیل این کار هم این بوده که خانم به سرعت کافی تلفن های مربوط به انجمن اسلامی را وصل نمی کرده و هنگام خروج از کارخانه روسری اش را برمی داشته ... در پی این جریان، وضعیت کارخانه شدیداً متشنج گشته بود و در روز ۴ فوریه، هرگزدهمائی بیش از دو نفر رسماً "ممنوع اعلام شد".

سوال: وضعیت کارگران چاب چگونه است؟

جواب: سرکوب رژیم خیلی زود تراز قسمت های دیگر شامل کارگران چاب شد. چرا که به دلیل نوع کارشان به اخبار و همسه گونه ایده دسترسی داشتند. و به همین دلیل تهدیدی برای رژیم به حساب می آمدند. خمینی در سومین ماه حکومتش، چاپخانه ی دو روزنامه مهم را اشغال کرد و در ماه ششم بود که نوبت به حمله ی رسمی به مطبوعات و کتاب بقیه در صفحه ۳۷

سوال: صحبت از رشد "شوراها" بعد از سقوط رژیم شاه می شود. چه بر سر این شوراها آمده؟

جواب: بلافاصله بعد از انقلاب، کلیه نیروهای مترقی منجمله خود را شعار تاسیس شورا را مطرح کردیم. منظور از این شعار، ایجاد شوراهای کارگری و خصوصاً شوراهای کارگری در کارخانه ها بود. در مقابل این شوراها، خمینی شعار "شوراهای اسلامی" را سرداد. شوراهائی که وابسته به حزب، یعنی حزب جمهوری اسلامی بودند. برای خمینی اسلام، انقلاب، خلق یعنی خودش، در نتیجه برای جایگزین کردن شوراها ی اسلامی اش تن به سرکوب شوراها ی مردمی داد. او تمام شوراهائی را که در خدمتش نبودند، منحل کرد. صدها هزار کارگر را طرد و تصفیه های پی در پی اخراج کرد. تصفیه های که به جنبش کارگری لطمات زیادی وارد کردند. ولی چون ما در شوراهای اسلامی هم نفوذ داشتیم، رژیم حتی آنها را هم منحل کرد. کار به آنجا رسید که حتی حزب توده ای که با شعار "اعتصاب سلاح امپریالیسم است" اعتصابات را مانورا امپریالیسم قلمداد کرده و آنها را لومی داد، بر علیه این اقدامات اعتراض کرد.

برای اینکه ایده های از وضعیت طبقه کارگر در اختیار شما بگذارم، لازم است گفته شود که در حال حاضر بیش از ۵ میلیون بیکار در ایران وجود دارد و استفاده از ظرفیت تولید در صنایع به ۲۰ درصد رسیده است.

در حال حاضر دیگر صحبتی از حتی شوراها ی "اسلامی" هم در کار نیست. به جای آنها ارگانهای کنترل کننده و سرکوب کننده بر سر کار آمده اند مثل: انجمن های اسلامی، خانه ی کارگر، بخش های کارگری سپاه پاسداران و بخش کارگری حزب جمهوری اسلامی. تمام این ارگانها دقیقاً "نقش ساواک سابق را در جنبش های کارگری بازی می کنند".

تمام این ارگانها مسئولین مستقیم اعدام صدها کارگر مجاهد، دستگیری هزاران کارگر مبارز و اخراج عده ی زیادی کارگر می باشند.

سوال: با وجود این وضعیت، آیا هنوز مبارزه ای صورت می گیرد؟

جواب: آخرین موج اعتصابات در اوایل

ما با جزواتی که به زبان ساده نوشته شده بود، در حقیقت تئوری استثم را به زبان ساده بیان می کردیم.

عسکر یزاده که آن موقع یکی از رهبران ما بود، کتاب کوچکی به اسم "اقتصاد به زبان ساده" نوشته بود که به دردا بین کار می خورد. با دیدن روی این مسئله تاکید کرد که تشیع عمیقاً "در قلب طبقه ی کارگر ایران ریشه داشته و تحت سلطه ی رژیم سلطنتی هیچ محلی برای سندیکالیسم باقی نمی ماند".

سوال: ولی با وجود این قبیل از سرنگونی سلطنت مبارزات و اعتصابات زیادی بوقوع پیوست ...

جواب: فقط در فاصله ی آخرمبارزه بود که طبقه ی کارگر توانست نقش تعیین کننده ای بازی کند. بیانی که ما از این دوره ارائه می دهیم چنین می باشد. مبارزه ی انقلابی مسلحانه راه را برای به حرکت درآوردن نیروهای وسیع اجتماعی باز کرد. در مقطع نهائی بخصوص این اعتصاب کارگران نفت بود که ضربه نهائی را بر رژیم شاه وارد آورد. برای اینکه دقیق تر به سوال، جواب گفته باشم، باید بگویم مسلماً "نهضت های اعتراضی وجود داشت، مثلاً در بهار سال ۱۹۷۱، قیام کارگران چیت جهان در حومه ی تهران که رژیم آنرا در خون غرق کرد. نهضت ها و اعتصابات خود بخودی دیگری هم بوقوع پیوست ولی هیچ هماهنگی بین آنها وجود نداشت و برای اینکه طبقه ی کارگر بتواند نقش تعیین کننده ای عهده دار شود، تافاز نهائی مبارزه بر علیه سلطنت وقت لازم بود.

سوال: رشد طبقه ی کارگر در پی سقوط سلطنت پهلوی چگونه بود؟

جواب: خمینی جواب خواسته های طبقه کارگر را فقط بوسیله چماق و کللوله داد. آخرین پیام او به مناسبت اول ماه مه خود بیانگر توجه وی نسبت به کارگران است. وی از کارگران در این پیام می خواهد تا: "خدا را شکر گویند، چرا که همیشه مشعل سرما به داران مریض حال نیستند." خمینی حتی بدون واژه می گوید: "سرما به دارها با وجود اینکه شروت مند هستند ولی بیچاره اند. هیچگاه از فضای آزاد استفاده نمی کنند و زیاد مریض می شوند. سلامت روحی و جسمی کارگران را با کار فرمایان مقایسه کنید!" در نتیجه منطق خمینی چنین است: "پس بیشتر کار کنید و خدا را هم شکر گزار باشید!"

انعکاس اخبار و گزارشات ایران مقاومت خلق و جنایات خمینی جاد در مطبوعات خارجی

انعکاس جهانی کتاب «در جنگ با بشریت»

از انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران

دنیای دیگر

THE ECONOMIST JULY 24 1982

کتاب تکان دهنده «در جنگ با بشریت» تاستان امسال توسط مجاهدین خلق، دشمنان اصلی ملاحظه منتشر شد. این کتاب ادعا دارد که توسط ملاحظه تا پایان آوریل امسال در مدت ۱۱ ماه ۱۵۰۰۰ نفر از مردم ایران اعدام شده اند. ملاحظه اعدام حدود ۴۰۰۰ نفر را تاکنون تصدیق کرده اند. اگرچه آمار داده شده توسط مجاهدین قابل سوال است، لیکن موارد و حشناک مشخص شکنجه و مرگ در داخل زندانهای ایران حقانیت این ادعای (مجاهدین) را نشان می دهد ■

*

اسناد ایران

STADT REVUE AUGUST 1982

Iran
Dokumentation

„At War with humanity“ ist der Titel einer englischsprachigen Dokumentation der Volksmujahedin über die Menschenrechtsverletzungen im Iran, die das Chomeini-Regime innerhalb der 3 1/2 Jahre seiner Herrschaft zu verantworten hat. Das Buch ist für 20 DM am Büchertisch der Moslemischen Studentenvereinigung in der Mensa und im linken Buchhandel erhältlich.

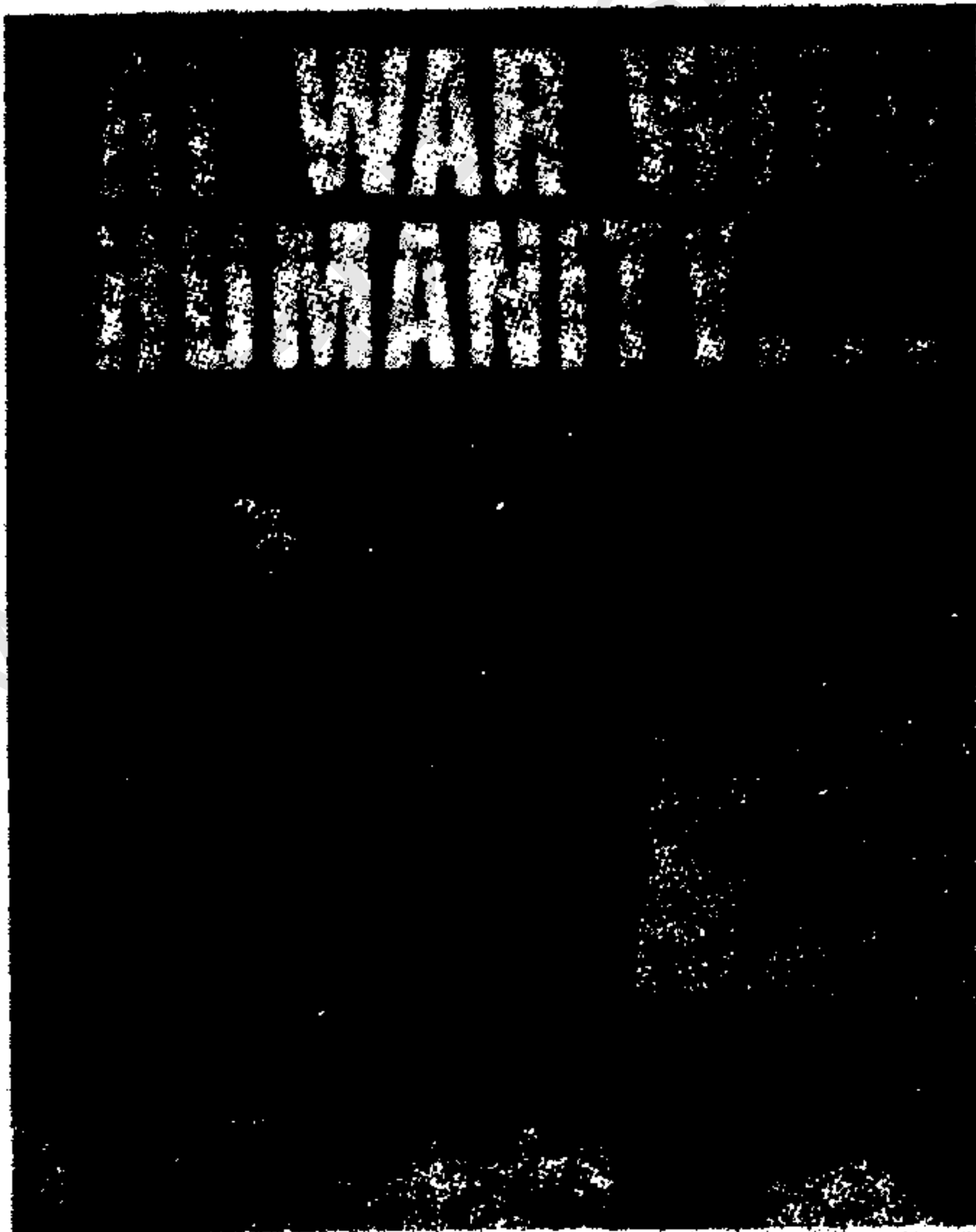
«در جنگ با بشریت» یک کتاب اسنادی زبان انگلیسی از مجاهدین خلق درباره نقض حقوق بشر در ایران است. نقض حقوق بشری که رژیم خمینی در مدت سه سال و نیم حاکمیتش مسئول آن بوده است. قیمت کتاب ۲۰ مارک آلمان است که در روی میز کتاب انجمن دانشجویان مسلمان درمنزاد در کتاب فروشی های چپ (مترقی) یافت می شود ■

چاپ و پخش کتاب «در جنگ با بشریت» (از انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران) در تعداد زیادی از کشورهای جهان، با مدارک مستند و غیر قابل انکاری که در آن موجود است تا شریبه سزائی در افشای چهره ی خمینی و جنایات او در سطح بین المللی گذاشته است. به دنبال انتشار این کتاب مجامع حقوق بشری جهان نیز از چاپ این کتاب استقبال نموده و مراتب رضایت خود را به ویژه در مورد مستند بودن و دقت گزارشات آن به سازمان مجاهدین خلق اعلام داشتند. بسیاری از مطبوعات جهان نیز به معرفی این کتاب دست زدند و بدین ترتیب به صورت گسترده ای در سطح جهان منعکس گردید. در این شماره گوشه ای از انعکاس گسترده ی این کتاب را در مطبوعات بعضی کشورهای ذکر کرده و در فرصت های بعدی نیز سعی خواهیم نمود که بقیه ی آنرا چاپ کنیم.

در جنگ با بشریت

die tageszeitung
Dienstag, 24.8.82 Ausland

در جنگ با بشریت تیتسر کتابی است که چندی پیش از طرف مجاهدین خلق ایران به زبان انگلیسی انتشار یافته است. در موقع مطالعه ی این کتاب انسان از خود بی خود می شود ولی اگر کسی مدرک و پرونده اخبار شاهدین عینی و لیست های دراز اسم اعدام شدگان و علاوه بر آن عکس های مربوطه ی این چشاندیش را می خواهد، می تواند با پرداخت ۲۰ مارک بوسیله ی چک، کتاب را دریافت دارد. مولفین کتاب، آنرا یک گزارش زیر پا گذاشتن حقوق بشر در زمان حکومت سه ساله ونیمه ی خمینی می نامند. و اضافه بر آن: «عکس ها و مدارکی که نشان داده می شود، برای تهیه ی آنها دستگیری و حتی اعدام افرادی را به



„At War with Humanity“ ist der Titel eines Buches, das vor kurzem von den Volksmujahedin in englischer Sprache herausgegeben wurde. Es wird einem schlecht beim Lesen, aber sehr Beweise, Dokumente, Augenzeugenberichte, schier endlose Listen mit Namen von Hingeführten und auch noch Fotos von dem ganzen Grauen sucht, der kann sich das Buch gegen allen Verrechnungsscheck in Höhe von 20 DM zurechnen lassen. Als einen Bericht, über die Menschenrechtsverletzungen während der dreieinhalbjährigen Herrschaft Khomeini“ kündigen die Herausgeber das Buch an, und: „Die Aufnahmen einiger Fotos und Dokumente hatte die Verhaftung und sogar Hinrichtung von Menschen zur Folge, wie zB von Angestellten des Gerichtsmedizinischen Instituts und des staatlichen Fernsehens. Sogar etliche Geflügelkranke haben in diesem Zusammenhang ihr Leben verloren.“ Bestellungen an die Spartenkomitee der Volksmujahedin in der BRD: Moslemische Studenten-Vereinigung, Postfach 420531, 5 Köln 41.

دنبال داشته است که برای مثال می توان از کارکنان پزشکی قانونی، تلویزیون و حتی چند تن از کارکنان زندان که در تهیه ی آنها همکاری داشته اند، نام برد. سفارش کتاب به هوا داران مجاهدین خلق ایران در آلمان غربی: انجمن دانشجویان مسلمان صندوق پستی ۴۲۰۵۳۱ - ۴۱ کلن ۵

کشتن بشر =

(ترجمه ی مقاله ی اغتیال الانسانیه
قبلا در شماره ی ۴۸ چاپ شده است)

۱۹۸۲/۷/۵

Monday 5/7/1982 AL-ARAB

نראה بی کتاب جدید

اغتیال الانسانیه

از روزنامه ی
العرب
تاریخ ۸۲/۷/۵

انعکاس جهانی کتاب "در جنگ با بشریت"

رژیم ضد خدائی

... نمونه های مستند مشابه بسیار بیشتری در گزارشی که به تازگی توسط مجاهدین تحت عنوان "در جنگ با بشریت" منتشر گردیده یافت خواهند شد. کتابی که جلدزوی آن را عکسی رنگی از زبده آویختن

THE TIMES THURSDAY JULY 1 1982
A MOST UNGODLY REGIME

دو مرد جوان در انظار عمومی در ماه سپتامبر گذشته در شهر کرمان، تشکیل می دهد. مجاهدین البته یک منبع بی طرف نیستند ولی شواهدی که آنها در مورد این جنایات چند فقره ای (رژیم) ارائه می دهند از چنان توضیحات و مدارک مفصل و جامعی برخوردارند که به سختی می توان نسبت بدان با بی اعتنائی روی برگردید.

شکنجه

کتاب "در جنگ با بشریت" حاوی عکس های تندی چند از قربانیان شکنجه و وضعیت ناممکنی چندین تن از کسستان دیگری که رنج داخل زندان را تحمل کردند، می باشد.

یکی از دستگاه های مورد علاقه ای زندانیان آن پولواست، یک نیمکت بسا تکیه گاه برای بازو و پشت زندانی که وی به آن سخت بسته شده و به کف پاهاش شلاق می زنند. در عین حال از طریق سیم هائی

NEWS LETTER, Tuesday, July 27, 1982

Anti-Ayatollah
campaign gains
momentum here

تشدید کرده و به او بر می گرداند. این دستگاه بوسیله ای ساواک شاه طر حریزی شده بود. که به آلت تناسلی و اعضای حساس بدنش وصل می کنند به او شوک وارد آورده و وسط فولادی که بر سر وی قرار دارد فریاد او را

کتابی تکان دهنده درباره شکنجه

Skrämmande bok
om tortyr

خانواده ای شما بوسیله ای جوخی اعدام کشته شده است، نه بوسیله ای دستگاه شکنجه برقی آپولو.

کتاب ذیل توسط مجاهدین خلق که سازمانی است با ایدئولوژی مترقی اسلامی منتشر شده، این سازمان در مبارزه بر علیه رژیم شاه هم شرکت داشت و در پیروزی خمینی نیز شرکت داشت. ولی آن اعضای سازمان مجاهدین که در سقوط شاه و حین انقلاب از زندان آزاد شده بودند، بزودی به زندانها برگردانده شدند.

آنها اظهار می دارند که رفتاری را که در حال حاضر در زندانهای رژیم خمینی اعمال می شود شبیه همان رفتاری است که در دوره ای شاه انجام می شد آنها روحانیت حاکم را ارتجاع می نامند.

مسعود رجوی یکسال پیش به همراه ابوالحسن بنی صدر از ایران به طرف پاریس هجرت کرد.

مسعود رجوی رهبری شورای ملی مقاومت را در دست گرفت و در تبعید در پاریس یک آئینه دمکراتیک برای ایران صحبت می کند.

در آن است که بوسیله ای مخالفان بیرون داده شده و این باعث می شود که طرفداران رژیم این کتاب را یک کتاب کاذب بنا مند. وقتی یک زن زندانی در مورد شکنجه صحبت می کند نگهبان زندان توضیح می دهد که چه کسی می گوید شکنجه وجود دارد، این یک تنبیه دینی است. در یک قسمت دیگر بیان می شود که: دختران جوان قبل از اعدام مورد تجاوز قرار گرفته اند.

در یک مورد یکی از ملاهای مسئول به یک مادر توضیح می دهد که مطابق با اسلام این صحیح نیست که یک دختر با کسره اعدام گردد.

به همین دلیل آنها توسط پاسداران شب قبل از اعدام مورد تجاوز قرار می گیرند. قسمت دوم این کتاب در مورد چگونگی باز پرس دادن بدنهای له شده و پاهای شکسته و ورم کرده و شکنجه شده ای افراد به خانواده های آنهاست.

مقامات دولتی مسئله شکنجه را تکذیب می کنند آنها به عنوان مدرک جای سوراخ گلوله را به نزدیکان آنها نشان می دهند به آنها می گویند که این فرد

مجاهدین در سالهای اخیر شدیداً رژیم جلا و شکنجه گرا در معرض حملات خود قرار داده است با این وجود سازمان مجاهدین معتقد به داشتن بهترین سازمان و بهترین روش های مبارزه با رژیم نسبت به گروه های دیگر مخالف رژیم است.

این هفته جنبش مجاهدین کتابی را منتشر کرده که محتوای این کتاب مدارک و تصاویری از قربانیان زیر شکنجه است که به خبرنگاران سوئدی نشان داده شد.

اسم کتاب "در جنگ با بشریت" است. یک گزارشی درباره ای حقوق انسانی در دوره ای رژیم خمینی، چیزی را که در این کتاب ۳۲۶ صفحه ای جلب توجه می کند تصاویری از شکنجه بدنهای مبارزین و گزارش پزشکان در این باره است. محتوای پنجاه و شش صفحه ای آخر کتاب، لیستی از دوهزار و هفتصد و چهل نفر ایرانی که توسط رژیم خمینی سفاک اعدام گشته اند و اسامی آنها در روزنامه های رژیم هم به چاپ رسیده بوده است.

سازمان مجاهدین معتقد است آن رقم حقیقی در اواسط ماه آوریل ۳۰۰۰ عدد است و ۹۰ درصد اعدامی ها از مجاهدین است. نوشته ای هولناکی است، ضعف کتاب

Dienstag, 3. August 1982 WAZ

Chomeinis Diktatur دیکتاتوری خمینی

خمینی جوانانی را که ملاها بنام سر با جمع آوری کرده اند با این قول که هر کس در جنگ در راه وراثت پیا میبرد مستقیماً "به بهشت وارد خواهد شد، به مقابله مواضع عراق سوق می دهد و یا در میدانهای مین گذاری شده می فرستد. این جوانان تحت نام داوطلب فرستاده می شوند و بین آنها اکثراً "کودکان هم به چشم می خورند. در همین حین تعقیب مخالفین در داخل کشور هم متناباً با "ادامه دارد. خبرگزاری رسمی تهران این خبر را انتشار داده است که در حملات طرح ریزی شده به نیروهای مخالف مجاهدین صدره شهر و قصبه ۶۵ نفر تیرباران شدند.

هر کسی که به جنبش چپ اسلامی مجاهدین تعلق دارد به عنوان ضد خلق محسوب می شود و باید در محل تیرباران شود و یا پس از سپری کردن یک دادگاه سرپا نی توسط پاسداران انقلاب اعدام شوند.

در اطلاعاتی تبلیغاتی آیت الله با بی شرمی تمام ما را می کشته ها و محمل تیرباران ذکر می شود. این آمار تعداد کشته شدگان را ۳۰۰۰ نفر نشان می دهد. این آمار به تا زگی در یک کتاب مخالفین به نام "در جنگ با بشریت" به چاپ رسیده است. طبق اطلاعات ایرانیا ن مخالف رژیم و

سازمان مجاهدین خلق ایران زمان کمک به زندانیان یعنی سازمان عفو بین الملل رقم اعدا می ها از ابتدای زمان مداری خمینی حدود ۱۵۰۰۰ نفر حدس زده می شود بیش از ۴۰۰۰۰ زندانی سیاسی در زندانها بسر می برند. زندانیانی که شکنجه دردستور کار روز قرار دارد. سیاست ترور و اختناق خمینی همه ای قشار اجتماع را در بر گرفته است. پس از بسته شدن دانشگاه های کشور هزاران استاد، دانشیار و دانشجو تحت پیگرد قرار گرفتند، یا کشته شدند و یا الان در زندانها بسر می برند. خمینی همچنان بی رحمانه اعمالش را هم بر علیه جمعیت مذهبی بها ثی ها ادا می کند. این جمعیت یک اقلیت مذهبی است که حدود ۳۰۰۰۰۰ نفر را در بر می گیرد، ولی به هیچ وجه خطری برای سیستم خمینی ایجاد نمی کنند. دیکتاتوری خمینی مدت ها است که روی ترورهای رژیم شاه را سفید کرده است. به ندرت انقلابی است که به این سرعت و از پایه به انحراف کشیده شده باشد.

انعکاس جهانی کتاب "در جنگ با بشریت"

TIME OUT 9-15 JULY 1982

Publications

★ At War With Humanity A Report on the Human Rights Records of Khomeini's Regime (People's Mojahedin Organisation of Iran.



The Apollo is extensively used by Khomeini's regime. The victim deafens him/herself with his or her own screams.

آپولو توسط رژیم خمینی وسیعاً به کار گرفته می شود. فریادهای فرد تحت شکنجه او را گرمی کند.

را ادا می دهد. سازمان مجاهدین خلق ایران، بزرگترین گروه مخالف در ایران رقم واقعی اعدام را نزدیک به ۱۵۰۰۰ تن تخمین می زند که ۹۰٪ از این تعداد هواداران او می باشند. این کتاب یک کاتالوگ دگرگون کننده ای از شکنجه، دار زدن، تجاوز و وحشیگری به درجه ای است که خمینی را در همان گودال تاریخی... هیتلروا مین قرار می دهد. اگر این کتاب، به همان اندازه که فکر غرب به قیمت نفت مشغول است، بتواند در جلب علاقه آنها به شقاوت های روزانه ای ایران کمک کند، به هدف خود رسیده است.

* * *

در جنگ با بشریت گزارشی از کارنامه حقوق بشر خمینی

از سازمان مجاهدین خلق ایران

آدمکشانی چون هیتلرو... و خمینی می گویند هیچکس را نمی توان بدون پرداخت بها انجام داد که جواب آن هم چنین است "ما می توانیم بها پرداخت شده را ببینیم" اما نتیجه ای کارگزار است. سازمان مجاهدین خلق ایران یک کاتالوگ مستند و مصور عرضه کرده است. موضوع این کتاب وحشت ایجاد شده از جانب حکومت روحانیون می باشد. حکومتی که در مقابل آن رژیم شاه بسیار مهربانان می نماید (آخر هر چه باشد شاه شکنجه و تجاوز به دختران جوان را قانونی اعلام کرده بود) متأسفانه این کتاب حجیم تنها آن اطلاعاتی را شامل می شود که موثق بوده و افراد مربوطه با ذکر نام مشخص شده اند (یعنی مشت نمونه ای خروار است) می باشد و نه کل اطلاعات را.

New Statesman 23 July 1982

At War With Humanity... The People's Mojahedin Organisation

در جنگ با بشریت

از انتشارات

سازمان مجاهدین خلق ایران

هنگامی که حکومت ۵۰ ساله شاه در آغاز سال ۱۹۷۹ به پایان رسید، نیروهای مترقی سراسر جهان خوشحال و بهت زده شدند. خوشحال، بخاطر اینکه یک دیکتاتور طرفدار آمریکا از قدرت برکنار شده بود، با این حال بهت زده از ما هیت و جهت انقلاب الهام گرفته شده از خمینی، بیش از سه سال بعد از جلوس خمینی، شواهد روایت شده درباره ی خصوصیات رژیم با گزارش اخیر عفو بین الملل به حقایق سختی تبدیل شده است. این گزارش حاوی شرح ۴۰۰۰ اعدام زنان، بچه ها و... مخالفین سیاسی و مذهبی رژیم می باشد. "در جنگ با بشریت" این داستان ترسناک

انعکاس جهانی کتاب "در جنگ با بشریت"

Tre års terror
i summering

گردآوری سه سال ترور در ایران

از روزنامه سوئدی D.N. تاریخ: ۶ اوت ۸۲

تس و وحشت فوق العاده و غیرقابل انتظار رو غیرقابل درکی برقرار می‌باشد. بزرگترین گروه مخالف رژیم در ایران سازمان مجاهدین خلق ایران کتابی در بیش از ۳۰۰ صفحه که بیا نگرنا یا ت خمینی و نقض حقوق بشر می‌باشد، انتشار داده است. که در آن اسناد و مدارک از جنایات و همچنین شواهد، شاه‌هدین امر درج شده است.

درواقع این کتاب گردآوری ۳ سال ترور گسترده بر پهنه‌ی جامعه‌ی ایران و علیه مردم ایران می‌باشد... مجموعه‌ای از شهادت شواهد اساسی، عکس‌های مندرج و همه و همه به این کتاب وزن سنگینی از نظر محتوای می‌دهد.

این کتاب در روز پنجشنبه ۵ اوت از جانب سمپاتهای مجاهدین در سوئد پخش شده است. در میان صفحات این کتاب تصاویر صدها جوان ایرانی را مشاهده می‌کنی، که همگی‌شان امروز کشته شده‌اند. در پایان کتاب اساسی بیش از ۳۰۰۰ تن از کشته‌شدگان را به همراه محل اعدام‌شان مشاهده می‌کنیم. که در واقع رقا م‌رسمی دفتر مجاهدین در پاریس اعلام می‌دارد که این رقم در واقع قسمت کوچکی از تعداد واقعی اعدام‌شدگان می‌باشد. به گفته مجاهدین تاکنون بیش از ۱۵۰۰۰ تن اعدام گردیده و ۴۰۰۰۰ نفر در زندانهای رژیم محصور می‌باشند.

البته رقا مذکور شده قابل کنترل نمی‌باشد ولی مسلم است که اسنادی که در این کتاب به چاپ رسیده با زبان خودسخن گفته و واقعیت را آشکار می‌سازد.

این کتاب "در جنگ با بشریت" نامیده می‌شود که مشتمل بر سه فصل می‌باشد. یکی قبل از ۲۰ ژوئن دیگری ۲۰ ژوئن و سومین بخش بعد از ۲۰ ژوئن می‌باشد. ۲۰ ژوئن نقطه‌ی مبارزاتی در ایران تلقی می‌شود. روزی که مقیاس وسیعی از مردم به خیابانها و صفوف تظاهرات ضد خمینی وارد شدند و خمینی نیز دستور تیراندازی به آنان بقیه در صفحه ۳۴

THE SUNDAY TIMES, 11 JULY 1982

Torture, lashes,
death and not a
hint of justice

IRAN

Rosemary Righter on a wave of unremitting terror

که از هنگام آتش‌گشودن پاسداران بر روی یکی از تظاهرات در سال گذشته به قیام مسلحانه مشغول بوده است.

این کتاب توسط (رژیم) ایران به عنوان پروپاگاندا مورد تکذیب قرار خواهد گرفت. ولی عمده‌ی شواهد ارائه شده‌ی آن بوسیله‌ی منابع مستقل تأیید می‌گردد.

LA CROIX 24 Aout 82

Deux livres
des Moudjahedines
iraniens

آمده و با خواندن آنها این احساس به آدم دست می‌دهد که این نوشته‌ها بخش‌هایی از پرونده‌ی عظیم مبارزات سیاسی ایران را تشکیل می‌دهد. سرچشمه‌ی فکری رجوی، هم سلولی و هم‌رزمش، موسی خیابانسی و آیت‌الله طالقانی که او را "پدر" می‌نامند در ۱۹۷۹ درگذشت، در این کتاب بیان شده است. به خوبی روشن است که دشمن شماره‌ی یک آیت‌الله خمینی است. کسی که مسئول مرگ هزاران مخالف ایرانی در عسرسر یکسال می‌باشد. P.M.O.I. برای اینکه این واقعیت را به خوبی نشان دهد، دومین کتاب را منتشر کرد. نام این کتاب "در جنگ با بشریت" است که نوعی "محا کمه مستند" بر علیه بی‌رحمی‌های رژیم اسلامی است. عکسها، مطالب، اسناد و ارقام یک مجموعه‌ی دهشتناک را می‌سازند. این کیفرخواستی است که رژیم فعلی ایران باید دیر یا زود در مقابل وجدان جهانی جوابگوی آن باشد.

"مسعود رجوی، یک مجاهد خلق" (انتشار انجمن دانشجویان مسلمان در خارج) ۴۵ فرانک، در جنگ با بشریت (انتشار سازمان مجاهدین خلق) ۸۰ فرانک.

(سفارشات از طریق آدرس زیر صورت می‌گیرد).

AEM, BP 49
CEDEX 10 75462 PARIS

شکجه، شلاق و مرگ

بدون هیچگونه اثری از عدالت

... مدرک دیگری که به تا زگی منتشر گردیده (کتابی است که ۵۹ صفحه خود را به لیستی با حروف چاپی ریز اختصاص داده است که اساسی افرادی را تشکیل می‌دهد که رژیم (خمینی) آنها را به عنوان اعدام شده اعلام کرده است.

باقی کتاب که تحت عنوان "در جنگ با بشریت" چاپ گردیده، به ارائه شواهد مستند و مدارک رسمی می‌پردازد که میزان فزاینده دستگیری‌ها، شکنجه‌ها و مرگ‌ها را به تفصیل بیان می‌دارند. این کتاب توسط مجاهدین منتشر گردیده است. مجاهدین جنبش سیاسی را تشکیل می‌دهند

دو کتاب از مجاهدین
ایران

آمدن برق آسای رئیس جمهور سابق بنی صدر را به پاریس در ژوئیه ۱۹۸۱ با دمان هست، مسعود رجوی، رهبر مجاهدین خلق را نیز که به همراهش بود بخاطر داریم. او از آن موقع تا کنون در پاریس مانده و فعالیت مبارزینش در ایران بر علیه رژیم خمینی را هماهنگ می‌کند.

P.M.O.I.، سازمان اسلامی مترقی که بخاطر مبارزاتش بر علیه رژیم شاه شناخته شده است، با کردهای عبدالرحمان قاسملو - نیروی اصلی که همچنان در مقابل قدرت ملاحی قشری ایران مقاومت می‌کند - در کنار هم هستند. این سازمان به تا زگی دو کتاب منتشر کرده، یکی به زبان فرانسه تحت عنوان: "مسعود رجوی، یک مجاهد خلق" و دیگری به انگلیسی تحت عنوان "در جنگ با بشریت". این دو کتاب امکان آشنایی با وضعیت این سازمان و موضعگیری‌های ایدئولوژیکی سیاسی آنرا در حال حاضر ممکن می‌سازند.

"مسعود رجوی، یک مجاهد خلق" یک کتاب مقدس ما با نه نیست و بیوگرافی مشهورترین رهبر سازمان هم نیست. البته جزئیات بیوگرافی که داده شده اما بیشتر جنبه‌های سیاسی زندگی رجوی مطرح شده است. قسمت‌های زیادی از سخنرانی‌هایی که از انقلاب ۱۹۷۹ تا غیرقانونی شدن سازمان در ۲۱ ژوئن ۱۹۸۱، صورت داده در این کتاب

گزارشاتی در رابطه با فشارها و اقدامات ضد کارگری رژیم در شرکت نفت

فشارهای اقتصادی

روی کارکنان شرکت نفت

۱ - قطع اضافه حقوق سالانه کارکنان که بنا به نظر رئیس اداره به میزان ۴ تا ۱۲٪ به کارکنان داده می‌شود از بعد از انقلاب .

۲ - تارتبهی (گرید) ۵ بطور سالانه به افرادیک گریده داده می‌شود که به کارکنان آبادانی بعد از جنگ این رتبه را نمی‌دهند و قطع گردیده است .

۳ - همه‌ی کارکنان، حقوقی بنام حق کارگماهی (FACTOR ELEMENT) دارند که برابر با ۱۰٪ حقوق ثابت آنها می‌باشد و بطور ماهانه پرداخت می‌شود و مختص کارکنان خوزستانی بوده است، اما از ۸ ماه قبل قطع گردیده است .

۴ - کارکنان درازای ارتقاء هرگرید ۵٪ حقوق ثابت ماهانه به حقوقشان افزوده می‌شود که مزایای گرید FORMATION GRADE نامیده می‌شود. از ابتدای سال ۶۰ این حقوق هم قطع شده است .

۵ - بعد از تاریخ ... به دستور غرضی کلیه اضافه کاریها قطع می‌شود که مبلغ آن ساعتی ۱۳/۵٪ مبلغ ساعت عادی کار بوده است .

۶ - بعد از تاریخ ... حقوق منشیگری و تاپیستی قطع شده است .

۷ - قطع کلیه وام‌های مسکن کارکنان در شهریور ماه ۶۰

۸ - لغو تعطیلی ۵ شنبه بعد از انقلاب

۹ - قطع "رُشَن" غذای کارگران از حدود ۳ ماه قبل

۱۰ - قطع سهمیه ایاب و ذهاب کارگران (۹۰ تومان) و جیره نقدی (۲۵۰ تومان) کارگران که بطور ماهانه پرداخت می‌شد .

۱۱ - قطع سهمیه قند و چای و قهوه و ... کارکنان در محل کار .

۱۲ - تعطیل مراکز تفریحی و رفاهی کارکنان مانند غذاخوری و باشگاه و استخر ...

۱۳ - طی بخشنامه‌ای از سوی غرضی به شرکت نفت، خواسته شده که اجاره‌ی منازل کارکنان شرکت از آنان گرفته شود .

۱۴ - دفترکل مناطق نفت خیز نامهای نوشته که مضمون آن درباره‌ی عواقب

مسئله و اینکه بر کارکنان آبادانی شرکت فشار زیادی خواهد آمد ... بوده است .
۱۵ - به گفته‌ی مسئول امور مالی، کارگران پیمانی شرکت نفت را می‌خواهند تصفیه کنند و وی را مامور کرده اند که از هر منطقه یک کارگر را اخراج کند، در ضمن حقوق کارگرها را دوباره کم کرده اند .

وضعیت مالی

نمونه‌های زیر نشان دهنده‌ی وضع بسد مالی شرکت و همچنین عدم وجود اعتبار لازم و ... می‌باشد :

۱ - حدود ۳ ماه قبل (اسفند ماه ۶۰) که شرکت احتیاج به مقداری زاج برای تصفیه آب دارد و وجودی که ۳۰۰ تن زاج در بندر خمینی و ۳۰ تن زاج در آصفهان دارد ولی اداره‌ی گمرک به دلیل عدم پرداخت پول عوارض آنها از ترخیص کالاها با وجود نیاز فوری و پیگیری مسئولین خودداری می‌کنند و آن را به بعد از پرداخت پول عوارض موکول می‌نماید .

۲ - چندی قبل که یکسری وسائیل حفاری برای شرکت می‌آید یک جنس آنها بنام "وایرلین" مورد نیاز فوری می‌باشد و مسئولین پیگیری می‌کنند ولی با زهم به دلیل عدم پرداخت پول گمرکی آن را ترخیص نمی‌کنند و کار به گزارش دادن به اتساق بازرگانی در تهران می‌کشد و بالاخره بعد از ۳ ماه جنس ترخیص و تحویل داده می‌شود .

۳ - به علت نداشتن ارز کافی و همچنین بستن دست "آیروس" برای خرید مستقل، اخیراً "به آنها گفته شده که استعلام گرفته شده از شرکت های خارجی را به ایران بفرستند تا در صورت تأیید خریداری نمایند که اینکار باعث می‌شود که در ظرف رفت و برگشت اسناد با بست قیمت های بسیار تغییر کنند و اشکالاتی بوجود آید .

* آیروس اداره‌ی کالا از طریق واحدی بنام آیروس (کالا - لندن) که شامل عده‌ای کارکنان ایرانی و خارجی است سفارشات داخل کشور را ارزیابی کرده و با توجه به تجربه و تجزیه که در خرید لوازم مورد نیاز را در خارج کشور تا مین می‌کنند . قرار است کارکنان خارجی این قسمت "آیروس" اخراج شوند در ضمن آیروس

نمی‌تواند دیگر بطور مستقل خرید کند و باید قبل از خرید به داخل کشور اطلاع بدهد .
۴ - حداقل ۳۰۰۰ نفر از کارگران تحت پوشش (پیمانکاری) طبق بخشنامه‌ای که غرضی داده است اخراج شده اند و گفته شده که از اول اردیبهشت ۶۱ برای آنها حقوق به حساب ریخته نشود .

۵ - اخیراً "بخشنامه‌ای به شماره ۶۱/۲۶ تاریخ ۶۱/۲/۲۷ در خصوص کسری مالیات از حق اولاد و جیره نقدی کارگران صادر شده که به موجب آن از مبالغ زیاده شده، مالیات کسری گردد، به تعبیر دیگر از این پس به حق اولاد و جیره نقدی کارگران مالیات تعلق می‌گیرد و جالب اینکه اجرای این بخشنامه را تیرماه ۵۹ اعلام نموده اند .
۶ - ۶۱/۲/۲۹ در بین کارکنان شرکت نفت صحبت بود که بخشنامه‌ای صادر شده که طی آن از این پس پول آب و برق منازل به عهده‌ی خود کارکنان است . در این رابطه وگلا" در رابطه با کلیه فشارهای مالی، بیشتر اوقات از کارکنان شنیده می‌شود که "یکاش تمام حقوق را قطع کنند که موجب عکس العمل شدید همکاران شود".

۷ - ۶۱/۲/۲۹ در بین کارکنان شرکت نفت صحبت بود که قرار است بزودی مبلغی یا مبالغی به نام اجاره‌بهای منازل از کارکنان مستقر در منازل شرکتی کسر گردد و به این ترتیب به کارکنان حق مسکن را نمی‌دهند .

مترقیه

در زیر یکی از بخشنامه‌های شرکت ملی گاز، که ضمن آن از غرضی وزیر نفت خواسته شده بود در رابطه با کارگران و کارمندان که در بخش فنی هستند، و تا به حال وقت است اداری نبوده و بخاطر مسئولیتی که دارند مجبورند همه وقت به حال آماده باش باشند، اضافه کاری منظور گردد، غرضی با خط خود عباراتی به شرح زیر نوشته :

والله، امکان پرداخت یک ریال اضافه کار وجود ندارد، کار کردن وظیفه شرعی است و هر مسئول که داعیه‌ی اضافه کاری می‌کند معرفی تا اقدام لازم صورت گیرد و افراد مومن جایگزین گردد .

۲ - اهواز - در رابطه با اخراج کارگران تحت پوشش شرکت نفت روز شنبه بقیه در صفحه ۲۲

وزارت صنایع

* موسویانی (وزیر صنایع) قبلاً یکی از کمیته‌چی‌ها بود که در سرکوبی مردم کردستان شرکت داشت و از "نوجه" های غرضی وزیر نفت بود. و اکنون در کسوت وزیر همچون سایر مقامات رژیم با ماشین ضدگلوله محافظت و رفت و آمد می‌کند.

* نماینده‌ی تام‌الاختیار موسویانی یکی از فالانزها به نام صمدی است که از چماقداران مشهور و صفاها بوده و اکنون عامل اصلی سرکوب و ایجاد جو خفقان در اداره است.

صنایع فولاد

* وزیر صنایع فولاد چون اطلاع کافی از مسائل اقتصادی ندارد، در تصمیم‌گیری‌ها شدیداً تحت تاثیر نفوذی‌های حزب توده در این اداره است. حدود ۴ ماه پیش معاون معدنی وزیر بنا مجوراً بچیان که موضع توده‌ای دارد به وزیر صنایع فولاد (موسویانی) گفته بود که ۷۵ میلیون تومان از بودجه کل طرح مبارکه که ۱۵۰ میلیون تومان برایش در نظر گرفته شده برداشت کنیم و به طرح ذغال سنگ در صفاها اختصاص دهیم. در این رابطه بعضی از مسئولین اعتراض می‌کنند که او می‌گوید: پس از ۳۰ میلیون تومان بودجه‌ای که در رابطه با بدهی صنایع فولاد به شرکت گرانگرا قائل شده ایم، برای این طرح برداشت کنیم (این شرکت یک شرکت ایتالیایی است که در زمان شاه در ایران شعبه داشته و ایران ۳۰ میلیون به آن بدهکار است که این مقدار از سال ۵۸ هر ساله در بودجه صنایع فولاد آمده ولی هنوز به آن شرکت پرداخت نشده است). ولی چون مسئولین مالی شدیداً مخالفت می‌کنند، او می‌گوید خودم اعتبار آنرا تا مین می‌کنم، گویا قرار است که با دیدن هیئت وزیران بتوانند اعتبار آنرا تا مین کنند.

* در رابطه با بازرسی بدنی زنان این اداره (شرکت صنایع فولاد) زنانی را که استخدا می‌بنیاد شهید بودند، گماردند، آنها مدتی کار کردند ولی چون مورد اعتماد نبودند، منتقل شدند و بجای آنها ۲ زن حزبی را آوردند.

* در میان کارمندان، حداکثر ۱۰٪ از رژیم حمایت می‌کنند که در میان همین ۱۰٪ هم بعضی تظاهر به طرفداری از رژیم می‌کنند نه اینکه فی‌الواقع طرفدار باشند.

در ادارات چه می‌گذرد

* در این شرکت از تجمع کارکنان در اطاق‌هایشان جلوگیری می‌کنند. کنترل روی کارکنان بشدت اعمال می‌شود حتی سعی می‌کنند کارمندان را که با هم دوست هستند با عوض کردن پست‌هایشان آنها را از هم جدا کنند.

* در رابطه با استخدا یک دیپلمه، سوالاتی از قبیل: آیا مسلمان هستی؟ به ولایت فقیه معتقد هستی؟ کدما میک از مقامات را بیشتر دوست داری؟ انواع غسل؟ نماز واجب؟ مستحب؟ هابیل و قابیل چه کسانی هستند؟ و... بعد به او می‌گویند اینها سوالات مقدماتی است و تحقیقات از مسجد محل و کمیته صورت می‌گیرد.

* در صنایع فولاد بناهای کارکنان دم‌دریاز می‌شود و بناهای اداره توسط دبیرخانه که زیر کنترل فالانزها است بازرسی می‌شود.

* از حدود ۴ ماه قبل به این طرف حدود ۱۰ نفر از کارکنان شرکت صنایع فولاد را به اتهام مناسب نبودن وضع ظاهری و یا اعتراض به طرح‌ها و برنامه‌ها (مشخصاً "طرح گل‌گهر") اخراج کرده‌اند. به بعضی از آنها اتهام دزدی نیز زده‌اند. که همین مسئله باعث اعتراض سایر کارکنان شده است. چرا که آنها با سوابق افرادی که اخراج شده‌اند آشنا بوده و می‌دانستند که چنین اتهاماتی بی‌پایه و اساس است.

* اخیراً "در صنایع فولاد هیئتی برای گزینش و بازرسی در ادارات ما مورثه شده است. این هیئت اعلام کرده است که کار ما استخدام کردن و گزینش است همچنین پاکسازی شده‌ها را بررسی می‌کنیم و یکسری سوالاتی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، تخصصی برای آنها مطرح می‌کنیم و در این مورد اگر ایرادی نداشته باشند آنها را بکار می‌گیریم.

وقتی از آنها سوال شده که اگر مکتبی نباشند، تکلیف چیست؟ این هیئت جواب داده که اگر متخصص باشند و مکتبی نباشند زیاد مهم نیست. البته وابسته به گروه‌ها مخصوصاً "مجاهدین نباشند و به مجاهدین کار ندهند و کمک نکنند. بقیه اشکالی ندارد و با غیر مکتبی‌ها که متخصص هستند، با کارهای آنها را مکتبی می‌کنیم رئیس هیئت می‌گفت این اقدام به علت افت تولید و رکود صنایع است که احتیاج

بیشتری به متخصص داریم.

* در اواسط اسفندماه به‌خشمای از طرف نخست‌وزیری صادر شده مبنی بر اینکه با کلیه کارکنانی که تقاضای بازرسی می‌نمایند موافقت گردد.

* در این شرکت به علت احتیاج بسه متخصصین به ناچار از فشار و خفقان کاسته‌اند.

* این شرکت قرار بود قبل از عید از کشورهای رومانی - آلمان شرقی کارخانه احیاء مستقیم خریداری کند ۷۰۰ میلیون تومان پیش‌پرداخت می‌خواستند ولی به علت نداشتن پول از بستن قرارداد خود - داری کردند.

* رژیم خمینی که در ابتدا خواب‌خود کفائی برای خود می‌دید و ادعا داشت که از هیچ محاصره‌ی اقتصادی نمی‌ترسد و متکی به مردم است. چنان به افلاس و ورشکستگی افتاده که هر روز با دعا بستگی‌های اقتصادی دیش به خارج گسترش می‌یابد.

بطور مشخص در شرکت فولاد اکثر قراردادهای کشورهای غربی بوده است. یعنی مجریان طرح شرکت‌های غربی بودند که به صورت پیمانکاری کار انجام می‌دادند. (هما نند زمان رژیم سابق)

* در اواخر سال ۶۰ هیئتی به کشورهای آلمان شرقی - رومانی - چکسلواکی و... رفته بودند تا اگر می‌توانند با اینها قراردادهای ببندند که بتوانند طرح‌های غربی (مانند رژیم سابق) را نگهداری و اداره کنند، اما موفق به قرارداد نمی‌شوند. هیئت در گزارش کار خود چنین آورده است.

که ممکن است آنها نتوانند طرح‌ها را ادامه دهند یا اداره کنند، ثانیاً "بازدهی و کارآنها پائین است. ثالثاً "پول بیشتری احتیاج داریم.

* حدود ۲۰ الی ۳۰ نفر از کارمندان صنایع فولاد را که به تغییر طرح "گل‌گهر" انتقال آن به صفاها اعتراض کرده بودند به جرم سردمداری معترضین اخراج کردند. حدود ۴۰ کارگر به این کار اعتراض کرده که اعتراض آنها نیز بوسیله پاسداران خمینی سرکوب شده و تعدادی از آنها دستگیر می‌شوند.

* به دنبال نزاعی که چندی پیش در صنایع فولاد رخ داد، ۴ نفر از متخصصین و مسئولان بخش‌ها (به عنوان اعتراض) از شرکت خارج شدند. اخیراً "دولت و مسئولان بالاتر در صدد تا با واسطه و بی‌واسطه آنها را به سرکارشان برگردانند ولی آنها تا بحال حاضر به این کار نشده‌اند.

اعلام انزجار و اعتراض بین المللی بر علیه جنایات رژیم ضد خلقی خمینی خون آشام

نامه انجمن ملی پارتیزانهای ایتالیا A.N.P.I در شهر دزیو (DESIO) به دبیرکل سازمان ملل متحد

به دبیرکل سازمان ملل متحد
پرزد کولار، ساختمان ملل متحد
نیویورک - آمریکا

پارتیزانهای ANPT شهردزیو ضمن محکوم کردن کشتار (۱۵ هزار نفر تیرباران در ۹ ماه) از طریق شکنجه های سیستماتیک که از طرف رژیم بر علیه پوزیسیون و بخصوص علیه وابستگان شورای ملی مقاومت و مجاهدین خلق اعمال می شود، از دبیرکل سازمان ملل پرزد کولار تقاضا دارند که دخالت کرده و هیئتی را از طرف سازمان ملل برای بررسی زندانهای خمینی و با تمام رساندن کشتار اعزام دارد.

کمیته ی رهبری:

- ویزنیتین جورجو - پیروکا چانتی گولیه
- لمو - پارا ویچینی آلدو - نوواتی جوزپه
- نوواتی انریکو - کامنازیو ماریو
- کومو ریکاردو - جرادینی ادوآردو - بوتزولی سرافینو

شورای کارخانه «رینالدو پیاچو» در جنوا (ایتالیا)

به مجاهد خلق مسعودرجوی

مسئول شورای ملی مقاومت ایران
شورای کارخانه ی رینالدو پیاچو در رابطه با حاکمیت اختناق در ایران که توسط دولت مردان فعلی آن بوجود آمده و بسرروی امنیت اجتماعی آن خلق بد اقبال ولی شجاع سایه افکنده است، محکومیت شدید خود را اعلام نموده و امیدوار است که تمام نیروهای مترقی بدون در نظر گرفتن اختلافات ایدئولوژیک روش مشترکی را برای خارج کردن ایران از موقعیت غم انگیز کنونی جستجو نمایند.

ما به عنوان شهروندان کارگر حمایت معنوی خود را از طبقه ی کارگر ایران که همیشه برای عدالت و دموکراسی در کنار همه ی نیروهای روشنفکر و مترقی مبارزه کرده و می کند، اعلام می داریم.

جنوا - ۲۵ مه ۸۲

شورای کارخانه ی رینالدو پیاچو

بیانیه کمیته حمایت از حقوق بشردر ایران پونا

جهان اخیراً شاهد بی رحمی های وحشتناک شکنجه و اعدام تحت نام قوانین اسلام بنیادگرا و حاکمیت قوانین الهی در ایران بوده است. در حالی که شهروندان یک کشور نباید در مسائل داخلی کشورهای دیگر دخالت نمایند، ما کمیته احساس می کند که اکنون جهان شیدا "نگران جنایت بر علیه حقوق بشردر ممالک مختلف می باشد. اکنون در ایران برای گرفتن اقرار از مردان و زنان و بچه ها (افراد بین ۹ تا ۱۷ ساله در جهان کنونی بجهت تلقی می شوند) آنها را کور و ناقص العضو نموده و سپس بدون هیچ محاکمهای به جوخه ی اعدام می سپارند. حتی از دختر ۹ ساله و پسر ۱۷ ساله نیز چشم پوشی نمی شود.

امروز در ایران اظهار کمترین عدم رضایت و یا تردید در اعمال رژیم دارای سرانجامی وحشتناک خواهد بود. زمانی که آزادی و حقوق بشر به چنین سرنوشتی مبتلا شده است، آیا چنین شرایطی خاطرهای سیاه نازیم را زنده نمی کند؟ آیا جهان متفقاً جنون و وحشیگری نازیم را محکوم نکرد؟ فقط در سال ۱۹۸۱ در ایران بیش از ده هزار نفر اعدام شده اند و تعداد زندانیان سیاسی در زندان های مختلف به ۳۰۰۰۰ تن بالغ می شود. در حالی که سلول های انفرادی زندانها به شکنجه گاه تبدیل شده اند. مازارشات وحشتناکی بدست آورده ایم که حتی زنان حامله شکنجه شده و سپس به جوخه ی اعدام سپرده می شوند. چنین مواردی نمی تواند حالت استثنائی داشته باشد زیرا عملاً هیچ گونه ترحم و بخششی وجود ندارد. به اعتقاد کمیته نا دیده گرفتن حداقل حقوق انسانی باید توسط هر شخصیتی در هر موقعیتی صریحاً محکوم شود.

کمیته شیدا "با فلسفه ی درجه دوم تلقی کردن بخشی از جامعه ی انسانی برخوردار می کند.

در کشوری که پاسداران مقدس محسوب می شوند سعی می شود که تمام حوادث عادی نشان داده شود. در حالی که "هرگونه مخالفتی با آیت الله خمینی کا ملا" بی رحمانه جواب داده می شود.

تجاوز بی شرمانه به زنان زندانی نیز تحت پوشش چنین فلسفه ای صورت می گیرد

هیئت حقوق بشر ناسی (فرانسه)

مجا هدرجوی

مسئول شورای ملی مقاومت ایران
بعد از صحبت های مختلفی که با چندین نفر از اعضای انجمن دانشجویان مسلمان در فرانسه داشته ام و همینطور به دلیل اخبار نگران کننده ای که از ایران و همینطور بوسیله ی مطبوعات و منابع خودمان بدستمان می رسد، می خواهم بوسیله این نامه موضع هیئت حقوق بشردر ایران را روشن کنم. از طرفی این هیئت در سطح ملی دست به افشاء دستگیری های دستجمعی، اعدام های بی حثی که در ایران بوسیله رژیم فاشیست صورت می گیرد، زده است.

این رژیم که از انقلاب بر علیه شاه سوء استفاده کرده تا دیکتاتوری خود را برقرار کند، که چیز کمتری از رژیم قبلی ندارد، این رژیم بجای تحقق بخشیدن به خواست های مردم که از انقلاب انتظار داشتند، حکومت ترور را برقرار کرده است.

بوسیله این اعلامیه، این بخش هیئت، این اعدام های وحشیانه که به نام جمهوری اسلامی صورت می گیرد افشا کرده و بدون هیچ شکی این دولت را کاملاً محکوم می کند. برای خلق ایران حق دفاع مسلحانه برای بوجود آوردن ایرانی با دموکراسی خالصانه و واقعی را قائل است. و پشتیبانی خود را از تمام مبارزین که جرأت دفاع از حق و آزادی در ایران داشته اند اعلام کنیم. که با سلامهای دمکراتیک.

ما با تمام مردم جهان که معتقد به آزادی و حقوق بشردر محکوم نمودن رژیم قرون وسطائی ایران می باشند، متحد شده و از سازمان عفو بین الملل تقاضا می کنیم که دست به اقدام عاجل در این زمینه بزند.

اعضای کمیته:

- ۱ - استادا قتما د (از انستیتوی قتما دی و علوم سیاسی - پونا)
- ۲ - استاد علوم سیاسی از دانشگاه پونا
- ۳ - پروفیسور فلسفه، رئیس هیئت تحریریه ادبیات - ماها راسارا
- ۴ - دبیرکل - یونا ک کارانتی دال
- ۵ - مها تما فوله
- ۶ - سا زوا شارا میک - پونا
- ۷ - کالپان - داس یوتپا
- ۸ - دام با پات
- ۹ - سودرو بدکار
- ۱۰ - اس. بار کینگز
- ای. بی. مانوهار

اعلام حمایت از شورای ملی مقاومت

سازمان همبستگی آمریکای لاتین

توضیح: پیامی را که ذیلاً ملاحظه می کنید در نشریه شماره ۵۰ متأسفانه بطور ناقص چاپ شده بود و علتش این بود که قسمتی از ترجمه آن بدست ما رسیده بود و ما اشتباهاً با این تصور که ترجمه کامل متن پیام می باشد، آنرا چاپ نمودیم. اکنون ضمن پوزش، متن کامل و صحیح این پیام را از نظرتان می گذرانیم.

به مجاهد خلق مسعود رجوی

شورای ملی مقاومت

با دزدهای انقلابی

امروز ما شاهد یک مبارزه سخت مرگ و زندگی در ایران هستیم. رژیم ارتجاعی خمینی تنها می توان تخریبی خود را بر علیه کسانی که برای دموکراسی و عدالت اجتماعی مبارزه می کنند، بکار گرفته است. در حالیکه سازمان همبستگی آمریکای لاتین - آمریکا شمالی فعالیت خود را بر حمایت فعال از FMLN و FDR در السالوادور متمرکز کرده است، ما تشخیص می دهیم که مبارزه بر علیه استبداد ظالمانه و امپریالیسم در ایران بخشی از همان مبارزه است. ما می خواهیم عزم راسخ خود را در همبستگی با مردم قهرمان ایران و سازمان های انقلابی آنان در مقاومت قاطعشان بر علیه رژیم فاشیست خمینی ابراز داریم. رژیم می که از ژوئن ۱۹۸۱ تاکنون دست خود را به خون ۱۳۰۰۰۰ اعدامی آلوده است، رژیمی که هم اکنون بیش از ۴۰۰۰۰ زندانی را در اتاق های شکنجه محبوس کرده، رژیمی که مسئول آوارگی میلیون ها نفر بر اثر جنگ ارتجاعی با عراق می باشد. زنان از حقوق اساسی انسانی خود محروم گشته و قانوناً تحت انقیاد مردان قرار گرفته اند.

سازمان مجاهدین خلق ایران و ائتلاف شورای ملی مقاومت، ضربات مهم سیاسی و نظامی بر رژیم خمینی نواخته است. مجاهد خلق نقش اصلی را در این حملات بازی کرده، با همان روحیه انقلابی اصیل مهدی رضائی که گفت:

"بگذار شکنجه کنند، بگذار رگ و پوست ما وقف راه خلق شوند. تا ظلم هست، مبارزه هست. و تا مبارزه هست پیروزی و شکست

هم هست. ما سرانجام پیروزی نهائی را آن خلقها خواهد بود. این را من نمی گویم. این تاریخ می گوید. این را مبارزه ی خلق ویتنام می گوید. این را خلقهای جهان می گویند. و خلقها حقیقت را می گویند."

ما برای اسلامی که در جستجوی به تحقق رساندن خواسته های توده های تحت ستم است، احترام قائلیم. اسلام آزادیبخشی که ماهیت خود را در جریان عمل نشان می دهد. اما حرکت به سمت دموکراسی برای مقاومت ایران چه مفهومی دارد؟ ما معتقدیم که اسلام و حکومت باید با هم ولی در چارچوب استقلال حکومت از مذهب کار کنند. در اصل اگر قانون از خدانا شای شود، مفسرین قانون بایستی هواخواه آن باشند. اما این نمی تواند برای نیروهای انقلابی ما تریالیست عادلانه باشد. حتی اگر جمهوری دموکراتیک "اسلامی" اکثریت رای را بدست آورد، قانون، گرچه ممکن است بر طبق خواست خدا باشد، اما بایستی لزوماً از طریق یک رابطه ی درونی با خدا، گرفته شود. بلکه بایستی از طریق یکی از دو نگرش مادی یا مذهبی نسبت به منافع عمومی بدست آید. دقیقاً "نبودن یک ایدئولوژی مسلط است - برای مثال در FMLN

السالوادور و PLO که حاصل دموکراتیک اتحاد را برای گردهم آوری نیروهای انقلابی مسیحی، مسلمان و کمونیست ها تضمین می کند. از آنجا که اتحاد تمام نیروهای مترقی و انقلابی پیش شرط لازم برای شکل دادن یک بلوک (بدنه) انقلابی قوی است، ما پیشنهاد می کنیم که در رابطه با پلاتفرم شورای ملی مقاومت، قبل از عضویت، بحث و گفتگوی علنی تازه ای صورت گیرد، تا (جبهه) شامل سازمانهای مانسند چریک های فدائی خلق ایران، سازمان چریک های فدائی خلق ایران (اقلیت) راه کارگرو وحدت کمونیستی گردد.

ما کماکان به افشای ماهیت حقیقی رژیم خمینی و حمایت از شورای ملی مقاومت در مبارزه اش بر علیه دیکتاتور و اختناق و برای دموکراسی و سوسیالیسم ادا می خواهیم داد. فردمیلز

نماینده سازمان همبستگی آمریکای لاتین. آمریکای شمالی - دانشگاه آمریکائی - واشنگتن دی. سی

● شورای زنان حزب کارگر انگلستان
(ناحیه لیدز)

● سازمان همبستگی آمریکای لاتین

● انجمن ملی یارتیزانهای ایتالیا A.N.P.I

● در شهردزیو (DESIO) ایتالیا

● حزب وحدت پرو و لتاریا برای کمونیسم

● فدراسیون تورینو

● انجمن اصناف گرافیکی و امور وابسته

● شاخه گلاسگو و غرب اسکاتلند

● سندیکای دموکراتیک کارگران

● فرانسوی (C.F.D.T.) بخش دیژون

● معاون استانداری شهر پابویا (ایتالیا)

شورای زنان حزب کارگر انگلستان
(ناحیه لیدز)

آقای مسعود رجوی

شورای ملی مقاومت

رفقای عزیز!

میل دارم که آرزوی موفقیت برای کشورتان از طرف اعضای این سازمان را به اطلاع شما برسانم.

ما یلیم که محکومیت خود را از دیکتاتور، شکنجه و کشتاری که توسط رژیم خمینی اکنون بر مردم ایران تحمیل شده است، اعلام داریم.

ما امیدواریم که بزودی ایران در جایگاه خود در جامعه مللی که حقوق انسانی و دموکراتیک تمام آنها را محترم می شمارند قرار گیرد.

تمناً داریم که این پیام را به منزله بیان حمایت مان از شورای ملی مقاومت و اعتقادمان به اهداف و آرزوهای آن تقبل کنید.

دوستدار شما

لورا کوهون عضو شورای شهر (دبیر افتخاری

شورای زنان حزب کارگر انگلستان

(ناحیه لیدز)

فاجعه لبنان و طرح کمپ دیوید

از: مهرزاد

خط اما می‌های کنیسه نشین به خوبی واقفند که هنوز برای تحقق نقشه‌های شوم طرح شده جهت تا مین شیات سیاسی منطقه "در ابطه با منافع آمریکا و اسرائیل مسائل فراوانی وجود دارد که به هیچ روی قابل انکار نیستند. (۳) ولی آنچه زلزال همه‌ی این قبیل افاضات پیا پی مبرگونه "امام زادگان دستگیر بیژ و هشرمی گرددا بین واقعیت است که در گمان ذی نفعان کنیسه نشین یکی از مراحل بسیار حساس یک طرح دراز مدت که اساسا "در جهت تثبیت و شناسانده شدن اسرائیل در منطقه برنا مریزی شده، به پایان رسیده و منطقه در آستانه‌ی مرحله‌ی بعدی آن قرار گرفته است.

با توجه به برخی از خطوط افشاء شده‌ی این طرح در ۱۹۶۷ و پس از جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در ژوئن همان سال، توسط گلدامایر نخست وزیر وقت اسرائیل روشن می‌شود که لبنان به مثابه‌ی دومین کشوری در نظر گرفته شده بود که با لایحه دست دوستی با رژیم نژادپرست اسرائیل دراز خواهد نمود. گلداما بر در ضمن اظهارات خود اعلام داشته بود که من هنوز نمی‌دانم که نخستین کشوری که حاضر به قبول صلح و به رسمیت شناختن اسرائیل خواهد شد کجاست اما است ولی قطعاً "دومین کشور جز لبنان نخواهد بود. شرایط منطقه و بین بستنی که اسرائیل در آن قرار داشت و از سوی دیگر فشار ملک فیصل به آمریکا جهت عقب نشینی اسرائیل از مناطق اشغالی (۴) سرانجام به شکست محدود اسرائیل در اکتبر ۱۹۷۳ در برابر ارتش مصر انجامید که با دادن ۲۵ هزار رگشته فاتحانه از کانال سوئز عبور نموده و دیوار دفاعی "بارلسو" را درهم شکست.

پیروزی نظامی فوق بلافاطه متوقف شده و محاصره‌ی یک لشکر مصری به تعداد ده هزار نفر در صحرای سینا و عبور واحدهای اسرائیل از کانال سوئز و تسخیر مواضع بقیه در صفحه ۲۵

در آغاز قرن پانزدهم هجری "امام خمینی طی یک پیام وعده داد که "این قرن، قرن غلبه اسلام بر قدرت های شیطان و اعتلای دین خدا است". هنوز یکسال از این خیال بافی بی بنیان سپری نشده بود که جلال صهیونیسم آریل شارون به نمایندگی از "نژاد برگزیده خدا" در برابر نمایندگان سازمان‌های یهودی آمریکا اظهار داشت که عصر جدیدی در جهان آغاز شده و بزودی دنیا شاهد خواهد بود که چگونه با اخراج جنگجویان فلسطینی از لبنان کلیه‌ی شرایط برای تحقق یک قرارداد صلح سه جانبه میان مصر- اسرائیل- لبنان فراهم شده است (۱) البته وزیر دفاع دولت صهیونیستی بگین مدعی مقام "امام مست" نمی‌باشد ولی به دلایل فراوانی اظهارات او این احساس را در شنونده بیدار می‌کند که مبادا این حریفان کهنه کار همسایگان گردانندگان خط مشهور به "امام" باشند که با ترستی‌های فراوان از "امام اسلامی" جهت رفع مشکلات خط ائمه صهیونیسم "کسار کشیده‌اند، و با حمایت های تسلیحاتی و اطلاعاتی در طول دو سال اخیر کلیه زمین‌های لازم را در سطح منطقه برای کشتار لبنان فراهم ساخته‌اند. چرا که دیگر بر هیچکس امروزه پوشیده نیست که اگر با سینه زدن به زیر علم اصل ارتجاعی "صدور انقلاب" خمینی بازیچه‌ی منویات اسرائیل نشده بود فاجعه‌ی لبنان قابل تحقق نبود. فاجعه‌ای که به قیمت آوارگی ششدهزار لبنانی و قتل عام بیش از یک صد هزار نفر از مردم غیرنظامی ساکن در مناطق جنگ زده و درهم کوبیده شدن چندین شهر پر جمعیت تمام شد، شمره‌ی شکاف عمیقی در جهان عرب بود که مستقیماً تحت تاثیر نتایج احتمالی شکست نظامی عراق از ایران قرار داشت. فاجعه‌ای که از مدت‌ها قبل از وقوع موردهشدار محافل مختلف (۲) سیاسی جهان قرار گرفته و در همین رابطه مصرانه از ایران تقاضای پایان دادن به جنگ ابلهانه و خونین با عراق شده بنسود ولی خمینی برای "اعتلای دین خدا" گوش به این حرفها بدهکار نبود و به هر صورت امروز همه درک می‌کنند که مقصود از آن دینی که با بیدار شدن پانزدهم هجری به اعتلای می‌رسید چه بوده است!

با همه‌ی اینها هم "امام" خمینی وهم

مسئولیت مقالات مندرج در "شورا" به عهده‌ی نویسندگان است

شورا

به بهانه پاسخ به مقاله:

"مجاهدین،

مارکسیست-لنینیست‌ها

و آزادی

از: همایون

هدف از نگارش این مقاله تنها دامن زدن به بحثی است که در نشریه‌ی شماره ۴۵ انجمن دانشجویان مسلمان مطرح شده است و نیز گسترده کردن حوزه‌ی آن. باشد که مارکسیست‌ها، بویژه مارکسیست‌هایی که به علت عدم عضویت در گروه‌ها و سازمان‌های موجود غالباً "فرصت بیان نظریات خود را ندارند، و متفکرین دیگر با ابراز عقاید خود زمینه‌ی برای جدی شدن مباحثی که اهمیت فوق العاده دارند، فراهم نمایند.

*

مقاله‌ی آقای خرم‌کیش را می‌توان چنین خلاصه کرد: ۱- غالب مارکسیست‌های ایرانی با آزادی سردشمنی دارند. ۲- مارکسیسم را با آزادی ستیزی نیست. دوتز قابل دفاع که ارزیابی آنها، بویژه امروز، اهمیت بسیار دارد.

اما آقای خرم‌کیش بندی و سواسه‌های تئوریک نیست. عارف است. شورمنداست. حرفش را راحت می‌زند و نیازی به توضیح تئوریک حرفهای خود احساس نمی‌کند. برایش مهم نیست که چرا برخی از مارکسیست‌ها (ونه منحصر) "مارکسیست‌های ایرانی" با آزادی سرخصومت دارند، این دریافت از چه بد یا کج فهمی مایه می‌گیرد، تا کجا و چگونه به دریافت‌های بورژوازی آلوده است و از چه طریق با دیدن آن به مبارزه برخاست. از سر توضیح این انحراف تئوریک با استعمال لغات و ترکیباتی نظیر: "ورادوا دعیه" و "لقمه‌های ایدئولوژیکی... که به مجموعه فضیلت‌ها و مناسک انقلابی "چپ" (!) علاوه می‌گردد" می‌پردتا به نصیحت "مارکسیست‌های قبله‌ها کرده" (!) بپردازد.

بقیه در صفحه بعد

مقاله‌های ارسالی خود را برای صفحات شورا به آدرس نشریه اتحاده انجمنهای دانشجویان مسلمان در فرانسه به شرح زیر بفرستید.

(فرانسه)
A.E.M.F.
B.P. 49
75462 Paris Cedex 10 France

به بهانه پاسخ به مقاله: "مجاهدین"...

بقیه از صفحه قبل —

چنین یا چنان نکرده بود، "حزب کمونیست" می‌بود. در یافت‌های آن از مقولات مارکسیستی، ایدئولوژی حاکم بر آن، که با چنین یا چنان عمل کردنش پیوند بیواسطه دارند، از دید اینان، دستکم عجالتاً، دارای اهمیت نیست. کافی است به نشریات سازمان‌های مختلف، پس از انقلاب مراجعه شود. جز چند مقاله پراکنده، کی و کجا به نقد دیدگاه‌های حزب توده پرداخته‌است؟ کدام سازمان، بجای تکیه بر اعمال حزب توده، با نقض "جهان بینی توده‌ای" به این نتیجه‌ی امروز آشکار رسیده‌است که این حزب رودر روی صف توده‌ها و در نتیجه "دشمن طبقاتی" است؟

در میان سازمان‌های مارکسیست ایران، سازمان چریک‌های فدائی خلق از غفلت از مبارزه‌ی تئوریک بیشترین آسیب را دیده و با این همه هنوز ریشه‌ی در درانیا فتنه است. و چنین است که امروز حزب توده را نه دشمن طبقاتی، بلکه نیروی بینا بینسی می‌دانند و در توجیه نظر خود، بجای نقض ایدئولوژی حزب توده و روشن کردن جایگاه طبقاتی این ایدئولوژی، با استناد به چند موضع‌گیری پراکنده‌ی رهبران آن (که در اصل احتیاطاً "و فقط برای چنین استفاذه‌ای عنوان شده‌اند)، بی‌آنکه این موضع‌گیری‌ها را در متن سیاست کلی حزب که با زتابی از نگرش ایدئولوژیک حاکم بر آن است، ارزیابی کند، طبق معمول دست به دامن لنین می‌شود و از تحلیل‌های زمانی-مکانی او قانون می‌سازد. تنها لحظه‌ای بیاندیشیم که اگر لنین می‌بود...

و تعجبی ندارد. ما برای بحوث تلویزیونی نگهدار و طبری یا سروش و یک آخوند دیگر را بخاطر در آید. هر با رکه نوبت حرف زدن نگهدار شد از او پرسیدند: دیا لکتیک چیست؟ و هر با رملتسانه به طبری نگریست و ضمن موکول کردن پاسخ "به زمانی مناسب‌تر"، "فرصت را غنیمت شمرد" تا به پروپای آنها که از شرکست در برنا ما متناع کرده بودند، (مجاهدین و بنی‌صدر) بیچندواز "مسئولین امور" که به او "مکان داده بودند تا به تلویزیون بیاید" (و پشت رسوائی خود را از بام عرش بیاندازد)، تشکر کند.

چه چیزی جز خواشمارگی آگاهانه تئوریکه جز تحقیر و روشنفکرهای "خرده بورژوا" جز

و بعد، در بخش دوم، ضمن تجلیس از "آزادی بر اطلاق" به زبان فلاسفه‌ی عصر روشنائی، جملاتی از آثار ایام جوانی مارکس (زمانی که مارکس آثار پرودون را "مانیفست علمی پرولتاریای فرانسه" می‌دانسته است) نقل می‌کند و به بهانه‌ی اثبات عدم خصومت مارکسیسم با آزادی، از مارکس واسطه‌ای برای مقبول جلوه دادن مواضع "حقوق بشری" خود می‌تراشد: مارکس به جنبه‌ی فرا طبقاتی - و نه غیر طبقاتی - آزادی مطبوعات می‌اندیشد "دلیل؟ ... مارکس معتقد است که امحای آزادی عقیده و بیان رابطه‌ی فرد و جامعه را قطع می‌کند. "دلیل؟ ... و بسیاری ادعاهای بی‌دلیل دیگر.

آقای خرم‌کیش اهل مکاشفه است. اما صاحب این قلم از درک فیض اشراق محروم است. تئوری و مبارزه‌ی تئوریک را به جد می‌گیرد. بر آن است که مشکلات عملی جنبش کمونیستی در ایران امروز، با رسوخ ایدئولوژی بورژوائی در ایدئولوژی مارکسیستی در سطح جهانی، و منجمله در ایران، و با امتناع اغلب سازمان‌های مارکسیست ایران از مبارزه‌ی تئوریک، از اندیشیدن به مفاهیم و اصطلاحات پایه‌ی تئوریک مارکسیستی، و از ارائه در یافت خود از این مفاهیم پیوند مستقیم دارد. و معتقد است که حل بحران جنبش کمونیستی ایران جز با پالایش "مارکسیسم ایرانی" از آلودگی مفاهیم بورژوائی عملی نیست.

اغلب سازمان‌های مارکسیست ایرانی، با تحقیر فلسفه به دامان پراگماتیسم در غلطیده و به زبان آلتوسر، از "مبارزه‌ی طبقاتی در حوزه‌ی نظر" بازمانده‌اند. اما از آنجا که مبارزه‌ی طبقاتی امری است که فسارغ از اراده‌ی افراد، و در کلیه‌ی سطوح زندگی اجتماعی، جریان دارد، لاجرم در این مبارزه، در این حوزه، بطور مقطعی بازنده شده و البته تا شیر آنرا در سایر حوزه‌ها هم به چشم دیده‌اند.

نحوه‌ی رایج برخورد با حزب خائن توده دلیل آشکار حکومت پراگماتیسم بر جنبش کمونیستی ایران است. (گفتن ندارد که در همه‌جای این مقاله، مقصود گرایش غالب در جنبش کمونیستی است) در سخن گفتن از یا با توده‌ای‌ها، همیشه حرف از خیانت‌های "عملی" این حزب است. به عبارت دیگر، از نظراین دسته از منقدین، حزب توده اگر

بی‌اعتنائی به مارکسیسم به مثابه‌ی علم و فلسفه، به آدمی که نمی‌گویم از تحلیل پدیده‌ها بر اساس ماتریالیسم دیا لکتیک، نمی‌گویم از ارزیابی وقایع تاریخی در پرتو ماتریالیسم تاریخی، می‌گویم از تعریف دیا لکتیک عاجز است، اجازه می‌دهد تا مدتها به عنوان عضو مرکزیت سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران، در یکی از زیر جنب و جوش‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر ایران، در رهبری سازمانی که در فسرده‌ی انقلاب به قطب مطلق و بلا منازع جنبش کمونیستی این کشور بدل شده بود جا خوش کند و علی‌الظا هر وظیفه‌ی پیشبرد جنبش بر اساس تحلیل دیا لکتیکی شرایط مشخص در روند مبارزه‌ی طبقاتی و موضع‌گیری متناسب با آن را بر عهده بگیرد؟

جنبش کمونیستی ایران از مبارزه‌ی طبقاتی در حوزه‌ی تئوری غفلت ورزیده، اما نه بورژوازی، و مبارزه در جریان بوده است. و چنین است که بورژوازی در یافت خود از مارکسیسم را، در سطح گسترده‌ای، بر ما رکیست‌ها تحمیل کرده‌است. ما رکیسم به چند فرمول ساده با اصطلاحاتی، به ظاهر همیشه همان، اما در حقیقت با معانی مختلف و گاه متضاد، تنزل کرده و برای اذهان ساده اندیش به کلیدی بدل شده‌است که هر قفلی را بی‌دردسرباز می‌کند. مفاهیم بورژوازی و پرولتاریا، زیر بنا و روبنا (تمویری که ساده‌گرائی فاجعه‌باری را موجب شده‌است) روابط تولیدی و نیروهای تولیدی، دیکتاتوری پرولتاریا، ماتریالیسم تاریخی و دیا لکتیک... در میان کمونیست‌های ایرانی (و نه فقط در میان آنها) دهان به دهان می‌گردند اما به دشواری می‌توان دو عضو یک سازمان را پیدا کرد که در نهایت از این مفاهیم، دریافت‌های یگانگه‌ای داشته باشند. چرا؟

برای اینکه غالب سازمان‌های مارکسیست در ایران نیازی به توضیح این مفاهیم حس نکرده‌اند. علل این امر بسیارند. نوپائیی جنبش کمونیستی در ایران، عدم امکان فعالیت تئوریک در دوران مبارزه مسلحانه، عدم دسترسی به آثار مارکسیست‌های جهان و با دستکم، عدم امکان ترجمه‌ی این آثار (هنوز حتی آثار کلاسیک مارکسیسم هم به‌تعمای در ایران ترجمه و منتشر نشده‌اند) درگیری در مسائل روزمره‌ی بعد از انقلاب، غفلت از تحلیل تاریخ جنبش کمونیستی جهان و لاجرم ندیدن یا نا چیز انگاشتن نقش انحرافات تئوریک در سرنوشت این

به بهانه پاسخ به مقاله: "مجاهدین"...

جنبش - امرا خیریه توبه‌ی خود عا ملی برای امتناع از تحلیل تاریخ جنبش کمونیستی جهانی شده است - و... البته در این میان حزب توده نیز با انتقال سنت ضد مارکسیست - لنینیستی "صدور بخش نامه های ایدئولوژیک" به درون جنبش کمونیستی ایران، وظیفه‌ی خود را، که همانا خدمت به بورژوازی از طریق به انحراف کشاندن جنبش کمونیستی از درون باشد، به نحو احسن انجام داده است. از این دیدگاه متاسفانه تا جایی که من میدانم بیش از بسیاری از سازمانهای مارکسیست ایرانی توده‌ای هستند و این اتهام نیست. کافی است فردی که تمایلی به مارکسیسم دارد با هواداران سازمان پیکار تماس پیدا کند تا بدون تحلیل، بی آنکه نیازی به چون و چرا حس کند، شوروی را "سوسیال امپریالیست" بداند. همین فرد، اگر بر سر راه هواداران سازمان چریک‌های فدائیان خلق قرار بگیرد، این کشور را "سوسیال رویونیست" خواهد یافت، و در صورت پیوستن به هواداران "اتحاد مبارزان کمونیست" آنرا نماینده رفرمیسم بورژوازی ارزیابی خواهد کرد. به عبارت دیگر، فردی که از پس اندیشیدن یا به حکم موقعیت طبقاتی‌اش به سازمانی مارکسیست می‌پیوندد، برخلاف توقع صریح مارکس، حق اندیشیدن را مادام‌العمر از خود سلب و به کمیته‌ی مرکزی سازمان "متبوعش" واگذار می‌کند.

سازمانهای ایرانی عادت به تحلیل و توضیح مفاهیم "خودی" ندارند. چنین است که پیکار ضمن ارزیابی شوروی به مثابه‌ی نماینده‌ی سوسیال امپریالیسم، استالینیست باقی می‌ماند و کمترین نیازی به توضیح چگونگی تبدیل دیکتاتوری پرولتاریا به رژیم سوسیال امپریالیست احساس نمی‌کند. سازمان چریک‌های فدائیان خلق به سوسیال رویونیست خواندن رژیم شوروی ادا می‌دهد بی آنکه خود را موظف به توضیح عواملی که موجب پیروزی رویونیسم بر دیکتاتوری پرولتاریا شده‌اند؛ و بطریق اولی، تحلیل طبقاتی جامعه‌ای که چنین رژیم بر آن حاکم است، بدانند. اتحاد مبارزان کمونیست شوروی را حلقه‌ای از زنجیر امپریالیسم جهانی معرفی می‌کند اما برای توجیه نظر خود به اشاره به حاکم شدن رویونیسم جروشچی "بر حزب و دولت (لا بد به مثابه‌ی نقطه‌ی آغاز انحراف)

اکتفا می‌نماید. ما با رفقای اتحاد مبارزان موافقیم. اما از رفقای می‌پرسیم چه شد که پرولتاریای بظا هرچا کم، بی آنکه کوچکترین واکنشی نشان دهد، قدرت را دودستی تقدیم دشمن طبقاتی‌اش کرد؟ از این بدتر: می‌پرسیم چه شد که قدرت دست بدست شد بی آنکه پرولتاریا اصلاً "زما جرایا خبر شود؟ می‌پرسیم سروکله‌ی این دشمن طبقاتی تازه از کجا پیدا شد، مبارزه‌ی طبقاتی خود را چگونه و با بهره برداری از چه شرایطی به پیش برد، و قدرت یافتن آن در روند کدام پراتیک غیر - مارکسیستی و ضد انقلابی آغاز گردید و این پراتیک ضد انقلابی با کدام تئوری ضد انقلابی توأم بود؟

رفقا که نمی‌خواهند نغمه‌ی قدیمی "اشتباه تاریخی پرولتاریا" را سر دهند؟ نمی‌خواهند انقلاب کبیرا کتیرا به حکم فرجام ناپذیر "تاریخ" به شکست ناگزیر محکوم کنند؟

از رفقای می‌پرسیم - و این پرسش است که بجا و به هنگام بودن همه‌ی این پرسش‌ها و ضرورت پاسخگویی به آنها را مدلل می‌کنید - از کجا بدانیم که دریافت‌های تئوریک نادرستی که در به شکست انجام میدن انقلاب اکتبر سهم‌سازسی داشته‌اند، هم‌اکنون در کنه دریافت‌های شما از مارکسیسم وجود ندارند؟ می‌پرسیم: ماهیچ، خود شما از کجا مطمئنید که در حقیقت زمینه را برای "اشتباه تاریخی پرولتاریای ایران" فراهم نمی‌کنید؟

کم نیستند آنان که طرح این سوالات را ناپهنگام، و پیاپی سخگویی به آنها را "در شرایط فعلی" فرعی می‌پندارند. در پاسخ به همه‌ی اینها ما دو نکته را عنوان می‌کنیم: اولاً: "شرایط فعلی" همیشه موجود بوده‌اند و خواهند بود. مبارزه‌ی طبقاتی، در هیچ حوزه‌ای آتش بس نمی‌شناسد و هر روز، در همه زمینه‌ها، مسائل ویژه‌ای را طرح می‌کنند.

"شرایط مساعد" کی فراهم خواهد آمد؟ ثانیاً: از جمله معانی انترونا سئونالیسم کمونیستی یکی (هم‌این است که کمونیست‌های سراسر جهان تاریخ مشترک و یگانهای دارند. امتناع از پرداختن به این تاریخ، خودداری از تحلیل آن و درس گرفتن از آن و نقدی بر حمانه و بی‌پرده‌ی اشتباهاتی که در آن صورت گرفته است، و اکتفا به یادآوری برخی از عواقب این اشتباهات با اصطلاحاتی مبهم و تعریف

نشده، و - شگفتنا! - گاه حتی برای گریزاز چنین نقد و تحلیلی، اجتناب ناپذیر جلوه دادن آنها، از جانبی نفی پیوند خود بنا جنبش جهانی کمونیسم است، و از جانب دیگر این شبهه را بوجود می‌آورد که گویا مارکسیست‌ها که مدعی‌اند نخستین تئوری علمی تاریخ را در اختیار دارند، از بکارگرفتن آن برای تحلیل تاریخ خودنا توانند.

اما، به هر حال، این امتناع خطر تکرار آن اشتباهات را همیشه زنده و حاضر نگه می‌دارد. (مثالی که‌ای بسیار روزی کلاسیک شود: برخورد کمینترن با سوسیال دمکرات‌های آلمان در اوایل دهه‌ی ۳۰، و برخورد امروز غالب کمونیست‌های ایرانی با

مجاهدین) باری، گفتیم که اصطلاحات مارکسیستی دهان به دهان می‌گردند. بی آنکه از ذهن کسی بگذرد که اینها در جریان مبارزه‌ی طبقاتی در تئوری، همچنانکه در پراتیک، با مفاهیم بورژوازی آمیخته و معانی غیر مارکسیستی و ضد مارکسیستی، نیز، پیدا کرده‌اند و اینک پیرایش آنها از این آلودگی، شرط مقدماتی بکارگیری‌شان است. از جمله‌ی این اصطلاحات یکی هم "دیکتاتوری پرولتاریا" است که با مسئله‌ی آزادی از دیدگاه مارکسیسم پیوند مستقیم دارد. چه بی‌گمان مارکسیست‌هایی که به آزادی‌های اجتماعی کم‌بها می‌دهند، نیز، منکر ضرورت مبارزه برای کسب آنها و مورد استفاده قراردادشان جهت پیشبرد مبارزه‌ی طبقاتی پرولتاریا، در دوران حاکمیت بورژوازی، نیستند.

مارکسیست‌ها برای استقرار دیکتاتوری پرولتاریا مبارزه می‌کنند. در این نکته دستکم با آنها که به "اصول" مارکسیسم علمی وفا دارند - جای گفتگونیست. اما بیش از بسیاری از مارکسیست‌ها - و نه فقط در ایران - دیکتاتوری پرولتاریا را در معنای مرکوبگرانه‌اش می‌فهمند. یعنی آنرا در برابر دمکراسی قرار می‌دهند. به عبارت دیگر، از دیکتاتوری پرولتاریا دریا فتی بورژوازی دارند. اینان، همچنانکه در حوزه‌ی فلسفه رابطه‌ی مارکس و هگل را چنین درک می‌کنند که گویا دیالکتیک هگلی روی سر ایستاده بود و مارکس آنرا روی پا گذاشته است، (یعنی جای "خالق یگانگی تاریخ" یعنی (از نظر هگل) "روح" را با "اقتصاد (اکونومیسم)، با "انسان" (اومانیسم)، با اراده‌ی طبقه‌ی حاکم (ولونتاریسم)، و غیره عوض کرده است)، در حوزه‌ی سیاست نیز، از حکومت پرولتاریا عوض کردن جای طبقات

به بهانه پاسخ به مقاله: "مجاهدین..."

حاکم و محکوم را می‌فهمند: پرولتاریا دستگاه دولت را تصاحب می‌کند، برجسای بورژوازی تکیه می‌زند و در بهمان پاشنه که بود، می‌چرخد.

چنین است که، هر قدر هم عجیب به نظر بیاید، این قبیل مارکسیست‌ها، و منجمله بسیاری از چپ‌ترین مارکسیست‌های ایرانی (اگر بکارگیری این اصطلاح مجاز باشد)، به دنبال تئوریسین‌های استالینی و بویژه ویشتنکی، با نفی ضمنی تراساسی زوال دولت، و با خنثی‌انگاشتن شکل دولت و ابزارهای سرکوبگران (که نتیجه ناگزیر تر: "دولت بی‌انگاره‌ی طبقه‌ی حاکم است" می‌باشد)، و از این بدتر: با خنثی‌انگاشتن شکل "سرکوبی"، به جناح راست بین‌الملل دوم می‌پیوندند.

دیکتاتوری پرولتاریا در معنای مارکسیستی خود، در برابر مکرسی قرار ندارد. مارکسیسم زدیکتاتوری بورژوازی نیز سخن می‌گوید و در این معنا، رژیم‌های حاکم بر دمکراتیک‌ترین کشورهای امپریالیستی را نیز زدیکتاتوری می‌داند.

تردید نیست که پرولتاریا از دولت و ابزارهای سرکوبگران برای تثبیت حکومت خود سود خواهد جست. اما این کار را برای زوال هرگونه دولت و هرگونه سرکوبی انجام خواهد داد. و دقیقاً "به همین جهت است که در دوران دیکتاتوری پرولتاریا، سرکوبی نه ضرورتاً سلاح پرولتاریا خواهد بود و نه حتی سلاح اصلی او. چه تکیه بر سرکوبی به مثابه سلاح عمده، مستلزم تقویت قدرت دولت است. نه عمل در جهت زوال آن، بعین‌الوجه در بطن خود، زمینه را برای جدائی هر چه بیشتر توده‌ها از دولت - که هر دولتی که باشد، به ناگزیر بیش و کم بوروکراتیک و در نتیجه جدا از توده‌ها است - کاهش نظارت پرولتاریا بر فعالیت‌های دولت خود، و پیدایش طبقه تازه‌ای فراهم می‌کند.

اما دیکتاتوری پرولتاریا معادل دمکراسی هم نیست. چه‌کاملاً ملترین دمکراسی‌ها نیز، در بهترین شکل خود، به حفظ حکومت اکثریت بر اقلیت گرایش دارند. دیکتاتوری پرولتاریا اما، شکل ویژه‌ای از دولت است که به زوال می‌گراید و با زوال آن، اساساً شکل دولت از میان می‌رود. اینها را هر کس نگاهی به "دولت و انقلاب" انداخته باشد، از حفظ می‌داند. اما برای تحقق یا فتنس این منظور، دیکتاتوری پرولتاریا باید

تنها به نام، بلکه بویژه بوسیله پرولتاریا اعمال شود. به عبارت دیگر، اعمال قدرت بنا بر طبقه‌ی کارگر یا بدتحت نظارت مستقیم این طبقه و با شرکت روزافزون آن در اداره‌ی امور انجام گیرد. این نظارت و شرکت، که باید هم از نخستین روز انقلاب آغاز گردد، نمی‌تواند منحصراً از طریق شوراها (که البته نقش بنیادی را ایفاء می‌کنند) صورت پذیرد. چه با توجه به ریشه‌های عمیق بوروکراسی در جامعه‌ی ماقبل انقلاب، و با توجه به اینکه انقلاب نمی‌تواند از امروز تا فردا عادات بوروکراتیک را نابود کند، و با توجه به اینکه در جامعه‌ی پس از انقلاب سوسیالیستی شکل دولت و بویژه خرید و فروش نیروی کار ضرورتاً "کماکان وجود دارند، به عبارت دیگر از آنجا که زمینه برای پیدایش بورژوازی تازه‌ای آماده است (چه طبقات در روند مبارزه‌ی طبقاتی بوجود می‌آیند و وجودشان مقدم بر مبارزه‌ی طبقاتی نیست)، خود شوراها، در صورتی که هیچ طریق نظارت و مشارکت دیگری برودر اعمال حاکمیت برای پرولتاریا وجود نداشته باشد، تغییر ماهیت داده و بوسیله‌ی بوروکراسی بلعیده می‌شوند. چنین است که: "بدون انتخابات عمومی، بدون آزادی نامحدود مطبوعات و اجتماعات و بدون برخورد آزادانه‌ی عقاید، حیات کلیه‌ی نهادهای سیاسی به خاموشی می‌گرایند و تنها بوروکراسی پیروز می‌شود." (روزالوگزا میورگ در "انقلاب روسیه")

بنا بر این، پرولتاریا نه تنها با آزادی مطبوعات سر دشمنی ندارد، بلکه در روند مبارزه‌ی طبقاتی خود، که طبعاً با انقلاب خاتمه نمی‌یابد (و تا کبدمی‌کنیم که تنها بر علیه بورژوازی مغلوب نبوده و بر علیه بورژوازی‌ای که شرایط تولدش موجود است، نیز، می‌باشد) و برای تثبیت و اعمال حاکمیتش به آن نیازمند هم هست، و کمونیست‌هایی که، نظیر رفقای "اتحاد میسران"، خود را ناگزیر می‌بینند که برای لزوم آزادی نامحدود مطبوعات در دوران "دیکتاتوری دمکراتیک کارگران و دهقانان" (که خود جای بحث فراوان دارد) این سؤال بنیادی به عنوان نقطه‌ی آغاز که: آیا یک نظریه‌ی کلی دولت، و تئوری‌ای که توانین عام‌گذار را زیک دولت به دولتی دیگر را بیان کند، و مدلی برای این گذار بدست دهد، می‌تواند وجود داشته باشد؟ (دلیل بی‌اوردند

و به این ترتیب، بطور ضمنی، عدم آزادی مطبوعات پس از وقوع انقلاب سوسیالیستی را "اصل" قلمداد می‌کنند، باید توضیح دهند که نظرشان بر پایه‌ی کدام تحلیل تئوریک استوار است؟

با این همه نکته‌ای را نباید از خاطر برد. پرولتاریا برای تثبیت و اعمال حاکمیت خود به آزادی مطبوعات نیازمند است. اما هرگاه در شرایط زمانی-مکانی ویژه‌ای مسلم شود که این آزادی حاکمیتش را به مخاطره می‌افکند، از آن صرف نظر کرده و جای آن را به دیگر شیوه‌ها و وسائل کنترل خواهد سپرد. و چنین است در مورد تک اشکال آزادی اجتماعی. اما هرگاه کار به آنجا کشیده باشد که وجود آزادی اجتماعی در کلیه‌ی اشکالش مغایر با مصالح پرولتاریا باشد (یا، و به اقوی احتمال، قلمداد شود)، حاکمیت او خود بخود به مخاطره افتاده است. چه، وقتی مطبوعات و سندیکا و انتخاب و اجتماع و تظاهرات و تبادل نظر و بحث و اعتراض و اعتصاب و... آزاد نباشد، چه تضمینی وجود دارد که هرندای نا موافقی، از هر سو که بلند شود، مشمول مواد و تبصره‌های "فوق العاده" نگردد؟ و چه نهادی از پرولتاریا در مقابل خطر بوروکراسی محافظت می‌کند؟ و او برای حفظ و اعمال حاکمیت خود به چه چیزی جز "حسن نیت" رهبران حزب دل می‌تواند بست؟

مختصراً: پرولتاریا به اشکال مختلفه آزادی اجتماعی نیازمند است و برای کسب و حفظ آنها مبارزه می‌کند. اما این کارانه به نام "جوهر آزادی"، "آزادی بر اطلاق" "حق طبیعی بشر" و امثالهم، بلکه دقیقاً "به جهت ضرورت وجود آزادی‌های اجتماعی برای کسب و حفظ قدرت، یعنی برای پیشبرد مبارزه‌ی طبقاتی‌اش انجام می‌دهد.

در مورد بخش دوم مقاله‌ی آقای خرم‌کیش به ذکر چند نکته تا حد امکان مختصراً اکتفا می‌کنیم:

مسئله‌ی آثار "مارکس جوان" مسئله‌ای نیست که با صدور احکام قاطعی نظیر: "زندگی مارکس به دو بخش جوان و بالغ تقسیم شدنی نیست... به سادگی حل شود. بحث بر سر این آثار ارزش آنها در میان کمونیست‌ها، و سوءاستفاده از آنها بوسیله نویسندگان بورژوازی که قصد تحریف و انکار دست‌آوردهای مارکسیسم را دارند، مدنظر است که آغاز شده و ادامه خواهد داشت.

تا آنجا که به مارکسیست‌ها، یا دستکم آنها که دعوی مارکسیست بودن دارند

به بهانه پاسخ به مقاله: "مجاهدین، ..."

فاجعه لبنان و طرح کمپ دیوید

بقیه از صفحه ۲۱

موشکی مصر باعث شد که مصر وادار به قبول آتش بس شده و تدریجا "زمینه های لازم برای حضور و در مذاکرات راجع به آتش بس و پایان حالت فرسایشی جنگ و مصالحاتی در خصوص عقب نشینی اسرائیل از صحرای سینا فراهم آید. این وقایع که برای نخستین بار میان مصر و اسرائیل حادث می گردید و به منزله نوعی شناسائی ضمنی از جانب مصر به شمار می رفت سبب گردید که این کشور را از صورت دشمن شماره یک اسرائیل خارج کرده و به صورت ناظر بی طرفی در قبال همه ای اتفاقاتی که پس از آن در منطقه و بخصوص در مرزهای شمالی اسرائیل با همسایگان سوری - اردنی و لبنانی اش افتاد، درآورد.

مدارک موجود حاکی از این واقعیت هستند که در این دوران عمده ای کوشش آمریکا برای تحمیل یک صلح اجباری در منطقه در رابطه مستقیم با منافع استراتژیک خویش، مصروف به متقاعد ساختن رهبران اسرائیل به پذیرفتن عقب نشینی از مناطق اشغالی بود، و نه برعکس فشار آوردن به مصر. چرا که در واقع دولت اشغالگر اسرائیل بقای خود را فقط در برتری کامل نظامی در منطقه و گسترش واحدهای مسکونی یهودی - نشین در سراسر مناطق اشغالی می شمرد و با اعتقادات عمیق به برتری نژاد یهودیک جنگ صلیبی را علیه اعراب ادا می داد. کوشش های مداوم آمریکا در جهت متقاعد کردن اسرائیل به عقب نشینی از مناطق اشغالی سینا در وهله اول بیشتر شامل

طبقات جا معها یکدیگر، و با پیش کشیدن مفاهیم مبهم و با خود در تناقضی نظیر "آزادی بر اطلاق"، "جوهر آزادی" و امثالهم، از دریافت ویژه ای از "انسان" مایه می گیرد: "انسان - دارنده ای حقوق فطری". مسئله از جانب برخی از حقوقدانان مارکسیست مدت ها است مطرح شده و پاسخی نیز یافته است. وقت آن است که ما نیز به جستجوی پاسخ این پرسش اساسی برخیزیم که: مقوله ای "انسان - دارنده ای حقوق فطری" (انسان - سوژه ای حقوق) از کجا پیدا شده است و چه با روجه کار بردارید ثولوژیکی دارد؟ وقت آن است که از خود بپرسیم که آیا این مقوله بر راستی به همان اندازه که در نخستین نظر می نماید، معصوم است؟

هما یون ۸۲/۸/۱۲

دیگر تفسیر می کنند، برای تاخیر و تشبیه نظر خود با کمبود "نقل قول - آیه" مواجه می شوند؟

به استناد جمله ای از مارکس نوشتن که: "مارکس معتقد است که محای آزادی عقیده و بیان را بطنی فرد و جامعه قطع می کند. . . و نمی گذارد مبارزه ای طبقاتی به حوزه ای ذهنیات کشیده شود" جز طرح غلط مسائل، جز به بیراهه کشاندن و سردرگمی را در ذهن زدن چه حاصلی دارد؟ "فردی که به رابطه اش با جامعه قطع شده باشد" دیگر چه صیغهای است؟ آدمی که با ردا استعمار می شود و برای تداوم این استعمار، منجمله از مطبوعات آزاد محروم شده اند، با جامعه رابطه ندارند؟ و اگر تحت شرایط آزادی مطبوعات برای طبقه ای استعمارگر چندان خطری ایجاد نمی کند و با لنسبه وجود داشته باشد، رابطه ای فرد با جامعه مجدداً برقرار می شود؟

چطور مارکس معتقد است که محای آزادی عقیده و بیان مانع کشیده شدن مبارزه ای طبقاتی به حوزه ای ذهنیات می شود؟ با زهم می پرسیم: حقیقتاً "سوء نیتی در کار نیست؟ مگر اختیار مبارزه ای طبقاتی دست دولت ها (یا افراد و یا حتی طبقات) است که برایش حد و شرف معین کنند و مثلاً با محای آزادی بیان - که خود امری معلول مصالح زمانی - مکانی طبقه ای حاکم در روند مبارزه ای طبقاتی است - حوزه ای ذهنیات را برای انجام مبارزه ای طبقاتی "منطقه ای ممنوعه" اعلام نمایند؟ خوب، به نظر ایشان، و مارکسی که ایشان می شناسند، برای اینکه بالکل فاتحه ای مبارزه طبقاتی خوانده شود دولت ها باید کلک کدام یک از اشکال آزادی را بکنند؟ (ضمناً "فراموش نشود که آقای خرم کیش آزادی تمسک و تجارت و خرید و فروش نیروی کار، یعنی هسته مرکزی "آزادی های حقوق بشری" را، معلوم نیست با توسل به کدام پشتک و واروی منطقی، مشمول "آزادی بر اطلاق" نمی داند؛ در غیر این صورت به نقل این جمله ای مارکس جوان که: "هر زمان یکی از اشکال آزادی طرد شود، کل آزادی است که طرد شده است" نمی پرداخت.)

طرح مسئله ای آزادی های اجتماعی در چشم انداز روابط فرد با جامعه، و نه روابط

مربوط می شود، و در نظر افراطی وجود دارد: برخی با پیش کشیدن اصطلاح "برش دانش شناسانه" - که با شعار عنوان کرده است - به گونه ای مطلق آنها را غیر مارکسیستی و ایده آلیستی می دانند. بعضی برعکس، معتقدند که این آثار پایه ای فلسفی آثار اقتصادی مارکس را تشکیل می دهند و در نتیجه آثار را خیر باید در پرتو آنها مطالعه شوند. این گرایش بویژه پس از کنگره بیستم حزب کمونیست شوروی، در میان کمونیست ها می که در جستجوی نوعی مارکسیسم او مانعی بوده اند، یا هستند، تقویت شده است. در میان این دو گروه، گروه دیگری هستند که معتقدند: مارکس مارکسیست بدنیانیا نیا مده؛ در مکتب فلسفی حاکم زمان خود، یعنی در مکتب ایده آلیسم هگلی پرورش یافته و تئوری علمی خود را، برعلیه تئوری های رایج زمان، و با بریدن تدریجی از آنها، بدنیال یک تلاش فکری فوق العاده و در جریان مبارزات سیاسی دشوار جنبش کارگری پایه ریزی کرده است. بنا بر این طبیعی است که بویژه آثار اولیه او مهربان اندیشه های که خود بر علیه آنها قد علم کرده است را داشته باشد. نتیجه: آثار مارکس، خصوصاً آثار دوره ای جوانی او را با بسدر پرتو دست آورد کلی اش، یعنی در پرتو تئوری علمی ای که خود با به گذاری کرده است، مطالعه نمود.

یکی از عمده ترین مزایای این نظر این است که استفاده ای مذهبی گونه از آثار مارکس را ممنوع می کند و شیوه ای مثبت به جملات از متن "بریده شده" یا موضع گیری های زمانی - مکانی پایه گذاران مارکسیسم - لنینسم به مثابه آیات انکارنا پذیر، آنجا که پای تئوری می لنگد، را می رسد و می شمارد.

و بر راستی اگر سوء نیتی در کار نباشد (که نیست؟)، ردیف کردن جملاتی از مارکس امروز کدام مشکل تئوریک یا پراتیک را حل می کند؟ و آقای خرم کیش تصور می کنند آنها که به نام مارکسیسم پیشا پیش برای کلیه اشکال آزادی اجتماعی قسده بسته و دیکتاتور پرولتاریا را به معنای نوعی حکومت مستبدانه با دستگا هرکوبی نیرومندی که هیچ چیز جلودارش نخواهد بود و روز به روز قدرت بیشتری می گیرد، یعنی مثل همه ای حکومت های استبدادی

فاجعه لبنان و طرح کمپ دیوید

بحث های ایدئولوژیک با هیئت حاکمه اسرائیل بود تا استنتاجات صرفاً "سیاسی-اقتصادی و ملاحظات کاملاً" نظامی!! درین مورد گزارش وزارت خارجه ای آمریکا به تاریخ ۱۰ مه ۱۹۷۹ صراحت دارد (۵) مشکلات بگین همانظوری که به مذاکرات نزدیک ترمی شود هم سیاسی و هم روانی هستند. از لحاظ روانی بگین باید خودش را متقاعد سازد که به اصولش خیانت نمی کند. "همچنین" اسرائیلی ها نسبت به اشاره ای ما (آمریکا) به تخلیه ی تمام جبهه ها تحت قطعنامه ی ۲۴۲ سازمان ملل اظهار ناخشنودی کردند. وزیر خارجه آمریکا به ژنرال موشه دایان برای قبول اسرائیلی ها در این باب فشار آورد که قطعنامه ی ۲۴۲ مستلزم تخلیه ی تمام جبهه ها می باشد. از تبادل نظرهای اخیر ما با اسرائیلی ها آشکار است که بگین هنوز آماده ی قبول اصول تخلیه نیست که (این امر) از نظر تعهدات ایدئولوژیک که به مدت طولانی به آنها معتقد بوده قابل فهم است. مسیما معتقدیم که این مشکل ترین تصمیم برای اسرائیلی ها در هفته های آینده است (۶) به هر صورت برای سیاستمداران آمریکائی برقراری یک حالت پایداری در منطقهای خاور میانه در گرو عقب نشینی اسرائیل از مناطق اشغالی بر اساس قطعنامه ی ۲۴۲ سازمان امنیت و انعقاد قراردادهای صلح میان اسرائیل و همسایگانش بوده است. به عبارت دیگر آمریکا می کوشید تا اسرائیل را متقاعد سازد که به ازای به رسمیت شناخته شدنش توسط دشمنان تاریخی اسرائیل از سرزمین های غصب شده بیرون برود، ولی جناح ارتجاعی بگین که شدیداً "تمایلات مذهبی را در اسرائیل دامن میزد برخلاف آمریکا معتقد بود که با تکیه بر قدرت مسلح می تواند شرایط خود را به همسایگانیش دیکته نماید. "اعلامیه های بگین مبنی بر اینکه اسرائیل هرگز یک کشور فلسطینی را قبول نخواهد کرد و روی حاکمیت اسرائیل بر جودا، ساماریا و غزه پس از ۵ سال خود مختاری تا کید می کند آشکارا برای مطمئن ساختن موافقین جنگ در داخل هروت و حزب ملی مذهبی طرح ریزی شده است" (۷) "بخش های مذهبی شدیداً" در اسرائیل التهاب پذیر هستند. (۸) با همه ای اینها چون تسلیح و تدارک کشور

میلیتاریزه ای مانند اسرائیل مخارج بسیار هنگفتی بر اقامت آمریکا تحمیل می نمود. منافع آمریکا اقتضای می کرد که شیات منطقه نه در گرو حالت جنگ که بر پایه صلح استوار گردد. به همین سبب برخلاف تمایل دولت یهود به لشکرکشی های مداوم و فتوحات بی پای سرزمین هائی که در تورات از آنها به عنوان "معا بریهود" نام برده شده است، فضا می بایست از طریق مذاکرات سیاسی فیصله می گرفت. طبیعتاً "قوی ترین دشمن اسرائیل در منطقه جز مصر نبود و اکنون که رژیم سادات به امید بازپس گرفتن صحرای سینا از هر عمل تهدید آمیزی علیه اسرائیل احتراز می کرد موقعیت بسیار مناسبی در اختیار آمریکا قرار گرفته بود که می بایست به بهترین نحو از آن بهره برداری شود.

از سوی دیگر لزوم تامین منافع استراتژیکی آمریکا در خاور میانه ایجاب می کرد که یکبار برای همیشه مشکل آوارگان فلسطینی به نحوی حل شود که اسرائیل، ایالت پنجاه و یکم آمریکا، هرگز بهانه ی فلسطین مورد تهدید همجواریش قرار نگیرد. البته حل این مشکل هرگز از طریق به رسمیت شناختن حقوق آوارگان فلسطینی برای تشکیل یک دولت فلسطینی در کرانه غربی رود اردن قابل تحقق نبود چرا که اسرائیل شدیداً "با این امر مخالفست میورزید". در یک مقاله ی دیوت آهارونات گفته شده که سیاست ایالات متحده در زمینه مذاکرات با سازمان آزادیبخش فلسطین یک "نگرانی بزرگ" برای اسرائیل می باشد روزنامه در شگفت است که چگونه اسرائیل تقاضا شده تا "یک کشور فلسطینی" را به رسمیت بشناسد. (۹) به همین دلیل و به سبب فشاری اسرائیل بر اهل مخالفت با حقوق آوارگان فلسطینی جهت تشکیل یک دولت مستقل، آمریکا و متحدان او تحمیل قرارداد صلحی در منطقه را بر کشورهای عربی در چارچوبه ی مصوبه ی ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت مورد نظر قرار دادند. ویژگی دو قطعنامه ی فوق که اصول اساسی قرارداد موسوم به "کمپ دیوید" را تشکیل می داد در این بود که برخلاف سایر مصوبات شورای امنیت سازمان ملل متحد هیچ عنایتی به حقوق فلسطینی ها در آن ها نشده بود. کوشش رهبران آمریکا در قبولاندن

شرایط به رسمیت شناختن اسرائیل به مصر در ازای تخلیه ی کامل صحرای سینا - به استثنای نوار غزه - از همین واقعیت ناشی می گردید. واقعیتی که بر اساس آن مصر با بازپس گرفتن صحرای سینا و انعقاد قرارداد صلح و به رسمیت شناختن دولت اسرائیل در برابر کلیه اقدامات آتی و نسبت به سایر همسایگان بی طرف و خنثی می گردید و بدین طریق این بار اسرائیل با آسودگی خاطر کامل قادر بود که تمام توجه خود را معطوف به همسایگان مرزهای شمالی خویش نموده و شرایط خویش را به آنان نیز تحمیل نماید. آنچه در قرارداد کمپ دیوید در ارتباط با حل مشکل آوارگان فلسطینی آمده بود هرگز از حد یک خود مختاری در مناطق اشغالی اردن غربی و نوار غزه فراتر نمی رفت و این امر در حالی بود که سازمان آزادیبخش فلسطین مصرا نه برای بوجود آمدن یک دولت فلسطینی تلاش می نمود و اساس کوشش های خود را از فعالیت های نظامی، مصروف ما نورهای سیاسی کرده و در این راه قدم های بسیار موثری برداشته بود. به همین دلیل هرگونه تثبیت شرایط به نفع آمریکا - اسرائیل در منطقه فقط زمانی قابل تحقق بود که سازمان آزادیبخش فلسطین به عنوان نماینده ی "آوارگان فلسطینی" از صحنه ی محاسبات بین المللی به کناره رفته و بطور کامل از بین برود، و این امر نیز خود یک حمله ی وسیع و همه جانبه به لبنان را ایجاب می کرد. از اینها مشخص می گردد که آغاز جنگ داخلی لبنان در واقع در جهت بهم زدن شیات سیاسی این کشور بود تا در یک لحظه مشخص به اسرائیل این فرصت را بدهد که برای همیشه تکلیف سازمان آزادیبخش را یکسره نماید. و آنگاه بر اساس "طرح بگین" با اعطای یک خود مختاری ۵ ساله به فلسطینیان، آنان را در یک دولت مختلط اسرائیلی - فلسطینی حل کرده و مورد استعمار مضاعف و کامل قرار دهد (۱۰) این طرح که از مدت ها قبل توسط اسرائیل به آمریکا ارائه شده بود مورد اعتراض جدی سازمان آزادیبخش قرار داشت. بدین رو اسرائیل در مرکزیت این سازمان، که پس از جنایت ملک حسین از عمان به بیروت منتقل شده بود، بزرگترین دشمن تاریخی خود را می یافت و از هر فرصتی برای درهم کوبیدن آن بهره می برد.

فاجعه لبنان و طرح کمپ دیوید

کانون های بحران در خاور میانه

تا آغاز جنگ داخلی در لبنان یکی از بزرگترین مراکز بحران در خاور میانه پس از منطقه فلسطین اشغالی، مرزهای ایران و عراق بود. شاه به عنوان واسطه آمریکا، رهبری خائن و مسلط به جنبش خودمختاری طلب کردستان - ملامطفی با رزانی - را به لحاظ تسلیحاتی و تدارکاتی حمایت می کرد و یک حالت جنگ اعلام نشده میان دو کشور ایران و عراق وجود داشت. مدارک موجود نشان می دهد که چگونه با رزانی مورد استفا دهی کیسینجروزیس خارجی وقت آمریکا قرار داشت و چگونه با به انحراف کشاندن مبارزات کردها، به عوض پافشاری بر اصول خودمختاری که مورد تمویب مجلس عراق نیز قرار گرفته بود با همکاری ارتش ایران حملات مداومی به مناطق اقتصادی و صنعتی عراق می نمود تا سبب تضعیف رژیم بعث شده اسباب انصراف خاطر او را از پرداختن به جبهه های اسرائیل فراهم آورد. (۱۱)

در سال ۱۹۷۵ به دنبال بالا گرفتن مذاکرات صلح میان مصر و اسرائیل و اطمینان آمریکا از تمایل رژیم سادات به برسمیت شناختن دولت اسرائیل در قبال عقب نشینی او از صحرای سینا، منطقه دستخوش تغییر و تحولات اساسی گردید. گزارش سالانه ی حزب بعث نشان می دهد که در این سال سه واقعه ی مهم در رابطه با سیاست جدید آمریکا در قبال اسرائیل و همسایگان در منطقه تحقق یافت که به ترتیب عبارتند از: الف - ترور ملک فیصل پادشاه عربستان سعودی، که در پایان دادن به جنگ شش روزه نقش اساسی داشت و یک بار از سلاح نفت علیه ایالات متحده بهره برده بود. با مرگ فیصل برادر مریض و ضعیف النفس او ملک خالد جانشین او شد و به این ترتیب به کلی زمینه های موثر فعالیت سیاسی عربستان در رابطه با اسرائیل و منطقه فلسطینی اشغالی کور گردید.

ب - خیانت شاه به آرمان خلق کرد که با رژیم بعث عراق در حال مبارزه ای طولانی جهت احقاق حق خودمختاری بود. نامه های با رزانی به هنری کیسینجروشا ه پسرده از روابط بسیار نزدیک این رهبری خائن با

مقامات فوق برمی دارد و نشان می دهد که چگونه با رزانی توسط پسرانش مسعود و لادریس مستقیماً از موساد اسرائیل خط می گرفتند است.

ج - آغاز جنگ داخلی لبنان جهت برهم زدن ثبات سیاسی این کشور به ضرر فلسطینی ها و فراهم ساختن زمینه های لازم برای پیشبرد عملیات نظامی گسترده اسرائیلی در لبنان جهت سرکوب کامل سازمان آزادیبخش فلسطین. (۱۲)

حملاتی که اسرائیل پس از آغاز جنگ داخلی لبنان به بیروت و مناطق جنوبی لبنان انجام داده بود هرگز تا حد انهدام کامل سازمان آزادیبخش گستره نداشت چرا که هر بار آمریکا ناچار بود به واسطه فشارهای کبی از سوی کشورهای عربی به او وارد می آمد اسرائیل را مجبور به ترک مواضع و عقب نشینی نماید.

مرحله دوم طرح کمپ دیوید

مرحله ی اول قرارداد کمپ دیوید با عقب نشینی کامل اسرائیل از صحرای سینا (به استثنای نوار غزه) پایان یافت. با مستقر شدن واحدهای سازمان ملل در مرز میان مصر و اسرائیل و امضای قرارداد صلح کامل اسرائیل اکنون کاملاً شرایط جهانی را مهیای یک حمله ی سراسری به لبنان ساخته بود. از سوی دیگر پس دادن صحرای سینا از جانب یهودیان مذهبی و ارتجاعی اسرائیل (که اکثریت دارند) به مثابه یک عقب نشینی و شکست محسوب شده و شدیداً احساسات ضد عربی آنان را تحریک کرده بود، و همه ی اینها زمینه ی مناسبی در اختیار هیئت حاکمه ی اسرائیل قرار می داد تا "طرح بگین" را به اجرا در آورند. طرحی که مورد تأیید کامل جناح هیگ - ریگان قرار داشت و به قول شمیر، وزیر خارجه ی اسرائیل، آمریکا و اسرائیل هر دو بر روی اصول این طرح (یعنی از میان رفتن سازمان آزادیبخش در لبنان و به قدرت رسیدن یک دولت طرفدار اسرائیل در این کشور) موافقت کامل داشتند (۱۳) و پرواضح است که بدون موافقت و پشتیبانی بی دریغ آمریکا، هرگز اسرائیل قادر به انجام جنایتی در چنین

سطح نبود، و از همین رو بود که نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین در پاریس اعلام داشت که مسئولان واقعی کشتار لبنان مقامات آمریکایی می باشند (۱۴)

از سوی دیگر اوضاع بین المللی این بار کاملاً برای حمله ی اسرائیل به لبنان مهیا بود. چرا که میان کشورهای عربی شکاف عمیقی بر سر آینه ی منطقه در ارتباط با جنگ ایران و عراق بوجود آمده بود. و این امر به یک عدم هماهنگی و تفرقه ی شدید انجامیده و مانع هرگونه عمل مشترک این کشورها در برابر اسرائیل می گشت. از سوی دیگر عراق به مثابه نیرومندترین کشور پشت جبهه ی اعراب به واسطه ی جنگ دراز مدتش با ایران به کلی فرسوده شده و هیچگونه تهدید موثری در قبال اسرائیل به شمار نمی رفت. همه ی این عوامل به کیفیت دست به دست هم داده بودند که علیرغم آگاهی از حمله ی قریب الوقوع اسرائیل به لبنان و حتی اطمینان به اهداف آن، هیچگونه کوششی جهت بازداشتن این کشور صورت نپذیرفت. حمله ی گسترده اسرائیل تحت عنوان عملیات محدود "صلح برای جلیلیه" ظاهرأ "به منظور پاکسازی چهل کیلومتر در عمق مناطق مرزی جنوب لبنان از فلسطینیان، به لحاظ زمانی، از یکسو مقارن با پایان دوران ریاست جمهوری الیاس سرکیس و تجدید دوره ی انتخابات ریاست جمهوری در لبنان، و از سوی دیگر مشرف به پایان مدت زمان ماموریت نیروهای حافظ صلح سوریه (۲۷ ژوئیه ۸۲) در لبنان بود.

با حمله ی اسرائیل به لبنان ناگهان تمام نیروهای مسلح حاضر در لبنان فلسطینیان را تنها نهاده یا علیه آنان به جنگ پرداختند. رهبر جنبش امل رسماً اظهار داشت که عقب نشینی ما در برابر اسرائیل تابع این منطق است که ما فلسطین را از خود نمی دانیم و تنها گمان می کنیم که پس از خروج فلسطینیان از لبنان است که ما خواهیم توانست مستقیماً "کار خود را با اسرائیل به انجام برسانیم". (۱۵) از جانب دیگر ارتش سوریه نیز که اساساً "نه برای جنگ با اسرائیل که برای حفظ آرامش داخلی در خدمت رژیم حافظ اسد می باشد چون روباھی از برابری و شایسته فرار را برقرار ترجیح داده می کشید که کاملاً مقررآت آتش بس با اسرائیل را به اجرا

فاجعه لبنان و طرح کمپ دیوید

در آورد. همچنین فالانژیست های مسیحی نیز دست در دست اسرائیل به مبارزه با سازمان آزادیبخش پرداخته و عرصه را بر آنان تنگ می نمودند.

همه ی ما نورهای عرفات و مقامات و مسئولین فلسطینیان محاصره شده در بیروت مانع از آن نشد که اسرائیل حمله ی نهائی خود را به پایتخت لبنان آغاز کند. حمله های که به شکست اسرائیل در برابر روزه ای اردوگاه های فدائیان فلسطینی انجام مید. هدف اسرائیل چنان که شارون به هنگام آغاز آنها جم به لبنان اظهار داشته بود نابود کردن یکباره ی تمامی سازمان آزادیبخش در بیروت و قتل عام رهبران آن بود و اسرائیل علیرغم وحشیانه ترین جنایت های تاریخ با لآخره نتوانست به هیچ یک از اهداف اعلام شده فوق دست یابد. تردیدی نیست که علت ناکامی اسرائیل در این راه نه حمایت دولت ها در سطح جهان بلکه فقط از جان گذشتگی جنگجویان فلسطینی محاصره شده در بیروت بود. حمله ی نهائی اسرائیل به بیروت پس از هجده ساعت بمباران دهشتناک با انواع و اقسام بمب های پیشرفته از قبیل بمب های خوشه ای، بمب های خله، بمب های ناپالم آتش زا و... و گلوله باران بیروت با انواع سلاح های مرگبار از دریا و هوا و زمین با چهارصد تانک و مقادیر فراوانی زره پوش و نفربرانجام گرفت. ولی علیرغم شدت آتش مهاجمین و سایر مشکلات از قبیل بی آبی، بی برقی، بی غذایی و کمبود وسائل درمانی و مواد داروئی و پزشکی، اسرائیلی ها در هیچ یک از چهار محور حمله ی خود بسوی اردوگاه های آوارگان نتوانستند بیشتر از صد متر پیشروی کنند.

وسعت ابعاد جنایت اسرائیل و مقاومت قهرمانانای فدائیان فلسطینی موجب تحریک افکار عمومی در داخل و خارج اسرائیل علیه آمریکا و دولت بگین شده و آنان را مجبور به قبول آتش بس و موافقت با خروج جنگجویان فلسطینی از بیروت نمود. با آغاز خروج فلسطینیان از بیروت "جمایل" رهبر فالانژیست های مسیحی در لبنان به مثابه تنها کاندیدای ریاست جمهوری آراء لازم را بدست آورده به عنوان هفتمین رئیس جمهوری لبنان انتخاب

گردید. انتخاب "جمایل" و حمایت بلافاصله اسرائیل از او در حالی که هنوز خروج جنگجویان فلسطینی از لبنان ادامه داشت نشانگر پایان مرحله ی دوم کمپ دیوید و آغاز مرحله ی سوم آن یعنی انعقاد پیمان دوستی با لبنان و فراهم آوردن زمینه های لازم برای اعطای حق خودمختاری به اعراب ساکن مناطق اشغالی می باشد. بیهوده نیست که در ۲۶ اوت، شمیر، وزیر امور خارجه اسرائیل در مصاحبه ای با روزنامه واشنگتن پست اظهار داشت: "اکنون زمان آن فرا رسیده که مذاکرات در خصوص خودمختساری فلسطینیان ساکن مناطق اشغالی - کرانه غربی رود اردن و نوار غزه - دوباره از سر گرفته شود تا هر چه سریعتر به یک راه حل نهائی بیانجامد. چرا که اکنون خروج سازمان آزادیبخش فلسطین از لبنان تا شیب بسیار مثبتی بر روند تحقق مفاد قرارداد کمپ دیوید خواهد داشت" (۱۶) و از سوی دیگر ریگان در ۲۵ اوت در نامه ای خطاب به کنگره آمریکا اظهار امیدواری نموده است که وقایع اخیر لبنان عامل مثبتی در راه تحقق اهداف آمریکا در منطقه باشد و سبب شود که شرایط لازم برای پیاده شدن طرح کمپ دیوید برپا یه قطعنامه های ۲۴۲ و ۳۳۸ فراهم آید" (۱۷). همچنین شارون وزیر دفاع دولت جنایتکار بگین اعلام داشته است که با اخراج سازمان آزادیبخش فلسطین از لبنان دنیا بزودی ناظر قرارداد دموات سه جانبه پا ورقی:

۱ - لوموند ۲۸ اوت ۸۲

۲ - از قبیل پراودا و گاردین و... همچنین نامه ی مسئول شورای ملی مقاومت ایران به سران کشورهای عربی منطقه

۳ - لوموند ۲۸ اوت، رجوع به اظهارات شارون در نیویورک

۴ - رجوع به گزارش طارق عزیز: "حزب بعث عراق، در رابطه با سیاست اسرائیل در منطقه، نیمه ی دوم ژوئیه ی ۸۲

۵ - اسناد سفارت آمریکا - سند شماره ۱۲

۶ - سند شماره ۱۱ - ۱۹ فوریه ۱۹۷۸

۷ - سند شماره ۱۲ - ۱۵ مه ۱۹۷۹

۸ - سند شماره ۱۴ - ۳ اوت ۱۹۷۹

۹ - سند شماره ۱۴ - ۳ اوت ۱۹۷۹

۱۰ - سند شماره ۱۲ - طرح بگین مطروحه در سال ۱۹۷۷ و ارائه شده در سال ۱۹۷۹ با در نظر گرفتن مواد معاهده

میان مصر - اسرائیل - لبنان خواهد شد گردید (۱۸).

با این همه تردیدی نیست که هنوز میان نقطه نظرات بگین و ریگان اختلافاتی وجود دارد که بر محور آبنده ی مناطق اشغالی و وضع آوارگان فلسطینی دور میزند. چرا که رهبران اسرائیلی از یکسویا عقب نشینی از مناطق اشغالی مخالفت کامل دارند و از جانب دیگر به هیچ روی حاضر به قبول ایجاد یک کشور فلسطینی در کنار مرزهای خود نمی باشند. به عقیده شارون فلسطینی ها می توانند یا در یک کنفدراسیون مختلط با اسرائیل زندگی کنند و یا در اردن یک رژیم فلسطینی بر سر کار بی آورند (۱۹).

در حالی که شولتز وزیر امور خارجه ضمن حمایت از تمامیت ارضی اردن، اعلام نموده است که برای حل مشکل فلسطین، اسرائیل باید از برخی از مناطق اشغالی عقب نشینی نماید (۲۰).

به هر جهت چشم انداز و وضع خیر از تحولات عمیق و قریب الوقوعی در منطقه خاور میانه می دهد که ظاهرا "با آبنده ولایت فقیه مسلط بر ایران نیز چنانچه بی ارتباط نمی تواند باشد. بویژه آنکه "با سرعفات" اعتقاد کامل سازمان آزادیبخش فلسطین را به ادامه ی مبارزه جهت احقاق حقوق تاریخی فلسطینیان تا تشکیل یک دولت فلسطینی و آزاد کردن مناطق اشغالی اعلام داشته است (۲۱).

کمپ دیوید

۱۱ - جزوه ی "قیاده موقت" منتشره از سوی سازمان چریک های فدائی خلق ایران. به تاریخ ۱۳۵۸

۱۲ - گزارش کنگره حزب بعث قرائت شده توسط طارق عزیز "نخست وزیر عراق در نیمه ی دوم ژوئیه ۱۹۸۲

۱۳ - اظهارات شمیر در آمریکا پس از ملاقات با ریگان و در گرمای گرم بمبارانهای دهشتناک هجده ساعتی بیروت

۱۴ - لوموند ۲۸ اوت ۸۲

۱۵ - مصاحبه با خبرنگار روزنامه لیبراسیون ۱۶ و ۱۷ - لوموند ۲۵ اوت ۸۲

۱۸ و ۱۹ - لوموند ۲۸ اوت ۸۲

۲۰ - لیبراسیون ۲۸ اوت ۸۲

۲۱ - مصاحبه تلویزیونی با خبرنگاران فرانسیوی ۲۸ اوت ۸۲

اعلام حمایت از شورای ملی مقاومت

انجمن ملی پارتیزانهای ایتالیا A.N.P.I
در شهر دزیو (DESIO) ایتالیا

به مسئول شورای ملی مقاومت، مسعود رجوی
پاریس

پارتیزانهای A.N.P.I شهر دزیو
ضمن محکوم کردن کشتار (۱۵ هزار نفر -
تیرباران در ۹ ماه) از طریق شکنجه های
سیستماتیک که از طرف رژیم برعلیه
اپوزیسیون و بخصوص علیه وابستگان به
شورای ملی مقاومت و مجاهدین خلق اعمال
می شود:

- پشتیبانی برادرانه خود را از
مردمی که در حال مبارزه برای دموکراسی
می باشند اعلام داشته،

- از تمامی نیروهای دمکرات تقاضا
دارند که برای به پایان رساندن جنگ بین
ایران و عراق، جنگی که فقط برای سرپوش
گذاشتن بر تضادهای داخلی رژیم خمینی
است دخالت کنند،

- و اعتقاد دارند که شورای ملی مقاومت
تنها آلترنا تیف دموکراتیک و مناسب برای
حل مسئله ی جنگ به سوی یک صلح عادلانه ی
بین خلقها و استقلال، آزادی و ترقی ایران
می باشد.

"کمیته ی مرکزی :

- ویزنیتین جورجو - پیروکا چانتی - گولیه مو
- پاراویچینی آلدو - نوواتی جوزیه
- نوواتی انریکو - کامنازیو ماریو
- کومو ریکاردو - جرادینی ادوآردو -
پوتزولی سرافینو

انجمن اصناف گرافیکی و امور وابسته
شاخه گلاسکو و غرب اسکاتلند

آقای رجوی عزیز:

اجازه می خواهم که اعلام کنم، کمیته ی
منطقه ی ما متفقا "رفتار سنگین خمینی و
به اصطلاح دولت او و رفتار وحشیانه ی آنان
در زندانی کردن و کشتار مردم عادی به جرم
تلاش برای برقراری حقوق دمکراتیک
خود، را محکوم می کند.

رفتار آنها امانتی به منشور حقوق بشر
سازمان ملل متحد است و این موضوع باید
برای توجه سازمان ملی کار مطرح شود
من این نظرات را به "شورای اجرائی
سراسری" خود عرضه کرده ام و شکی ندارم که
آنها نیز نظرات مشابهی خواهند داشت و
انتظار می رود اقدامات مناسبی نیز به
عمل آورند.

بنابراین ما کاملاً از شورای ملی
مقاومت و مجاهدین خلق که از حقوق
اتحادیه های و آزادی اتحادیه های صنفی
دفاع می کنند و برای برگرداندن دموکراسی
در ایران به جنگ پرداخته اند، حمایت
می کنیم.

شرایط اسفناکی است، اما من تردیدی
ندارم از آنجا که شما در جبهه ی حق قرار
دارید بر تمامی بدیها و شرارتها پیروز
خواهید شد.

ارادتمند شما گیلیسپی

۱۸ ژوئن ۱۹۸۲

معاون استانداری شهر پابویا
(ایتالیا)

از آنچه که بر انقلاب ایران می گذرد
عمیقاً "متأسفم، زیرا که خمینی نه تنها به
نیروهای دمکرات ایرانی بلکه به آمل
و آرزوی وجود آمده برای تمامی مردم
دنیا خیانت کرد.

دوستانان انقلاب ایران، انقلابی که
در واقع رژیم خمینی به آن خیانت کرد،
نباستی از کناره اخبار دستگیری، شکنجه و
اعدام مخالفین از جانب رژیم با بی تفاوتی
و بی احساسی عبور کنند.

ضمن محکوم کردن این اعمال
جنایتکارانه، امیدوارم که با ردیگر آزادی
وسعه ی صدر در ایران مستقر شده و امکان

سندیکای دمکراتیک کارگران فرانسوی
(C.F.D.T.) بخش دیزون

مجاهد خلق مسعود رجوی

مسئول شورای ملی مقاومت

یکسال است که اختناق وحشیانه
و موج اعدام های بی سابقه در ایران
شروع شده است. جنایات بی شماری
بوسیله ی رژیم قرون وسطائی
خمینی که به هیچ وجه قانون حقوق
بشر را رعایت نمی کند اعمال شده
است.

هزاران نفر از اعضاء و هواداران
مجاهدین خلق ایران و دیگر انقلابیون
تیرباران شده اند، زنان باردار و کودکان
شکنجه شده اند، و این در جواب خواستهای
آنها مبنی بر دفاع از کارگران و آزادی -
های دمکراتیک است. بنام اتحادیه
دمکراتیک سندیکاها (C.F.D.T.) "گت -
در" در مورد اوضاع ایران و از بین رفتن
آزادی های دمکراتیک و حقوق طبقه ی
کارگران ایران، نگران هستیم.

در چارچوب همبستگی بین المللی، ما
پشتیبانی خود را از مبارزه ی عادلانه ی
خلق ایران بر علیه دیکتاتور و شوروی
ملی مقاومت که شامل احزاب دمکراتیک
کشورتان است اعلام می کنیم.

ما در آرزوی بوجود آمدن ایرانی آزاد
دمکراتیک و مستقل هستیم.

دبیرکل اتحادیه استانی

آدلن آرو

دیزون ۱۵ ژوئن ۸۲

حزب وحدت پرولتاریا برای کمونیسم

فدراسیون تورینو

مجاهد خلق مسعود رجوی

ما قصد داریم همبستگی شدید خودمان
را از مبارزه ی دمکرات های ایرانی علیه
رژیم ضد خلقی خمینی، مسئول انحطاط ایران
و به فساد کشاندن انقلاب را اعلام داریم.

علاوه بر آن تریکات خودمان را به
شورای ملی مقاومت ایران اعلام داشته و
امید است تا سازمان های موجود در شورا
بتوانند تا پیروزی به تداوم و رشد خود
ادامه دهند.

بخش منطقه ای (P.D.U.P) تورینو

ب. بورگوندو

ابراز مواضع مشخص برای هرنیسرو
بوجود آید.

اعتقاد داریم که امروزه، بوجود
آمدن آنچه در بالا از آن یاد شد
در گرو عمل مجاهدین خلق و سیاست های
معمول از جانب شورای ملی مقاومت
می باشد.

لوئیجی مریجی

معاون اداری

استانداری پابویا

۲۷ ژوئن ۱۹۸۲

اعلام انزجار و اعتراض بین المللی بر علیه جنایات رژیم ضد خلقی خمینی خون آشام

حزب سبزها در آلمان

به وزیر داخله آلمان آقای گرهسارت رودلف بام موضوع: اخراج ۸۶ ایرانی مهاجم از آلمان به ایران. جناب آقای وزیر: ۱۵۰ نفر از هواداران خمینی که به دانشجویان ایرانی مخالف رژیم در شهر ما یمنس حمله کردند، خشم ما را برانگیخت. بوسیله صحبت‌های زیادی که با نماینده انجمن دانشجویان مسلمان (هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران) داشته‌ام برای ما مشکلات سفر و همچنین اقامت این ایرانیان در آلمان روشن شد. وجه توضیح دقیقی در این باره وجود ندارد که چگونه مهاجمین ایرانی توانسته‌اند وارد کشور ما بشوند، اما سوءظن همکاری سفارت ایران با این مهاجمین وجود دارد، در غیر این صورت چگونه می‌توانسته مدارک ملی را جمع‌بندی و مخالفین رژیم موجود را بدون ورود شناسائی نشده و بی‌مقاومت بدون پاسپورت را نتیجه بشود. با زندان کردن ۸۶ نفر از آنها

نمی‌تواند کاری انجام شده باشد. آیا دولت آلمان می‌خواهد که واقعه‌ای ما یمنس دوباره تکرار شود؟ سوء قصد جدیدی با قرار قبلی برای از بین بردن مخالفان رژیم تدارک دیده شود و عناصر بعد از اجرای برنامه‌شان آلمان را بدون درد سرتراک کنند؟ بنابراین برای ما حسیک پنهان‌دگی سیاسی در آلمان فقط یک بازی است. ما از شما تقاضا می‌کنیم کسانی را معین کنید که این مهاجمین را تحت اخراج نگردند بلکه مقابل محاکمه رسمی دادگاه‌های مافرا بگیرند گذشته از این ما از شما خواهش می‌کنیم افرادی را برای کنترل شدید ورود این افراد از ایران به آلمان بوسیله اعضاء دیپلاک دولت آلمان و همچنین با جوئسی جدیدی سوءظن همکاری سفارت ایران با این عناصر را معین کنید. با احترامات فائقه

ارادتمند شما:
کاپیتان اچ. جیمز. تیتوس
نماینده بندر هستون - آمریکا
۱۹ اوت ۱۹۸۲
کپی به: دبیرکل سازمان ملل متحد
کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل
صلیب سرخ بین المللی
سازمان عفوبین الملل

تلگراف فدراسیون کارگران فلزکار در استان پیومونته ایتالیا

به دولت ایتالیا و سازمان عفوبین الملل

با اینکه به این وضع پایان داده شده و برای تمام نیروهای که برای بدست آوردن آزادی‌های بنیادی مبارزه می‌کنند امکاناتی فراهم شود تا ایران بتواند در محیطی دمکراتیک، آینده‌ی پیشرفت و ترقی اجتماعی خود را پی ریزی کند. از "عفوبین الملل" درخواست می‌کنیم که فوراً هیئتی را جهت بررسی اوضاع زندانها و چگونگی احترام به حقوق کسانی که دستگیر می‌شوند به ایران اعزام دارد. در ضمن از دولت ایتالیا نیز تقاضا داریم که با اعمال فشارهای دیپلماتیک لازم جهت رسیدن به اهداف فوق عمل کند. از شوراهای کارخانه‌ها و کارگران دعوت می‌شود که در مورد این مسئله فوری و غم‌انگیز دخالت کرده و آنرا مورد بحث و بررسی قرار دهند. مدیریت F.I.M استان پیومونته تورینو - ایتالیا ۱۹۸۲/۵/۲۶

بطور مداوم اخبار رنگران کننده‌ای از اوضاع ایران به ایتالیا می‌رسد. دستگیری‌های سیاسی، محاکمات فوری، شکنجه و تیرباران به صورت امروز مره‌ای در ایران در آمده است. خصوصاً "عکس العمل رژیم ایران بر علیه کارگزارانی که برای بدست آوردن آزادی و وضع زندگی بهتری اعتصاب می‌کنند، قهرآمیزی یا شدویساری از آنان را اعدام می‌کند. F.I.M پیومونته که با خرسندی کامل سرگونی رژیم دیکتاتوری شاه که موقعیت جدیدی را برای پیشرفت دمکراتیک و ترقی اجتماعی و مدنی مردم ایران فراهم کرده بود، را حمایت کرد امروزه نظری به حکومت شدید برای آنچه که در ایران رخ می‌دهد و در بالا به آن اشاره شد را ندارد. این محکومیت ناشی از اعتقاد عمیق F.I.M به سیاست اصولی دفاع از حقوق بشر و دمکراسی سیاسی می‌باشد.

سازمان بین المللی مدیران، مستخدمین و ناخدایان در بندر هستون

حقوقی هستند که با شرکت شخص در خدمت اجباری و رفتن به جبهه قابل حصولند. در این میان، شورای ملی مقاومت متشکل از تعداد زیادی از نیروهای ملی و دمکراتیک در ایران، مترصد است که نسبت به مردم ایران بر علیه رژیم خمینی را تاسا برقراری یک دمکراسی واقعی در ایران ادا می‌دهد. با توجه به این حقایق و به نام عدالت و آزادی، من از شما درخواست می‌کنم که:

- ۱ - شروع کردن هر عملی که فکر می‌کنید برای قطع وحشیگری‌های رژیم خمینی که ناقض آشکار حقوق بشر و بی‌سابقه در تاریخ معاصر می‌باشد، مفید به نظر می‌رسد؛
- ۲ - اعزام داشتن یک هیئت نظارت سازمان ملل به ایران برای بازرسی از اوضاع زندان‌های سیاسی و گزارشات وسیع شکنجه در زندان‌های ایران؛
- ۳ - به رسمیت شناختن شورای ملی مقاومت به عنوان تنها آلترناتیو مترقی و دمکراتیک به جای رژیم پوسیده‌ی خمینی. من مشتاقانه منتظر اقدام سریع و جدی شما را جبهه این مسئله هستم.

به دبیرکل سازمان ملل متحد، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، صلیب سرخ جهانی، عفوبین الملل، ۱۹ اوت ۱۹۸۲
اعضای ما عمیقاً "از اخبار اخیر اعدا مها، شامل کودکان و زنان حامله در ایران نگرانند. همچنین ما متوجه طرح جدیدی به نام "قانون خدمت اجباری" شدیم که توسط روحانی، رئیس کمیسیون دفاع، به مجلس خمینی تسلیم شده است. او (روحانی) بوضوح از عدم وجود گرایشات مسئولانه در بین بسیاری از جوانانی که از رفتن به جبهه‌ها خودداری می‌کنند، شکایت می‌کند.
برطبق بندهای ۶۱ و ۶۶ طرح جدید، خودداری از شرکت در خدمت اجباری و رفتن به جبهه‌ها منجر به مجازات‌هایی چون محروم شدن از حق داشتن آب، برق و منابع سوختی و همچنین خطوط تلفن می‌شود. اجازه خرید و فروش، رسیدن به انواع وامی برای امورات کشا و رزی، صنعتی، دامپروری و خانه، شرکت در هر نوع انتخاباتی شامل شوراهای محلی، رسیدن به اجاره‌ی کار و کسب و رسیدن مدرک تحصیلی، شرکت در هر نوع استخدایمانند سود بردن از بیمه و حق بازنشستگی و همه‌ی اینها

در ادارات چه می گذرد

* قبلاً در سازمان برنامه و بودجه غذا را درستوران سرو می کردند. پس از مدتی تحت این عنوان که نباید غذا را برای آن پخت یک میز بنشینند، میز و صندلی ها را جمع کردند تا کارکنان سرپا غذا را بخورند.

وزارت کشاورزی

اخیراً "برای ورود و خروج خانم های کارمند، مقررات جدیدی وضع شده است یکی از درهای ورود و خروج را به خانم ها اختصاص داده اند (مخصوصاً برای اول وقت و آخر وقت اداری) خانم ها بعد از زرسی بدنی وارد یک راهرو باریک می شوند که در آن باید کارت خود را به لباس شان الصاق کنند. کارت ها و دستگاره مربوطه در یک راهرو بسیار باریک قرار داشته و موجب می شود که ازدحام خانم های کارمند در اطراف آن راهرو بسیار زیاد طولانی بشود. یکی از کارکنان زن می گفت از هر آزار و توهین و تحقیری در حق زنان کارمند خودداری نمی کنند و مسلماً "روز به روز وضع را بدتر هم می کنند.

* در ماه فروردین حکمی بدست چند نفر از خانم های کارمند دادند که از ۱/۳ تا ۲/۳ حقوق یک الی سه ماه آنها را هسرا" به دلیل اخلاص در نظام اداری کسر می شود. ولی در واقع جریان از این قرار بود که با این خانم ها بطور مرتب صحبت شده (حتی در یک روز چند بار) که از دوستانشان اطلاعاتی بدهند (مثلاً در مورد زندگی خصوصی آنها - افکار سیاسی و غیره) و حتی با کارکنان دیگر معاشرت داشته باشند تا از افکار آنان آگاه شوند ولی چون این کارکنان حاضر به همکاری با مزدوران نشدند به آنها موانعی اخلاص در نظام، حقوقشان را کسر کردند.

* در این اداره، به جز مزدوران رژیم، هیچیک از کارمندان حتی برای ۵ دقیقه هم نمی تواند بدون اجازه خارج شود.

* در ادامه فشارهایی که در رابطه با کارمندان زن در ادارات وجود دارد به تا زگی شایعه شده است که تصمیم دارند در همه ادارات زنان را پاکسازی کنند و کلاً "غیر از پرستار و آموزگار ربقیسه ای کارمندان زن را اخراج کنند.

* در اداره ای که برای کارمندان

سازمان برنامه و بودجه

* به دنبال اختلافاتی که بین بانکی و اطرافیان از یک طرف و شالچیان (معاون اداری و مالی وقت) از طرف دیگر روی داد انجمن ضد اسلامی ظاهراً "منحل شده و اعضاء آن یا به وزارت خارجه و یا به نخست وزیری منتقل شده اند. بعد از این جریان دیگر کمتر صدائی از بلندگویی انجمن پخش می شود. گاهی هم که بعد از نماز سخنرانی پخش می کنند درباره ی وزیر و اطرافیان صحبت می کنند و آنها را آمریکائی می خوانند.

* بعد از انحلال انجمن ضد اسلامی، بانکی یک آخوند را به اداره آورده که نماز جماعت می خواند.

هر روز مشاجراتی بین اطرافیان بانکی و اعضاء سابق انجمن ضد اسلامی صورت می گیرد.

* در اوایل فروردین ماه یکی از اعضاء انجمن ضد اسلامی در مقابل در اداره بانکی را آمریکائی می خواند که در همان موقع به دستور بانکی دستگیر می شود.

* اخیراً "یک هیئت بدوی با سازی تشکیل شده ولی هنوز اعلام موجودیت نکرده است.

* بانکی، اکثر کارمندان اخراجی (از طرف انجمن ضد اسلامی) را بکار دعوت کرده است تعدادشان احتمالاً ۳۰۰ نفر است از طرف دیگر خبری در دست است که ۱۷۰ یا ۱۸۰ نفر از این کارکنان را به مراکز استانها می فرستند و به این افراد حقوق ۸ ماهی را که اخراج شده بودند پرداخت کرده اند.

* مدتی است که دوباره تحقیق در مورد هواداران گروه های سیاسی که در حال حاضر فراری هستند و به اداره نمی آیند شروع شده، در یک مورد پاسداری از یکی از کارکنان سراغ دوستانش را که هوادار گروه های سیاسی بوده اند می گرفته است.

* یک خانم کارمند که از مرداد ماه سال ۶۰ تا کنون بیکار بوده تقاضا می کند که اگر در قسمت های دیگر هم برای او کار باشد می تواند انجام بدهد که حکم او را در یکی از قسمت ها ابلاغ می کنند. ولی معاون وزیر حکم او را تا شید نمی کنند و می گوید سابقه ای این خانم خوب نیست (این خانم در شورای کارکنان اداره که در زمان انقلاب تشکیل شده بود فعالیست می کرد)

کلاس ایدئولوژی (یک ساعت برای خانم ها و یک ساعت برای آقایان) تشکیل می شد. نیمی از کارمندان شرکت نمی کردند و بقیه هم زروی ترس و نه از روی میل و رغبت حاضر می شدند. در برخی موارد هم هیچکس نمی رفت و در نتیجه کلاس تعطیل می شد. تدریجاً "هم تعداد افراد هر روز کمتر می شد. آخوندی که کلاس را اداره می کرد خط و نشان می کشید که باید به زور همه را بیاوریم.

* در یکی از ادارات که با زرسی بدنی هم به شدت انجام می شد و در هر بار با رفت و آمد بطور کامل از فرق سر تا کف پا و حتی کف کفش ها را هم می گشتند مدتی است که محافظین و افراد مفتش را عوض کرده اند و افراد جدیدی را از بنیاد مستضعفین آورده اند که طرز با زرسی آنها خیلی دقیق تر از افراد قبلی است. در رابطه با این تعویض، کارمندان حدس می زنند که به علت آشنا شدن با بعضی افراد قبلی، در مواردی با زرسی سطحی انجام گرفته است.

* در اکثر ادارات در موقع نماز کسی حق بیرون رفتن و یا داخل شدن به اداره را ندارد.

شرکت نفت

* در اداره ی هفتم وزارت نفت کمیته چپ ها با لباس شخصی به اتاق ها ریخته و وضع حجاب خانم های کارمندان را مورد با زرسی قرار دادند. این با زرسی آنقدر وقیحانه و بی ادبانه بود که فریاد اعتراض خانم ها بلند شده و اکثراً "فحش می دادند کمیته چپ های مردگروه روسری خانم ها را با لایه و اگر دکمه های لباس تا به آخر بسته نبود کارت شناسائی او را می گرفته و یا به چشم های خانم ها نگاه کرده و حتی عینک های شان را بر می داشتند که ببینند چشمانشان آرایش دارد یا نه؟

* در فروردین ماه، نماینده ی یکی از وزارت خانه ها جهت گرفتن ۵ هزار لیتر نفت سفید برای مصارف وزارتخانه مزبور به شرکت نفت می رود و برگه ی درخواست را تحویل مسئول مربوطه می دهد که او می گوید نداریم و اضافه می کند که بروید حکم را تعویض کنید. شخص مربوطه به وزارتخانه ی فوق مراجعه کرده و مسئله را می گوید اما در جواب به او گفته می شود که بروید بگوئید کتبا "زیر بنویسید. دوباره شرکت نفت آمده و مسئله را طرح می کند که مسئول توزیع می گوید: "آقا ما که نمی توانیم بنویسیم نداریم، چون این بقیه در صفحه ۶

گزارشاتی در رابطه با فشارها و اقدامات ضد کارگری رژیم در شرکت نفت

بقیه از صفحه ۱۲

می داد. غرضی هم از ابتدای بخشنا مه ای اعلام کرد که بیشتر از سه ماه اضافه کاری به کسی داده نشود و در هر ماه از ۴۰ ساعت بیشتر تجاوز نکنند و مبلغ آن در ماه از ۱۰۰۰ تومان بیشتر نشود ولی بعد بخشنا مه ای ما در کرد که حق اضافه کاری کارمندان را لغو کرد و به این طریق می خواستند کارمندان را از کارگران جدا کنند ولی رژیم بیچاره تر از آن بود که بتواند حتی اضافه کاری کارگران را بپردازد لذا از اول سال ۶۱ اضافه کاری کلیه کارکنان اعم از کارگر و کارمند را قطع کردند و مقرر شد که حتی برای یک ساعت اضافه کاری هم مجوز از مسئول بالای هر قسمت لازم است در همین رابطه غرضی بخشنا مه ای به مسئولین ادارات ما در کرد که اگر نمی توانید به کارکنان تفهیم کنید که در صورت کار اضافی نباید حقی طلب کنند کنا ر بروید و اگر گفتید و آنها گوش نکردند به ما معرفی شان کنید. نادری مزدور رئیس امور مالی نیز گفته بود که اضافه کاری در این جمهوری معنی ندارد و کار اضافه را باید در راه خدا انجام داد!! قطع اضافه کاری

۲/۲۵ در حدود ۵ نفر از کارگران تحت پوشش اخراجی، جلوی ساختمان ۴ طبقه دفتر مرکزی مناطق نفت خیز اهواز جمع شدند و خواستار ملاقات با تولائی، رئیس مناطق نفت خیز بودند که به آنها جواب مساعده ندادند.

۳- در رابطه با اخراج کارگران تحت پوشش شرکت نفت، یکی از کارگران عرب اخراجی گفت: از صبح تا حالا منتظر آنها هستیم ولی تا حالا خبری نشده.

یکی از کارگران: چند بار است که به تهران رفته ام. دیگر پولی ندارم که به تهران بروم و همه ناراحت و خشمگین می باشند.

۴- یک کارشناس نفتی که از طرف شرکت ملی نفت، در حال حاضر در قسمت عملیات شرکت ملی حفاری شاغل است چون قرار بوده که بعد از انتصاب هیئت مدیره جدید شرکت ملی حفاری از این سمت برکنار شود اعلام کرده که در کلیه سطوح شرکت نفت، شخص یا کفایتی را سراغ ندارم که بتواند این وظیفه را بر عهده بگیرد.

۵- مشخص شده که شرکت ملی حفاری ۲ سال است که پول بیمه درمانی کارکنان را نپرداخته و کارکنان در حال حاضر بیمه نیستند در این مورد دفترچه های بیمه درمانی تجدید نشده است.

۶- در حال حاضر کارکنان در واقع ۱۶ روز کار (با احتساب زمان رفت و برگشت که جزء ایام استراحت آنان محسوب می شود) و ۱۰ روز استراحت دارند. گفته شده خیرا" بخشنا مه ای در سطح شرکت نفت ما در شده که در آن ۱۴ روز کار و ۷ روز استراحت منظور گردیده. کارگران با شنیدن خبر در سرچاها بطور لفظی مخالفت کرده اند.

اضافه کاری

اضافه کاری مبلغی بود که به ساعات کار بعد از وقت اداری تعلق می گرفت و ۳۵٪ از حقوق وقت اداری بیشتر بود. یعنی اگر درازای یک ساعت کار اداری ۱۰۰ تومان به کسی می دادند درازای یک ساعت اضافه کاری ۱۳۵ تومان پرداخت می شد. در رژیم شاه و همچنین بعد از انقلاب با توجه به هزینه سرسام آور زندگی اکثر کارکنان میل به اضافه کاری داشتند که هم باعث تامین نسبی نیازهای مالی آنها می شد و هم کارهای شرکت با سرعت بیشتری پیش می رفت، از مدت ها قبل رژیم طی بخشنا مه های متعددی دستور کم کردن اضافه کاری ها را

فشار بیشتری به کارگران وارد می کند تا کارمندان، چرا که به دلیل وضعیت شغلی تعداد کمی از کارمندان امکان اضافه کاری داشتند و در عوض کارگران چه به لحاظ احتیاجات مادی و چه به لحاظ ضرورت عملیاتی اضافه کاری می کردند و برای این مسئله حتی تاروی ۱۲ ساعت کار انجام می دادند.

ابتدا کارمندان چنین برخوردی می کردند که "گور پدرشان وقتی خودشان نمی خواهند کار پیش برود چرا ما دل بسوزانیم غرضی خودش بیا بیدکارها را راه بیا نداد."!

که البته بعد از مدتی و با افزایش سرسام آور تورم و فشار زندگی کارمندان می گفتند که کمک خرجی خوبی بود و ناراضی حتی شدیدی نشان می دادند این ناراضی حتی در رده های مسئولین هم دیده می شود گرچه آنها از این امتیاز استفا ده نمی کردند ولی آنها برای پیشرفت خودشان لازم است که کار قسمت شان پیش برود و این مسئله اضافه کاری است که کارکنان در راه خدا (ی خمینی)!! هیچ کدام حاضر به اضافه کاری نیستند و لذا بازتاب این مسئله چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ اجتماعی در آینده هر چه بیشتر خواهد شد.



جمهوری اسلامی ایران

وزارت نفت

بسمه تعالی

بخشنا مه

۶۰/۸/۷۷

شماره ۰/۰-۲۷۲۳۳

پست

با توجه به اهداف دولت جمهوری اسلامی ایران و ضرورت ابقا همگانی بخصوص کارکنان شرف وزارت نفت در این برهه از تاریخ سرزشت سازت شهید پرویز ایران از تاریخ ۶۰/۶/۱ اقدامات ذیل لازم الاجرا می باشد:

- ۱- حقوق مزد و مزایا منحصرا" در مقابل انجام وظایف اداری محوله به کارکنان قابل پرداخت می باشد.
- ۲- در پرداخت فوق العاده اضافه کاری نکات زیر بایستی رعایت گردد:
 - (الف) انجام اضافه کاری اجتناب ناپذیر باشد.
 - (ب) فوق العاده اضافه کاری صرفا" معادل ساعات کار اضافی انجام شده و بایستی دستور العمل ها و ضوابط مربوطه قابل پرداخت می باشد.
 - (ج) با توجه به مفاد تبصیه ای الف و ب بند ۲ پرداخت فوق العاده اضافه کاری منحصرا" برای مدت محدود مجاز می باشد و در صورتیکه بعلت ضرورت عملیات بهره برداری فوق العاده اضافه کاری برای مدت بیش از سه ماه در سال ضرورت داشته باشد لازم است مجوز پرداخت از وزیر نفت اخذ گردد.

مسئولین شرکتها و واحدهای تابعه وزارت نفت در کلیه سطوح سلسله مراتب اداری شرعا" وظایف خود را بگونه ای که در پرداخت فوق العاده اضافه کاری نکات مندرج در بند ۲ فوق و ضرورت مربوطه رعایت نمایند. بدیهی است در نهایت کننده فوق العاده اضافه کاری نیز از سطوح های فوق بهر آن خواهد بود.

- ۲- حداکثر حقوق دستمزد و فوق العاده ویژه و حق مقام بطور ناخالص بایستی از دست هزار ریال در ماه تجاوز نماید.

سید محمد خورشید
وزیر نفت

گزارشاتی در رابطه با فشارها و اقدامات ضد کارگری رژیم در شرکت نفت

متن سند ۲
جمهوری اسلامی ایران
شرکت ملی نفت ایران وزارت نفت
تاریخ: ۶۰/۱۰/۱۲
شماره: ب/ون/۶۰ - ۸۸۳
پیوست: ۰۰۰۰۰
بسمه تعالی

برادر

معاونت محترم اداری و مالی
برطبق ماده ۶ مقررات استخدامی
شرکت کارمندان در صورتی که اضافه ساعات معمول انجام وظیفه نمایند با این با بت هیچگونه وجه اضافی پرداخت نمائید
شود. علیهذا خواهشمند است دستور فرمائید
در صورتی که واحدی پس از انقلاب تاکنون
اقدام به این امر نموده ضمن آنکه جلوگیری
نمائند مقادیری که هر واحد به هر شخص یا
مشخص کردن سکت اضافه گیرنده و دستوردهنده
پرداخت نموده به این با زرسی گزارش نمایند.
روحانی

مسئول با زرسی ادارات نفت
دفتر امور اداری وزارت نفت
شماره ۱۴۶
تاریخ ۶۰/۱۰/۲۶

دفتر معاونت اداری و مالی وزارت نفت
شماره ۷۱۸
تاریخ: ۶۰/۱۰/۱۴

مقتضای
شماره: الف/ب/آ/۱۰۰۶/۲۲
تاریخ: ۱۳۱۱/۱/۲۴
بسمه تعالی
از: شماره ۱۳۱۱/۱/۲۴
بسمه تعالی
تاریخ: ۱۳۱۱/۱/۲۴
شماره: ۲۱۷
تاریخ: ۱۳۱۱/۱/۲۴
شماره: ۲۱۷

حق کارگاهی

حق کارگاهی میلی است معادل ۱۰٪
حقوق ثابت کارمندان شرکت که با توجه به
اشل حقوقی آنها متغیر می باشد که در اوایل
فقط به قسمت هایی که کار فنی انجام
میدادند تعلق می گرفت ولی با اعتراضات
سایر قسمت های شرکت نفت به تمام کارمندان

پرداخت می شد مبلغ
تقریبی آن در کسمل
مناطق نفت خیز
جنوب معادل با

۳۲۰۰۰۰۰ ریال در ماه می باشد که ورشکستگان
حاکم با قطع آن می خواستند کمکی به صندوق
خالی شان بکنند. این پول تا مرداد ماه ۶۰
پرداخت می شد ولی در اوایل وزارت غرضی
بخشنا مه ای صادر کرد و با این استدلال که
چون الان کار در تمام واحدهای وزارت نفت
یکسان است دیگر پرداخت می بلغی اضافی
صحیح نیست آنرا قطع نمود. در صورتی که حق
کارگاهی که به حق فنی هم معروف است ربطی
به ساعات کار یکسان ندارد و جالب اینکه از
کلیه کارمندان چه فنی و چه غیر فنی قطع
شد. تاریخ قطع حق کارگاهی اول شهریورماه
۶۰ بود تا بعد از این تاریخ صرف نظر از قطع
اضافه کاریها و بعضی از مزایا این اولین
اقدام جدی رژیم برای کم کردن حقوق ثابت
کارمندان بود که بطور طبیعی اعتراضات
زیادی را در برداشت که چون در اوایل شرکت
به صورت مجتمع نمی باشد، اعتراضات پراکنده
مانند ولی در جاهای دیگر اعتراضات بسیار
شدید بود. بطوری که در پالایشگاهها صفهان
دست از کار کشیدند که موجب دستگیری عده ای
از کارکنان گردید. شنیده شده که به خاطر
تشویق کارکنان کسانی که در طرح اضافی
تولید شرکت داشته باشند دوباره حقوق
کارگاهی را خواهند گرفت.



جمهوری اسلامی ایران
وزارت نفت

بسمه تعالی
بخشنامه

خواهران و برادران انقلابی وزارت نفت

بطوریکه آگاه هستید فوق العاد کارگاهی بمنظور
جبران تفاوت ساعات کار ادارات مرکزی در مقایسه با
واحدهای عملیاتی که ساعات کار آنها بیشتر و ایام تعطیلات
رسمی سالانه آنها کمتر بود پرداخت می گردید تا
اینکه که در سایه حکومت جمهوری اسلامی ایران ایس
تبعیض رفع و ساعات کار و تعطیلات رسمی کارکنان ادارات
مرکزی و کارگاهها یکسان گردید. مجوری برای پرداخت
فوق العاده مزبور وجود ندارد. علیهذا پرداخت فوق
العاده کارگاهی از تاریخ ۱۳۶۰/۶/۱ متوقف می گردد.

سید محمد غرضی
وزیر نفت

شرکت ملی نفت ایران
وزارت نفت
شماره: ب/ون/۶۰ - ۸۸۳
تاریخ: ۶۰/۱۰/۱۴
بسمه تعالی
برادر محترم اداری و مالی
معاونت محترم اداری و مالی
بسمه تعالی
تاریخ: ۶۰/۱۰/۱۴
شماره: ۷۱۸
تاریخ: ۶۰/۱۰/۱۴

انعکاس جهانی کتاب "در جنگ با بشریت"

بقیه از صفحه ۱۶

بیان ترور

از روزنامه، Schauptatz، AUGUST 1982

کتاب "در جنگ با بشریت" گزارشی است راجع به ۳/۵ سال حکومت ترور در ایران که مجاهدین آنرا به زبان انگلیسی انتشار داده‌اند. با دقت غیرقابل وصف روزنه‌های آشکاری به حیطه‌ی بربریت گشوده می‌شوند که اثبات این بربریت را با اسناد و عکس‌ها گواهی دهد.

صورت‌های داغان شده و بدن‌های تکه پاره گشته، به عنوان مثال دست‌هایی که روی آن شعار "زنده باد خمینی" یا آتش گداخته سیگار، حک شده است بی‌انگرایان حقیقت هستند که مزدوران شکنجه‌گر خمینی به زندان‌یان با حرمت و احترام رفتار نمی‌کنند. و بین آنها نان و شیرینی تقسیم نمی‌کنند. یعنی برخلاف آنچه که KAI HERMMAN در گزارش (غیرواقعی) و غیرقابل بخشش خدمت آمیز خود، تصاویری آرامش‌بخش و خوشبختی آفرین از این حیطه (زندانیان خمینی) ترسیم کرده است.

شاید برای ما اروپائیان که اغلب به سختی، حرمت و عظمت شهید را درک می‌کنیم، دعوا بر سر تعداد دقیق یکا یکا آسان باشد. اما با توجه به تهاجمی که به خانسه دانشجویی در ماینس آلمان غربی صورت گرفت اگر برای کسی هنوز هم روشن نیست که جاسوسان و جلادان خمینی در سراسر دنیا به چه کارهایی دست می‌زنند، دیگر به آن شخص در این مورد کمی نمی‌توان کرد.

خود قاضیان و روسای فرماداری است که چگونه خودشان مستقیماً "در شکنجه و آزار زندان‌یان شرکت جسته‌اند.

خیلی از والدین شهادت‌نامه‌های بس تکانه‌دهنده‌ای داده‌اند. یکی از مادران از قاضی شرع شنیده است که این یک امر منطقی است که دخترش قبل از اعدام مورد تجاوز و زپاسداری قرار گرفته است و منطق وی این بوده است که از نظر شرعی جایز نیست که یک دختر با کراهت اعدام گردد. آنانی که از نزدیک و در زندان‌ها شاهد جنایات بوده‌اند، گفته‌اند که تجاوز به دختران قبل از اعدامشان یک امر عادی است.

پدری که از اعدام شدگان می‌گوید در آخرین روز دادگاه پسرش، وی آنقدر ضعیف شده بود که توان راه رفتن هم نداشت چرا که مقدار زیادی از خون وی را از بدنش خارج نموده بودند و مجبور شدند وی را تا محل دادگاه حمل کنند. یکی از قاضیان شریعت این دستور را صادر کرده است که با بدخون تمام افرادی که به مرگ محکوم می‌شوند قبل از اعدام از بدنشان کشیده شود زیرا برای پاسداری که در درگیری‌ها مجروح می‌شوند نیاز داریم.

کارکنان بیمارستان‌ها همه طوسی‌نانه‌های اعتراض داشتند که چرا مجروحان را از تخت‌های بیمارستان به اتاق‌های شکنجه‌یامیدان‌های تیرروانده‌اشته‌اند. این کتاب بزرگترین شکایت‌نامه بر علیه خمینی می‌باشد. *

را ما در کرد. در این تظاهرات نیم میلیون نفر از مردم شرکت داشته و طی آن... نفر توسط رژیم دستگیر شدند و سپس اعدام‌های دسته‌جمعی بود که آغاز گردید. نیروهای مخالف که تا آن لحظه با هر درگیری بود مشکل مبارزه سیاسی داشتند، بالاخره اسلحه را بدست گرفتند. قبل از ۲۵ ژوئن نیز مطالب زیادی در رابطه با حمله به کیوسک‌های روزنامه‌ها - فروشی‌ها تعقیب و آزارناشرین و مطبوعات مراکز کوچک پزشکی مدارس، دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها و همچنین صفوف تظاهرات می‌باشد. همچنین از حمله به زنان و بچه‌هایی که برای ملاقات با نزدیکان دستگیر شده‌شان در کنار درب زندان‌ها صف کشیده بودند و در موارد زیادی آنان شلاق خورده و حتی دستگیر و زندانی نیز شده‌اند مطالبی می‌باشد. تعداد زیادی از زنان حامله سقط جنین کردند. پیرزنان پس از خوردن اولیسن شلاق از هوش می‌رفتند.

شکنجه و آزار زندان‌یان دوباره آغاز گردیده و متدهای شاه دوباره مورد استفاده قرار گرفت نامه‌های اعتراضی صدها حقوق‌دان، دادستان، پرفسور، دکتر و استادان دانشگاه و پرستارها نیز در این کتاب ذکر شده است. بعد از ۲۵ ژوئن هم اعدام‌ها، گمشده‌ها، جنایت‌ها و خشونت در مقیاس زیاد انجام گردیده که در کتاب نیز عنوان گردیده است. در کتاب همچنین اسنادی راجع به

کتاب "مسعود رجوی، یک مجاهد خلق"

به زبان انگلیسی نیز منتشر شد

هما نظر که می‌دانید در نشریه شماره ۴۷، خبر انتشار کتاب "مسعود رجوی، یک مجاهد خلق" از طرف "اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور" به زبانهای انگلیسی و فرانسوی، درج شده بود. لازم به توضیح است که نسخه فرانسوی کتاب فوق الذکر در همان تاریخ (اواایل مرداد ماه) در کشورهای مختلف جهان عرضه گردید. اکنون خوشوقتیم که به اطلاع برسیم هفته‌ی پیش، نسخه انگلیسی‌زبان این کتاب نیز از چاپ خارج شده و در دسترس عموم قرار گرفته است.

در اینجا کلیشه‌های روی جلد هر دو نسخه این کتاب را (به زبان انگلیسی و به زبان فرانسوی) ملاحظه می‌کنید:

انعکاس اخبار و گزارشات ایران مقاومت خلق و جنایات خمینی جاد در مطبوعات خارجی

رژیم ایران در سرکوبی جدید

از روزنامه میزمالی تاریخ ۸۲/۸/۲۰ به دنبال افزایش مخالفت داخلی بر علیه تاج و زبیه عراق، رژیم آیت الله خمینی در ایران، یک سری اقدام ها و دستگیری های جدیدی را آغاز کرده است. درگیری های با چریک های مخالف، در تهران و جنگل های شمال رخ داده است. بنا به گفته مخالفین رژیم، در طی هفته گذشته، روزانه در حدود ۱۰۰ تن در پایتخت اعدام گشته اند.

این سرکوبی به دنبال تغییر تاکتیک های چریک ها که به نام مجاهدین خلق شناخته شده اند، صورت می گیرد. از اواخر جولای به بعد، روش آنها از ترور اعضا سرشناس و کارکنان دولت به حملات گسترده تر بر علیه نیروهای امنیتی تغییر کرده است. ناظرین در تهران می گویند که تا کتیک های جدید چریک ها "شمراتی در تجدید دستپاچی در میان مقامات و نیروهای امنیتی به بار آورده است." آنها معتقدند که موج اعدامها، انعکاس این دستپاچی بوده و قاطعیت مجدد بنیادگرایان در جلوگیری از سرمایه گذاری مخالفین بروی احساسات ضد جنگی را نشان می دهد.

در این ماه مقامات علاوه بر ششیدن به اقدامات سرکوبگرانه، در روز دوشنبه سعی در برگزاری تظاهرات چریکی توده ای به مناسبت تشییع جنازه سه تن از پاسداران انقلاب که بر طبق ادعای آنان شکنجه شده بودند، نمودند.

تنها ۱۵ هزار تن در این مراسم تدفین شرکت کردند. به هر حال، با یدخاطر نشان ساخت که نمایش تلویزیونی طولانی اجساد

ناقص شده در یکشنبه شب گذشته نیز باعث حرکت عده ای زیادی نشد.

اما هیچ تلاشی برای برگزاری یک تشییع جنازه عمومی بزرگ برای رئیس پلیس مخفی رژیم (ساو اما) که توسط چریک ها کشته شد، صورت نگرفت.

ایران درخواست مذاکره
بابازرگانان نفت آمریکا نمود
Iran Requests Talks
With U.S. Oil Firms

از روزنامه مدیلی پرس (۲۵ ژوئیه ۸۲) نیکوزیا - سا یروس (آسوشیتد پرس) روز شنبه وزیر نفت ایران از بازرگانان نفتی آمریکا درخواست کرد که بطور مستقیم با کمیته ای که از طرف ایران جهت مذاکره بر قطع فروش نفت به آمریکا تشکیل شده تماس برقرار نمایند.

تصحیح از طرف مقامات
ایرانی

از روزنامه هندی NATIONAL HERALD ۸۲/۸/۲۳ آقا، یک اشتباه تاسف بار در رابطه با کنفرانس مطبوعاتی حجت الاسلام علی اکبر هاشمی رفسنجانی در ۱۶ اوت در جراید درج گردیده است. این اشتباه در مورد ارزش قرارداد تسلیحاتی که با آمریکا برای دریافت اسلحه بسته شد، می باشد. بعضی از جراید این رقم را ۳۸۰ میلیون دلار و بعضی ۳۰۰ میلیون دلار اعلام کرده اند و رقم دیگری هم احتمالاً می باشد که اغراق آمیز می باشد. رقم دقیق این مبلغ فقط ۴ میلیون دلار می باشد.

امیدواریم که با این تصحیح هرگونه سوء تفاهمی که بر اساس این ارقام غلط بوجود آمده است، برطرف شود.

بخش مطبوعاتی
سفارت جمهوری اسلامی ایران
نیو - دهلی

ارتش خمینی در صد دیک حمله برق آسا
به عراقL'esercito di Komeini
vuole un blitz in Irak

از روزنامه ایتالیائی لاریوبلیکا (۸۲/۸/۲۶) در قسمت ها ئی از این مقاله چنین آمده است:

... در محافل دولتی تهران خبری شنیده شده است و بر پایه ای این خبر زمانی که در اوایل ماه گذشته رهبران نظامی گزارشی در مورد تعداد احتمالی هزاران قربانی برای اجرای عملیات رمضان را در ملاقات با خمینی توضیح دادند خمینی پرسید تقریباً "چند نفر؟ آنها (رهبران نظامی) پاسخ دادند ۱۰ - ۲۰ هزار نفر. سپس خمینی خشنودانه بدون ابراز هیچگونه عکس العملی گفت "من ۴۰۰ - ۵۰۰ هزار نفر را در نظر داشتم!" رژیم اکنون به سختی می تواند مشکلات زندگی روزمره مردم را ناشی از جنگ تحمیل شده توسط رژیم "مهیونیستی" صدام حسین برای توده های مردم جلوه دهد. مردم عموماً "موافق اهداف توسعه طلبانه ای دولت مردان نمی باشند. به عنوان مثال بسیاری از تاجران بازاری برای بیرون راندن متجاوزین کافر حاضر به فدا نمودن فرزندان شان بودند اکنون به رهبران خود دشنام می دهند که چرا آسایش و امنیت کشور را به خطر انداخته و فرزندان شان را به کام یک مرگ بیهوده می فرستند.

در اثر ما جراحی های جنگ طلبانه ملاها نفوذ رژیم در میان مردم کاهش یافته است. هفته ای گذشته در خیابانهای جنوب تهران افکار عمومی را با فیلمی که قبلاً به مدت ۱۵ دقیقه از تلویزیون خبری تهران پخش شد که در این فیلم مشمئزکننده اجساد شکنجه شده ای ۳ تن از پاسداران خمینی را که به گفته مقامات رسمی توسط مجاهدین انجام گرفته را به نمایش گذاشته آمده کرده بودند، فردای آن روز علیرغم تبلیغات شدید در را دیو و حتی در خیابانها در تشییع جنازه پاسداران دولتی ۱۵۰۰۰ نفر شرکت کردند که اکثریت قریب با تفاق آنها با پرداخت پول توسط مساجد هر محله جمع آوری شده بودند.



نفت خمینی

در تانک های بگین، به قیمت نازل

Nei tank di Begin
il petrolio di Khomeini,
a prezzo di favore

۸۲/۸/۲۸

IL MANIFESTO از روزنامه ایتالیائی

به نظر منافع ما حب نظر و مطلع و موثق
و همچنین به تا پیدا خبر موجود در محلات
تجارتی فالانژنشین متعلق به مسیحیان
شرق بیروت، سیاست پیش بینی نشده ای
تهران مبنی بر انعقاد قرارداد دو صدرات
نفت مخصوصاً "باتل آویوسهم عمده ای در
متزلزل نمودن قیمت نفت اعراب منطقه
خلیج فارس داشته است. این سیاست نفتی
غیرمسئولانه تهران نه تنها ادامه ای تضاد
بین عملکردها از یک طرف و مواضع خشون
مطروح در برابر غرب از طرف دیگر می باشد،
بلکه مؤید تداوم روابط اقتصادی -
استراتژیک آنها با اسرائیل این مجهول -
ترین گروهی موجود در خاور میانه است.

مدتهاست که (N.I.O.C) شرکت
دولتی ایران انعطاف پذیری و تسهیلات
ویژه ای را در برابر شرکت های چند ملیتی
SHELL و B.P (حتی از طریق واسطه های
مثل "GATOL INTERNATIONAL") از خود
نشان داده است و روابط بیوقفه ای بنا
دچار تمان فدرال انرژی ایالات متحده
آمریکا برای عرضه به ذخایر استراتژیکی آن
برقرار کرده است. نفت سبک ایران که به
قیمت تقریباً "۳۰ دلار برای هر بشکه، جدا از
معاملات دیگر با شیوه های متفاوت، عرضه
می شود موقعیتی را بوجود آورده که در آن
نفت مشابه عربستان سعودی که در بازار
رسمی و آزاد به ترتیب به بهای "۳۲ و ۳۴ دلار
برای هر بشکه عرضه می شود، بی مشتری بماند
و از آنجا که عربستان تنها کشور عربی است
که نفت به آمریکا می فروشد، بنا بر این،
این سیاست تهران، فرضیه ای که مبنی بر آن
بتوان از طریق تحریم نفتی آمریکا توسط
اعراب، ایالات متحده را به منظور جلوگیری
از تجا و اسرائیل به لبنان تحت فشار
قرارداد را بیهوده جلوه می دهد و در عوض اخیراً
به موازات اوج گیری زد و خورد در غرب
بیروت، دولت آیت الله ها از این هم جلوتر
رفته و بطور مستقیم نفت در اختیار تل آویو
قرار می دهد. این معامله مصیبت بار که بنا
قیمت بسیار نازل انجام گرفته عامل بسیار
مهم استراتژیکی بود که "شارون" را برای
تضمین دربار گرفتار ماشین جنگی بی رحمش
مطمئن می ساخت.

ایران در واقع از اول اوت با واسطه

گرفتن یک مجمع لبنانی، قرارداد ای به مبلغ
۵۰ میلیون دلار برای خرید تسلیحات متوسط
و سنگین و تدارکات به غنیمت گرفته شده
توسط اسرائیلی ها از انبارهای سوریه و
فلسطینی در جنوب لبنان را به امضاء رسانده
است (مجمع لبنانی فوق الذکر که مقررش در
سوئیس بوده و بوسیله ای گروهی از افراد
شیعیان لبنان که به گروه اسلامی حاکم در
ایران وابسته اند و همچنین با گروه های
فالانژها و اسرائیل در لبنان نیز در
تماس می باشد رهبری می شود).

باز هم بنا بر اطلاعات واسطه بهای نازل
نفت عرضه شده از جانب تهران فقط ۲۲ دلار
برای هر بشکه نفت سبک بوده است (در حالی
که نرخ رسمی آن ۳۱ دلار در بازار "رتردام"
تقریباً "۲۹ الی ۳۰ دلار برای هر بشکه -
می باشد)

ولی با توجه به حق الحساب (۵ دلار برای
هر بشکه) اخذ شده از جانب واسطه ها این
نفت به قیمت ۲۷ دلار برای هر بشکه، به
تل آویو رسیده است. از این واقعیت ها
می توان حداقل به دو ملاحظه یکی با کارآکنتر
اقتصادی و دیگری اساساً "با کارآکنتر سیاسی
دست یافت. تهران با این موضع خود باعث
جلوگیری از هرگونه فشار به مصر برای تحریم
نفتی اسرائیل شد، مصری که بنا بر قرارداد،
های کمپ دیوید موظف است روزانه ۴۰۰۰۰۰
بشکه نفت یعنی نصف احتیاجات دولت
صهیونیستی را تامین کند (بقیه احتیاجات
نفتی اسرائیل به مقدار کمی از انبارهای
داخلی و بطور عمده از بازار آزاد دوینا بر این
با قیمت های بسیار بالاتر از آنکه تهران در
اختیارش می گذارد تا مین می شود).

بطور کلی از آنجا که قیمت ها در بازار
آزاد به شدت تا شری پذیر می باشد این تنزل
قیمت هر چند که حجم مورد معامله نسبت به
دیگر مبادلات جهانی کم باشد به هر صورت
معامله های تهران - تل آویو معضلاتی در
قیمت های رسمی نفت اعراب خلیج فارس
ایجاد کرده و توان مبادلاتی اعراب را در
برابر غرب تضعیف کرده و خواهد کرد (همچنین
با توجه به نزدیک شدن گرده های FEZ)،
در پایان به این نکته باید اشاره کرد
که چه اطمینان سیاسی می توان به این هدف
که تهران بارها تکرار کرده: "راه بیست -

هیئت مقاومت در لاهه
رژیم خمینی در عرض یکسال
به پایان خواهد رسید

از روزنامه هلندی HED PAROOL ۸۲/۹/۱

رژیم خمینی در عرض یک سال سقوط
خواهد کرد. خمینی تا حالا ۲۰۰۰۰ نفر از
مخالفین خود را کشته است، مواد غذایی در
ایران جیره بندی شده است و کمبود خیلی
زیاد است، ما کمک احتیاج داریم، ما
می خواهیم به رسمیت شناخته شویم.

این پیام هیئتی است که از طرف
شورای ملی مقاومت ایران به لاهه آمده اند
ایرانی ها خواستار کمک و شناسایی توسط
مجلس هلند شده اند. شورای ملی مقاومت
مجموعه ای از گروه های چپ اسلامی است که
بر علیه خمینی فعالیت می کنند. معروفترین
و بزرگترین گروه این مجموعه سازمان
مجاهدین خلق است (جنگجوی خلق). تحت
رهبری رئیس جمهور قبلی آقای بنی صدر و
رهبر مجاهدین خلق آقای رجوی، شورای
ملی مقاومت یک دولت آلترنا تيو تشکیل
داده اند. اوج گرفتن بی ثباتی و نا رضایتی
در ایران امید بزرگی است برای نابودی
دولت خمینی.

"هیچ دولتی نمی تواند از طریق کشتن
ملت خود، دولت خود را حفظ کند. ملت ایران،
دولت شاه را توانست نابود کند و ما (ملت ایران)
دولت خمینی را نابود خواهیم کرد."

هیئت اعزامی، خواستار به
رسمیت شناختن شورای ملی مقاومت
شده اند.

حزب کارگران انگلستان شورای ملی
مقاومت را به رسمیت شناخته است.

آقای DE WAART نماینده ای
حزب کارگر در مجلس هلند که از هیئت شورای
ملی مقاومت مهماننداری می کرد، گفت که
حزب کارگر هلند سعی می کند روابط خود را با
شورای ملی مقاومت (مجاهدین خلق) بیشتر
وقوی تر بکند. هیئت شورای ملی مقاومت
تقاضای محکومیت شدید دولت خمینی را از
پارلمان هلند کردند ■

المقدس از بغداد می گذرد" داشت؟ و دیگری
اینکه شاید این بار رهبران ایران آنقدر
وقیح هستند که می خواهند اینطور وانمود
کنند که اسلحه ها را برای باز پس دادن به
فلسطینی ها خریده اند!

سرکوب بر علیه جنبش کارگری در ایران

بقیه از صفحه ۱۲

های عمومی ترسید. در مجموع وضعیت کارگران مطبوعات خرابتر از بقیه کارگران می باشد.

سوال: بعد از سرنگونی رژیم شاه، حدود ۳۰ روزنا مه مختلف به چاپ می رسید، این تعداد امروزه به ۴ عدد رسیده است، چه بر سر کارگران مطبوعات آمده است؟

جواب: اکثر "از کار ریکار شده اند، قسمتی دیگر همراه ما به مبارزه مخفیانه اشتغال دارند و همگی منتظر همبستگی شما هستند.

سوال: جنبش کارگری از چه طریق در مقابل اقداماتی که بر علیه آن انجام شده، مقاومت می کند؟

جواب: ابتدائی ترین شکل مبارزه، کم کاری می باشد. شکل دیگر مبارزه تظاهرات و اعتصاب کردن می باشد. قسمتی از قربانیان رژیم در طی این گونه تظاهرات و اعتصابات جان خود را از دست داده اند.

سوال: چه تاخیری جنگ ایران - عراق بر روی وضعیت سیاسی و نهضت کارگری داشته است؟

جواب: خمینی وسیعاً "از جنگ به عنوان بهانه ای برای خفه کردن خلق ایران و بخصوص کارگران استفاده می کند. حقوق یک کارگر حدود ۳۰۰۰ تومان است. گوشت کیلوئی ۲۰۰ تومان در بازار آزاد به فروش می رسد و حتی به ۵۰۰ تومان هم می رسد. پنیر کیلوئی ۵۰ تومان است. کرایه یک خانه دو اتاقه در یک محله متوسط پایتخت بین ۴ تا ۵ هزار تومان است. داروپیدا نمی شود. حدود ۱۱۰۰۰ پزشک تاکنون از ایران خارج شده اند.

تمام این مسائل را خمینی از طریق جنگ توجیه می کند ولی چندین بسا ردر تلویزیون اظهار کرده است که باید از خدا بخوا طراین جنگ تشکر کرد چرا که نعمت خدائی می باشد. وی بدین گونه تمام سیستم جاسوسی و سرکوبش را توجیه می کند.

برای مثال در زمستان گذشته، برای بدست آوردن یک بخاری برقی با یزد ازدواج می کردی. در این صورت طرف خود را به مسجد محله معرفی کرده و مدرکی دال بر ازدواج نشان می داد. سپس پاسداران به خانه مراجعه می کردند تا ببینند شما واقعا بخاری ندارید و تازه وقتی خیالشان از این بابت جمع می شد، پس از انجام یکسری اقدامات پیچیده، شما موفق به دریافت

اجازه نامه خرید بخاری می شدید. قیمت چنین بخاری در بازار ده برابر قیمت چهار سال پیش می باشد. در اینجا هم با زان جنگ برای توجیه کردن این نوع کنترل کردنها استفاده می شود.

در چنین شرایطی است که خمینی و حزب توده فریاد بر می آورند که: "اعتصاب سلاح امپریالیسم است."

سوال: در زمینه بیمه های اجتماعی، وضعیت ایران چگونه است؟

جواب: در زمان شاه، سیستم بیمه ای وجود داشت که ۵/۵ درصد از حقوق کارکنان را کسر می کرد تا خدمات رفاهی در اختیار آنها قرار دهد. اما واقعیت امر این بود که خدمات آنچنانی در اختیار نمی گذاشت. و حتی برای مثال گفته می شد که این سازمان ۶۰ میلیون تومان به حساب ساواک ریخته است. امروزه دیگر نمی توان از این مسائل بدون در نظر گرفتن وضعیت در کل صحبت کرد. این رژیم ادعای دفاع از مستضعفین را دارد ولی در اصل همین مستضعفین جزو قربانیان اصلی خمینی به شمار می روند.

سود خالص تجار بزرگ وابسته به رژیم ۱۶ میلیون دلار در سال ۱۹۸۰ بوده. این رقم که علنا "در مجلس اعلام گشته در تاریخ ایران بی سابقه می باشد. فقط در رژیم ملاح است که می توان از این سودهای بی حد و حصر بهره برد.

در همین سال ۱۹۸۰، دست چند خسرده دزد را قطع کردند. در پی تبلیغات افشاگرانه ای، زمانی که هنوز سرکوب به درجه فعلی نرسیده بود، رئیس دیوان عالی قضائی آیت الله بهشتی این قضیه را در تلویزیون چنین توضیح داد: قطع عضو، بسیار منطقی می باشد، چرا که دزدی مورد بحث (برنج، روغن و پودر ظرفشویی) در "زیریک سفسف" صورت گرفته است. البته این تفسیر قرون وسطائی ایشان از مذهب می باشد. و وقتی از بهشتی سوال شد تا این کار دادگاه را در دزدی های کلان دیگر توضیح دهد وی جواب داد: تعداد دزدها در زمان زید نمی باشد ولی دزدان کوچک فراوانند با بد نظمت اجتماعی را حفظ کرد. این چنین وقاحت هایی فقط نزد کشیش های قرون وسطائی امکان دارد.

سوال: بعد از سقوط شاه، وضعیت روستاها به چه صورت درآمد؟

جواب: اصلاحات ارضی مثل پروژه ملی کردن تجارت خارجی در تظاهرات رژیم کم

شد. ملاح های دست راستی... با هرگونه اصلاحات ارضی مخالفت می کنند و در ضمن حمایتشان از رژیم خمینی لازم می باشد. در بطن شورای نگهبان قانون اساسی، مخالفین اصلاحات ارضی علناً "از بزرگ مالکان زمین دفاع می کنند.

گاهی اوقات، افراد خمینی برای حفظ ظاهر و ترقی جلوه دادن خود صحبت می کنند. این مورد می کنند. و در واقع همین اظهارات هستند که غذای تبلیغات نیروهای مثل حزب توده را تا مین می کنند. این نیروها سوسیالیسم و مبارزه ای فدا امپریالیستی را از محتوای آن یعنی دمکراسی خالی کرده اند. حتی دمکراسی را مثل یک عنصر کاملاً فرعی معرفی می کنند.

و اما در مورد طرح ملی کردن تجارت خارجی، آنهم از محتوای خود خالی گشت. به حدی که حتی حزب توده صدایش بلند شد که چرا برای اجرای این لایحه ۵ سال وقت داده شده بود. بدین ترتیب وضعیت انحصار تجار بزرگ بر روی تجارت خارجی محفوظ باقی می ماند.

ما بر این عقیده ایم که سوسیالیسم از استقلال و آزادی جدائی نا پذیر است. اگر خمینی ۵۲ آمریکا را به گروگان گرفت، ولی ۱۵ هزارتن از افراد ما را اعدام کرد و ۴۰ هزار نفر را در زندان انداخت، یعنی ۳۰۰ اعدامی برای هر گروگان. اما رژیم خمینی به نام مبارزه ای فدا امپریالیستی و به بهانه گروگان گیری سفارت آمریکا، جنگ ایران - عراق و یا اصلاحات ارضی به کشتار دست می زند.

سوال: آیا یک حرکت اجتماعی بعد از انقلاب در روستاها گسترش یافت؟

جواب: در لحظه سرنگونی رژیم سابق نیروهای مترقی از فرصت استفاده کرده و به تقسیم زمین در بعضی مناطق دست زدند. برای مثال ما خودمان این کار را در کرج کردیم. ولی از طرف ملاح های ارتجاعی کنار زده شدیم. قسمتی از روحانیت شیعه در بعضی مناطق شمال دست به تقسیم ارضی زد. ولی به دلیل فشار ملاح های ارتجاعی و جوهر عمیقاً "ارتجاعی کل رژیم و عدم توانایی اش در سازماندهی دهقانان، به پیشرفت زیادی در این جهت عاید نشد.

در ایران، مسئله کشت و ورزی فقط در مسئله زمین خلاصه نمی شود. مسئله آب هم مطرح است.

سرکوب بر علیه جنبش کارگری در ایران

بقیه از صفحه قبل

روستا های ایران عوض شده اند، ولی تمام تاریخ ایران، ساخت اجتماعی خاص خودش، موجب شده اند که هیچگاه روستاها مرکز نهضت های اجتماعی قرار نگرفته اند. در ایران مرکز مبارزه، در شهر می باشد. و متفرق بودن روستا های ایران این گرایش را استحکام می بخشد.

پیشرفته ترین بخش روستائی در شمال ایران، در منطقه کیلان و مازندران می باشد. جایی که دهات به هم بسیار نزدیک می باشند. و درست در همین مناطق است که ما پایگاه های در روستاها در اختیار داریم.

سوال: کمی هم راجع به مقاومت خلق کرد صحبت کنیم. آیا کردها تنها اقلیت ملی ایران می باشند؟

جواب: اتحادیای مجاهدین، تنها دیدگاه استراتژیک موجود برای ملیت های مظلوم در ایران می باشد. تا زمانی که مبارزه آنها با مبارزه تمامی خلق ایران پیوند نخورده بود، محکوم به شکست - تقریباً - طولانی مدت - بودند. گرایشات انشعابی یا نزدیکی به دیگر قدرت های همسایه می توانست نتیجهی چنین مبارزه ای باشد. سیاستی که ما بعد از انقلاب به پیش بردیم و هوشیاری حزب دمکرات کردستان ایران (P.D.K.I.)، امکان چنین خطری را دور کرد. به عقیده ای من این اتحاد جزویکی از پیروزی های بزرگ سیاسی مادر سال ۱۹۸۱ بود.

بطور خلاصه، ایران فردا یک ایسران دمکراتیک، مستقل، غیر متعهد می باشد که حقوق تمامی خلق، تمام ملیت ها، اقلیت ها، کارگران، کشاورزان و زنان در آن تضمین می باشد.

سوال - به نظر شما نقش جنبش های سندیکائی چه می باشد و چه آزادی های را شورای ملی مقاومت در اختیار دشمنان امروز - کسانی که از رژیم حمایت می کنند - مثل حزب توده و جریانی که از خمینی حمایت می کنند، قرار می دهد؟
جواب: مطابق برنامه ای دولت موقت تمام احزاب، تمام سندیکاها، تمام انجمن ها و بخصوص انجمن های کارگری از همه گونه آزادی بهره ور خواهند بود. بدیهی است که آزادی های سندیکائی و آزادی شوراهای کارگری و کارمندی از اهمیت اساسی برای ما برخوردار است.

گزارش پاره ای از عملیات
پیشمرگان مجاهد خلق...

بقیه از صفحه آخر
در سنج بوسیله ی پیشمرگه های قهرمان مجاهد خلق انجام گرفته به اطلاع عموم می رسد:

۱ - در روز پنج مرداد ماه سال جاری حاج مسعود غنیا معاون سابق جلال خلق کرد خلخال جنایتکار روئیک از مهمترین سردستان مزدوران محلی ارتجاع که در منطقه جاش معروفند هدف اصابت گلوله های آتشین پیشمرگه های مجاهدین خلق از ناحیه ی دست و سر و شکم قرار گرفته و از پای درآمد. ۲ - در روز شنبه ی مرداد ماه جاش معروف سنندج بنا م صالح ماقوسی یاناقوسی که دارای سابق ممتد و ننگین در خیانت نسبت به خلق کرد بوده و عامل دستگیری و تیرباران تعداد بسیاری از مردم و مبارزین و انقلابیون بدشمار می رفت، هدف آتش سلاح پیشمرگه های مجاهد خلق قرار گرفت و بسبب شدت مجروح شد.

۳ - در روز ۱۶ مرداد ماه سال جاری پیشمرگه های مجاهد خلق مبلغ ۸۶۰۰۰۰ ریال از دانه های به یغمارفته ی خلق را بسا تهاجم متهورانه ی خود به یکی از مراکز مالی رژیم در سنندج باز پس گرفته و به نفع خلق مصادره ی انقلابی کردند.

۴ - در روز ۲۶ مرداد ماه سال جاری محمدا مین کلابه جاش معروف و فرمانده عملیاتی مزدوران محلی ارتجاع در سنندج توسط یک بمب نیرومند که پیشمرگه های مجاهد خلق در اتومبیل وی کار گذاشته بودند، مورد هدف قرار گرفت و در اثر انفجار به شدت مجروح شده و یک پای خود را از دست داد. همچنین در اثر انفجار این بمب یک تن از محافظین مسلح همراه وی کشته و دو نفر مجروح شدند.

در اینجا یکبار دیگر به همه ی پاسداران جنایتکار و مزدوران و سرسپاران آستان پلید خمینی جلال و خون آشام در کردستان اخطار می کنیم که آنان را از خشم خلق و آتش سلاح پیشمرگان هرگز گریزی نیست.

سلاح مجاهد همه جا در کمین خائنان و جنایتکاران است تا طعم تلخ مرگی ذلت بار و دردناک را به آنان بچشاند.

وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون

مرگ بر خمینی

سلام بر آزادی

مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان

۹ شهریور ۶۱

و اما در مورد دشمنان ما، مسلمانان منظورشان دشمنان آزادی و خلق می باشد. ما نه به انتقام کور معتقدیم و نه به نابودی جسمی آنها. مسلمانان است افرادی که در شکنجه و کشتار دست داشته اند با بیستی بوسیله ی دادگاه های با صلاحیت محاکمه کردند. این دادگاه ها از یک هیئت منصفه، حق دفاع علنی و حضور ناظرین بین المللی برخوردار خواهند بود. این است حق خلق ایران. ولی اگر شما عقیده ی شخصی مرا بخواهید، به عنوان مجاهد با دیدگویی که ما از مسئول سازمان چپی پیکار دفاع کردیم، چرا که حقوق بوسیله ی دادگاه های خمینی با یغال شده بود. همین رهبر پیکار در سال ۱۹۷۵ انشعابی را در بطن مجاهدین سازماندهی کرد و چندین تن از مبارزان ما را به قتل رسانید. بنا بر این ما به هیچوجه خواستار سیاست نابودی فیزیکی نیستیم. ولی در کنار این یک واقعیت سر سخت دیگر وجود دارد. کسانی که امروزه همکار خمینی در سرکوب بر علیه کارگران هستند، فردا چه توجیهی برای این کار خود نه در مقابل ما بلکه در مقابل خلق خواهند داشت؟

سوال: چه انتظاری از همبستگی بین المللی دارید؟

جواب: انتظار زیادی، اما من از شما این سوال را می کنم: ما امروزه چه انتظاری برای مثال می توانیم از شما داشته باشیم؟ این بسیار مهم است که سازمان های سندیکائی فرانسه یک هیئت تحقیق برای بررسی وضعیت به ایران بفرستند.

یکی از وظایف من در اینجا، خارج از ایران دقیقاً "رساندن فریاد خلقم و بخصوص کارگران ایران به گوش جهانیان می باشد. به نظر من در این راه کوتاهی نکردم. امروز نوبت شماست.

شنبه ۲۲ مه ۱۹۸۲



برای ارتباط با شورای ملی مقاومت

با صندوق پستی زیر مکاتبه نمایند:

B.P. 18

95430 AUVERS-SUR-OISE

FRANCE

اخبار و گزارشاتی در مورد ارتش

طبق بخشنامه‌های مقرر شده که برای ترفیع درجه باید از نظامیان امتحان گرفته شود. در این امتحان علاوه بر تست توان نظامی، هرکسی باید امتحان ایدئولوژیکی بدهد. و در این مورد تمام سوالات از رساله‌های خمینی تعیین می‌شود. از هر نفر ۲۰۰ مسئله از رساله خمینی را بصورت کتبی امتحان می‌گیرند، ترفیع درجه، بستگی به مطالعه این کتاب دارد.

* در جلوی ساختمان هیئت رئیسه در پایتخت لویزان سنگ‌درست کرده‌اند و افراد مسلح همیشه در پشت آن سنگ‌ساز گرفته‌اند. علاوه بر این تعداد دیگری در اطراف ساختمان، بطور شبانه‌روزی نگهبانی می‌دهند. ضمناً "اطراف پایتخت را (از دم‌درب تا آخر پایتخت) در کنار ریم‌خا ردا سنگ‌ریزندی هم کرده‌اند.

* گفته می‌شود که پایتخت لویزان محل بازجویی و مرکز ضابطه‌ها شده است و با اینکه آنجا به عنوان مرکز آموزش درجه‌داری معرفی شده است در آن دانش آموزی وجود ندارد و ۳۳۰ سربازی که از لویزان به لشکر آورده شده‌اند تا چک امنیتی بشوند.

* فرماندهی لشکر سرهنگ صالحی است که قبلاً "سروان بوده و اخیراً" بطور "افتخاری" دو درجه ارتقاء یافته است. وی در بازجویی نیز فعال است، ضمناً "یکی از مزدوران بنام غضنفر شیرکوند که قبلاً در گروهان خدمات لویزان بود، در لشکرک با لباس شخصی مسئول بازجویی است بطوری که حتی افسران و فرماندهان از وی حساب می‌برند وی حدود ۵ ماه است که به لشکرک آمده و قبلاً نیز با انجمن اسلامی لویزان فعالیت می‌کرد.

* در تاریخ ۶۱/۱/۳۰ تعداد ۵ الی ۶ تریلی وارد پایتخت لویزان قمر فیروزه شده و توپهای او رویکن و رادارهایش را خارج کردند.

* حدود ۳۰ پاسدار برای ورزش دو تمرین به صورت مسلح و با همراهی یک بنز با نفرات مسلح که آنها را اسکورت می‌کنند در جاده‌ی لشکرک (در بالای پایتخت لشکرک) چندین بار دیده شده‌اند.

* نامه‌ای از دادگاه انقلاب به فرمانده پایتخت لویزان قمر فیروزه رسیده است به این مضمون که: "کلیه افراد مشکوک را که

می‌شناسید در هر سطح و مقامی سریعاً" به دادگاه انقلاب و در صورت لزوم به سپاه و کمیته و دیگر ارگانها معرفی تا دستگیر شوند. "این نامه بعد از عملیات پرسنل مجاهد خلق در قمر فیروزه صادر شده است.

* مدتی پیش در پایتخت لویزان تعدادی اعلامیه‌های مجاهدین (با آرم) پخش شده بود.

* در پایتخت لویزان لشکرک تعدادی سربازان برای خالی کردن یک کامیون برنج می‌برند هنگامی که سربازان می‌فهمند برنج‌های آمریکایی است (کیسه‌ها دارای علامت بودند) یکی از سربازان داد می‌زند بچه‌ها برنج آمریکایی بگوئید مرگ بر آمریکا (با حالت تمسخر) و بعد همگی با تمسخر تا خالی کردن کیسه‌های برنج مرگ بر آمریکا می‌گفتند.

* زمین صبحگاه لشکرک را به علت اینکه در کنار جاده بود و امکان ترور رئیس دایره سیاسی - ایدئولوژیک وجود داشته، به نقطه‌ای در بالای پایتخت تغییر داده‌اند.

* چند هفته‌ای پیش پاسدارانی که در اطراف لشکرک تمرین می‌کردند، در اشرار گرفتن گرای اشتباهی، خمپاره‌های به داخل پایتخت می‌زنند.

* سربازانی که از لویزان به لشکرک منتقل شده‌اند کاری انجام نمی‌دهند و هر کاری هم به آنها محول می‌شود، می‌گویند ما تبعیدی لویزان هستیم و نباید ما کار بدهید. ضمناً "در مورد منتقل شدن به جبهه نارضایتی خود را علناً" اعلام می‌کنند مثلاً "در جواب افسری که به آنها می‌گفت ۱۱۰ نفر دا و طلب برای جبهه می‌خواهیم و شما به بهشت می‌روید، یکی از سربازان می‌گوید: "جناب سروان آنها (اشاره به تعدادی دانش‌آموز درجه‌داری که در حال دویدن و الله اکبر گفتن بودند) را بفرستید آنها همه دا و طلبند بروند بهشت!" و بقیه سربازان با صدای بلند می‌خندند و سروصدا می‌کنند. تعدادی از این سربازان به ۹۲ زرهی و بقیه به سنج منتقل شدند.

* در روی توالت‌های قسمت‌هایی از لشکرک شعارهای مرگ بر خمینی نوشته شده بود و مزدوران رژیم سعی کرده‌اند که آنها را با رنگ پاک کنند.

* در پایتخت لویزان، دژبان ۱۶۰ نگهبان و سه شیفت روزانه دارد و برای

آجودانی ۳ پست مسلح گذاشته و شب‌ها در خیابانهای لویزان گشت مسلح قرار داده‌اند.

* یکی از افسران پایتخت لویزان گفت تعداد ۳۰۰ کامیون کانتینر (حمل و نقل کننده اسلحه و مهمات) که در هر کامیون آن ۶۰ جعبه و در هر جعبه ۹ تا ۱۲ قبضه خمپاره‌انداز ۶ و ۴۲ لوله کوتاه بوده روز شنبه ۲/۴ از یک کشتی در بندر عباس بارگیری شده و در خرم‌آباد دو چندزاعی دیگر تخلیه گردیده است خدمه کشتی گفته‌اند که در سنگا پور هم توقف و بار تحویل گرفته‌اند ولی مقامات ارتش تمام سلاحهای وارداتی را به کره شمالی وصل می‌کنند! افسر فسوق می‌گفت، بدلیل اینکه خمپاره‌اندازهای فوق کوچک و لوله‌های کوتاه می‌باشند و نیز به دلایل دیگری (که دلایل دیگر گفته نشده) این سلاحها برای سپاه وارد شده است.

* یکی از سربازان پایتخت لویزان خبر می‌داد که بدنبال جریان لویزان و اینکه نتوانستند کسی را در این رابطه دستگیر کنند تصمیم گرفتند (از طرف ارشاد سیاسی ایدئولوژیک) که کلیه سربازان اهمل تهران را از پایتخت لویزان به خط مقدم جبهه اعزام کنند.

* یک پزشک ایرانی که در نیروی دریایی انجام خدمت می‌نمود چندی پیش تصفیه گردیده است. او ضمن صحبت‌های خود می‌گفت این تصفیه‌ها بخاطر ترور رئیس سیاسی - ایدئولوژیک نیروی دریایی است و موج این تصفیه‌ها زیاد از حد است بطوری که در یک قسمت که فقط ۳ پزشک در آن خدمت می‌کردند و حال آنکه بیش از ۳ نفر نیازمند بود، یک نفر را هم تصفیه کرده‌اند.

* خبر تصفیه در نیروی دریایی در صحبت‌های بین مردم داخل پایتخت لویزان دهان به دهان می‌گردد.

* یک پاسدار نقل می‌کرد که: بخشنامه‌ای به کمیته‌ها و مراکز بسیج از طرف سپاه و کمیته مرکزی صادر شده که در آن قید شده که همه افراد کمیته‌های بسیجی که کارت داشته و به دلایلی در کمیته‌ها مشغول خدمت نمی‌باشند همگی بدون استثناء باید به جبهه اعزام گردند. پاسدار فوق الذکر که خودش از رفتن به جبهه ناراحت بود و به خمینی و دارو دست‌اش ازین بابت فحش می‌داد.

بقیه در صفحه بعد

مصاحبه با یک افسر کارشناس مجاهد خلق ...

بقیه از صفحه ۱۰

بنا بر این می توان گفت که از نظر نظا می تا کنون ایران نتوانسته است در هدف های تعیین شده در طرح (به جز یک مورد) دستیابی پیدا کند.

س: با توجه به رقم تلفات و نحوه ی حمله، وضع تظاهرات ارتش و سپاه چگونه است؟

ج: این حمله را می توان یک مرحله در رشد تظاهرات سپاه و ارتش بخصوص در سطح فرماندهان دانست. چرا که این حمله در واقع بدون اعلام قبلی از جانب سپاه بطور خودسرانه آغاز می شود و بی خبری فرماندهان ارتش باعث می شود که بطور فعال در حمله و تداوم آن شرکت نکنند که در این رابطه هم از جانب سپاه مارک خیانت به آنها زده می شود. ولی فرماندهان زیر بار نمی رفتند. به عنوان مثال هنگامی که از یک افسر خواسته می شود که با پدر فلان نقطه به کمک سپاه بروی او می گوید: پس خیلی صریح بگوئید برو و خودکشی کن! "و وقتی به او دستور داده می شود و نیروها پیش از بیرون می روند، خیلی ناراحت و عصبی بوده است. علاوه بر آنچه گفته شد جویی اعتمادی در سطوح فرماندهان به حدی جدی است که سپاه هرگز قبول نمی کرده است که ارتش در ادامه ی حمله به آنها کمک کرده باشد و هر چه فرماندهان ارتش دلیل می آوردند آنها نمی پذیرفتند تا آنجا که حتی وقتی دو سرهنگ اسیر ایرانی در مصاحبه با رادیو تلویزیون عراق محل اسارت خود را می گویند فرماندهان ارتش آن را به عنوان دلیل مستند بکرات برای اثبات همکاری خود متذکر می شدند!

س: وضع روحی در جبهه ها چگونه است؟ از آنجا که انتظار چنین ضربه ای وجود نداشت، وضع روحی جبهه ها را در مجموع بسیار خراب باید توصیف کرد. این مسئله خود را حتی در پشت جبهه به صورت استقبال نکردن از ما موریت ها و حتی ترفتن به ما موریت علی رغم تهدید، و نیز فرار بسیج و سربازها نشان می دهد.

در سطوح فرماندهی هم وضع روحی خوب نیست، درگیری و برخورد های لفظی فراوانی وجود دارد و اغلب به یکدیگر توصیه می کنند که هر چه زودتر از جبهه بروند. فرار بسیجی ها و سربازها هم از جبهه ها و پشت جبهه ها هر روز ادامه دارد. البته هنوز با بزرگ به خود نگرفته و آنهم بیشتر از ترس اعدام و سیستم حفاظتی که برای آنها در نظر گرفته شده

می باشد در این رابطه مسئله برای سپاه به قدری مهم است که یکی از فرماندهان آنها می گفته ما به جای مهمات فقط به مبلغ نیاز داریم چرا که وضع روحی بسیجی ها خراب است و مرتباً اظهار نگرانی می کرده است. در همین رابطه نمونه هایی بوده است که حتی افرادی که تهدید مستقیمی نیز در جبهه ها نداشتند فرار کرده اند مانند آرایشگر و... بنا بر این اگر تلفات به همین میزان ادامه پیدا کند، فرار ابعاد بزرگ تری پیدا خواهد کرد.

س: وضع عراقی ها از نظر روحی چگونه است؟

ج: عراقی ها بعد از شکست های متعدد گذشته، اکنون به پیروزی های چشمگیری دسترسی پیدا کرده اند که نمی توان در روحیه آنها بی تاثیر باشد. تعداد تلفات آنها بسیار کمتر از آن چیزی بوده که حدس زده می شود. انهدام دولت شکر عراقی دروغ محض است و ادعای تصرف سرزمین های بی ابعاد که رژیم می گوید نیز دروغ محض است. فقط آنها توانسته اند تا دو خاک ریز بطور کامل جلوی ورود و در دیگر نقاط هر چه نفوذ کرده اند تثبیت شده نیستند و به همین دلیل است که نمی توانند از نقاطی که مدعی تصرف آن هستند فیلمبرداری کنند. تعداد اسرای عراقی حدود ۸۰۰ نفر بیشتر نیست و عراقی ها این بار بخوبی مقابله کرده اند. در کنار هرسنگر، یک تیربار و روری هرتانک نیز یک تیربار سوار کرده اند که موج انسانی هجوم بسیجی ها را به گلوله می بندند، و به این ترتیب طراحان شریرو سادیک رژیم، با تاکتیک "گوشت در برابر توپ" هزاران نفر را به کشتن می دهند. تا پیروزی های بدست بیاورند که از نظر نظا می فاقد ارزش بوده ولی از نظر تبلیغات حواش روزمره آنها را تا مین کند.

س: وضع نیروی هوایی ایران و عراق چگونه است؟

ج: عراقی ها از ابتدای جنگ حسابگرانه نیروهای خود را خرج کرده اند (هم از نظر پرسنلی و هم از نظر هواپیما) و اکنون که مراحل حساس جنگ است آنها هم خلبانهای ورزیده تر خود را وارد کارزار کرده اند و هم هواپیماهای مدرن تر را. در صورتی که ایران با توجه به ضعف نیروی زمینی مجبور شد با تمام توان نیروی هوایی

اخبار و گزارشاتی از ارتش ...

بقیه از صفحه قبل

* مدتی پیش در خیابان ۲۰ متری شمشیری مقابل جهاد سازندگی مهرآباد، بین دو نفر از رزمندگان و افراد بسیجی جهاد، درگیری صورت می گیرد که بخاطر نزدیکی جهاد با کلانتری ۱۹ و پادگان نیروی هوایی شماره ۳، افسر نگهبان پادگان که احساس خطر می نمود به کلیه نگهبانان پادگان (که عموماً "سربازند") آماده باش داده و ضمن مسلح کردن پاسداران، آنها را به قسمت های حساس پادگان (در جبهه - اسلحه خانه) اعزام نمود و علاوه بر پاسداران، دو تیم از گروه ضربت (مربکب از ۴ سرباز - ۴ هما فرودرجه دار) که مسلح به کلت و MP.5 بودند، در جلوی درب پادگان به حالت درازکش آماده ی مقابله با رزمندگان بودند و مسئولیت همه ی آنها به عهده ی افسر نگهبان پادگان بود بطوری که تا افسر نگهبان دستور تیر نمی داد هیچ یک از پاسداران و افراد ضربت حق تیراندازی نداشتند و وقتی درگیری شروع شد و به نزدیکی درب جبهه کشیده شده بود، یکی از پاسداران که قصد تیراندازی به طرف رزمندگان را داشت افسر نگهبان دستور داد که حق ندارد شلیک کند فقط وقتی مجازند شلیک کنند آنها بخواهند به قسمت داخلی پادگان بیایند. رزمندگان که توانسته بودند تا حدود ۲۰۰ متر از منطقه ی درگیری بدون دستگیر شدن (بیاده) دور شوند به کوچای رفتند و در آنجا در زیر زمین یک خانه پناه می گیرند که در آخر یکی از آنها توسط قرص سیانور شهید شده و دیگری دستگیر می شود شواهد زیادی حاکی از آن است که علی رغم نزدیکی جهاد با کلانتری ۱۹ و اینکه رزمندگان در حین فرار از مقابل همین کلانتری عبور کرده اند نگهبان کلانتری در درگیری فوق شرکت نکرد و صرفاً به چند تیر هوایی اکتفا نمود ■

خود را وارد صحنه نماید و در نتیجه تلفات آن هم کیفی بود. اکنون تعداد دلبانیها بسیار کم و هواپیما های قابل استفاده نیز محدود است. در صورتی که عراق اکنون در بمباران و درگیری هوایی موفق تر عمل می کند. در حمله ی اخیر تلفات ایران ۳ هواپیما بود که یکی از آنها بوده است عراق ۲ میکاز دست داد. قابل توجه است که برای اولین بار عراقی ها هواپیمای گشت ایران را زده اند و هم ایلام را بمباران کرده اند ●

آکسیونهای افشاگرانه در کمبریج و بستن

دیگر این برنامه ها که در هنگام شب برگزار می شد، وجود شمع های نورانی در کنار عکس شهدا بود که حالت روحانی و عاطفی عمیقی را بر محیط حاکم گردانیده بود. در کنار همه این برنامه ها بخشی نیز به نمایش اسلاید، معرفی شورای ملی مقاومت اختصاص داشت که در جلب حمایت مردم بسیار موثر بود.

در روزهای ۱۴ و ۱۵ اوت انجمن دانشجویان مسلمان آمریکا و کانادا واحد بستن اقدام به برگزاری دو آکسیون افشاگرانه در شهرهای بستن و کمبریج نمود. این برنامه ها که با استقبال بسیار زیاد دروپیرو گردید از جمله موفقیت آمیزترین آکسیون های انجمن در این دو شهر بوده است. در محل آکسیون که خود یکی از پرفرت و آمدترین و

وسیعترین قسمت های شهر بوده، علاوه بر وجود صحنه های اعدام و تیرباران، نمایش های جالب و زننده ای از شکنجه ای مجاهدین با ترتیب و برقراری یک سلول زندان و همچنین دستگاه شکنجه آپولو در معرض دید مردم قرار گرفت که همراهات تحت تاثیر قرار داده بود.

در نمایش تیرباران، خواهر و برادری که با چشم و دست بسته و لباس و آرایش مشخص در کنار جوخه ای اعدام ایستاده بودند، خود، صحنه ای بارز و گویای از جنایات خمینی را در رابطه با اعدام زنان حامله و پزشکان مبارز نشان می دادند. از جلوه های خاص

تظاهرات بر علیه تروریستهای صادراتی خمینی دجال

به دنبال حمله ی تروریست های خمینی به جلسه ی بزرگداشت اولین سالگشاست تا سیس شورای ملی مقاومت که منجر به زخمی شدن سه تن از برادرانمان گردید، در تاریخ چهارم اوت ۱۹۸۲ از طرف انجمن دانشجویان مسلمان آمریکا و کانادا و احداث تگراس تظاهرات گسترده ای به منظور افشاء اعمال تروریستی عمال خمینی جنایتکار در شهر دالاس تگراس برگزار گردید.

این تظاهرات که از میدان "کنیدی موریل" آغاز شده بود پس از عبور از خیابانهای بزرگ و مهم شهر در محل شروع تظاهرات پایان یافت. در این تظاهرات شرکت کنندگان با حمل شعارهایی مبنی بر محکومیت و افشای تروریسم خمینی و با فریادهای کوبنده ای خود، صدای حق طلبانه خلق در زنجیرمان را فریاد کردند. در پایان پس از اعلام پیام های همبستگی از سوی گروه ها و شخصیت های مترقی قطعنامه ی تظاهرات قرائت گردید. لازم به تذکر است که دو روز قبل (دوم اوت) نیز تظاهرات ایستاده ای مقابل ساختمان فدرال شهر دالاس برگزار گردیده بود، که بطور گسترده ای در رادیو و تلویزیون و مطبوعات انعکاس یافت.

بدین ترتیب با برگزاری این دو آکسیون موفقیت آمیز چهره ی پلیدو کریمه خمینی و دار و دسته ی ارتجاعی اش هر چه بیشتر افشاء گردید.



اعتراض نیروها و شخصیت های مترقی و برجسته هند در رابطه با مسافرت رفسنجانى خائن به هند

در رابطه با مسافرت اخیر رفسنجانى خائن (رئیس مجلس خمینی) به هند، نیروها و شخصیت های مترقی برجسته با صدور بیانیه ها و اطلاعیه هاى، با اشاره به جنایات رژیم ضد بشری خمینی جلاد و محکوم نمودن آن، نسبت به مسافرت رفسنجانى به هند نیز قاطعانه اعتراض نمودند. ذیلا "دو نمونه از این بیانیه ها را ملاحظه خواهید کرد:

بیانیه احزاب و سازمانها و شخصیت ها و نمایندگان مترقی هند

بدنیال افزایش میزان اختناق در ایران که در تمام دوران تاریخ بشری سابقه می باشد، ما بدین وسیله شدیداً "دیستار" آخوندها شمی رفسنجانى به عنوان سخنگوی دولت خمینی از هند را محکوم می کنیم. ما به هیچوجه رژیم ضد بشری خمینی را به عنوان نماینده ی خلق ایران قبول نداریم.

ما کما ملا "از میزان فاحش اختناق در ایران توسط دکترین ارتجاعی و بنیادگرای خمینی که تهدیدی برای بشریت است می باشد، آگاهی داریم. گذشته از صدها هزار نفر از مردم بی گناه که در طی جنگ و تاراج کشتی شده اند، بیش از ۱۵۰۰۰ از بهترین فرزندان خلق ایران اعدام گشته و ۴۵۰۰۰ نفر دیگر در اسارت به سر می برند.

ما یکبار دیگر اعلام می داریم که حضور فرد فرقه گرائی مانند آخوندها شمی رفسنجانى تهدید همه جانبه ی بر علیه روابسط مسالمت آمیز مسلمانان و غیر مسلمانان هند و زندگی دانشجویان مترقی ایرانی در این کشور می باشد. ما حمایت گسترده ی خود از خلق ایران که بطور سیستماتیک تا حد مرگ شکنجه و یا سنگسار می شوند و یا در مقابل جوخه های اعدام قرار می گیرند و بقیه که به مقاومت خود برای بدست آوردن دمکراسی و آزادی ادا می دهند را برای آزادی می داریم. حضور آخوند رفسنجانى را قویاً "محکوم" می کنیم و به عنوان یک فال بد برای مردم آزادخواه هند تلقی می نمائیم.

- ۱ - رام پاریک شان، ما، هو - عضو مجلس قانون گذاری (بیهار)
- ۲ - مان، جی، لال - عضو مجلس قانون گذاری (بیهار)
- ۳ - دوا یا - هار او ی - مدیر کارکنان نویسندگان شاخه میسور
- ۴ - آنانتی - رانتی (دبیرکل اتحادیه مردم برای آزادی های مدنی، واحد کارنا تا کا

بیانیه اعضای برجسته پارلمان هند

دیدار سخنگوی پارلمان ایران، ملا هاشمی رفسنجانى از هندوستان زمانى انجام می گیرد که خلق ایران بی سابقه ترین سرکوب، شکنجه، اعدام و پایدالی حقوق بشر را متحمل می گردد. مشخص است که رژیمی که این چنین دست به سرکوب مردم خود می زند نماینده ی آنان نمی باشد ما به همراه ابراز حمایت خویش از تمامی نیروهای دمکراتیک و وطن پرست و مردم ایران که امروز بین مرگ و زندگی بر علیه استبداد خمینی می جنگند، دیدار عنصر بنیادگرا و فرقه گرائی همچون هاشمی رفسنجانى از کشورمان را محکوم می کنیم. حضور هاشمی رفسنجانى در هند بی احترامی به سیاست دمکراتیک و مردمی ما می باشد.

- ۱ - جورج فرناندز (نماینده پارلمان دبیرکل حزب لوک دال، ک)
- ۲ - بی. اس. هوتا - دبیرکل اتحادیه ی کارمندان دانشگاه های هند
- ۳ - رام، ویلاس پامثوا - نماینده پارلمان
- ۴ - بابو کال داتی - نماینده پارلمان
- ۵ - سوامی آگینوش - نماینده پارلمان

- ۵ - موها لای حزب کمونیست هند (مارکسیست) شاخه میسور
- ۶ - دکتر هونا پا - استاد و محقق رشته ی زمین شناسی دپارتمان زمین شناسی دانشگاه ماناسا - جانگوتری - دانشگاه میسور
- ۷ - سازمان زنان مترقی
- ۸ - سازمان فرهنگی سامودایا
- ۹ - وای. ک. رنجان - دبیر اول سازمان جوانان جاناتا
- ۱۰ - سونیل، دانی - پرزیدنت شاخه دانشجویی حزب جاناتا - ایالت دهلی
- ۱۱ - وی دی یاشانی کان، سینگ پرزیدنت سازمان جوانان حزب جاناتا - ایالت دهلی
- ۱۲ - ران، سی، سوراب - دبیرکل شاخه ی دانشجویی حزب جاناتا - ایالت دهلی

پیام رئیس و پروفیسور دپارتمان علوم سیاسی جامعه ملی اسلامی هند در محکومیت رژیم خمینی

به کسی که احساس مسئولیت می کند مقاومت مردم علیه رژیم ختناق شاه یک جنبش دمکراتیک مهم بود و قلب همهی مردم آزادخواه را به طیش درآورد. ما همچنین از این جنبش به عنوان جنگ بر علیه شکل جدید بیگانه ها برای تسلط بر کشور - های جهان سوم یاد می کنیم. بنا بر این، این بسیار نا راحت کننده است که ببینیم انقلاب ایران بر علیه مردم کشورش جهت گرفته و دستوری را مبنی بر منع دادن فرصتهاى برای آزادی، اظهار عقاید و عملکردهای یک فرد در جامعه در کرده است. خیرا اعدام پانزده هزار نفر از مردم و شکنجه ی مخالفین تکان دهنده است. خبرهای غیر قابل چشم پوشی دیگر در مورد سرکوب مخالفین سیاسی و شکنجه ی افراد معتقد به مسالک دیگر می باشد. تمام این دلایل برای ضد آزادی، ضد خلقی اطلاق کردن رژیم کنونی خمینی کافی است. مردم ایران احتیاج به یک جمهوری دمکراتیک آزاد و بشردوست و در عین حال دنیوی که در پیشبرد منافع مردم زیبای خود از طریق محترم شمردن افتخارات گذشته و آرزوهای آینده برای آزادی و وقار مردمش کوشا باشد، احتیاج دارد.

علی اشرف
دپارتمان علوم سیاسی جامعه ملی اسلامی
۷ ژوئن ۱۹۸۲

رونوشت به:

- ۱ - عفوبین الملل
- ۲ - صلیب سرخ جهانی
- ۳ - کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل
- ۴ - دبیرکل سازمان ملل
- ۵ - مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت پاریس
- ۶ - کلیه ی نشریات روزانه ی ملی

- ۱۳ - دی. آر. پارمار - شاخه دانشجویی حزب جاناتا دانشگاه جواهر لعل نهرو
- ۱۴ - جگدیش، سی. اگروال - دبیرکل شاخه دانشجویی حزب جاناتا
- ۱۵ - راوی نیر





گزارشهایی از داخل کشور پینقل از نامه های رسیده از ایران



* یک دختر همسایه که ما تیک زده بسود توسط پاسداران دستگیر می شود. در کمیته دوطرفه لپانش را طوری می کشند که دهان این دختر از دو طرف پاره می شود. این دختر هنوز در بیمارستان بستری است.

* خواهر مجاهدی که برادرش را اعدام کرده بودند به مزدوران اعتراض می کنند که چرا او را بدون کفن خاک می کنند در جواب خود این خواهر را هم دستگیر می کنند و شایع است که او را نیز اعدام نموده اند.

* لباس سیاه زنانه، به علت اینکه همه عزاداران شنا بیان شهید خود هستند، پیدا نمی شود.

* آخوندها از ترس این روزها با ماشین آتش نشانی و ماشین های گوشت به ایمن طرف و آن طرف می روند.

* یک ساواکی در دادگاه به اصطلاح اسلامی خمینی همدان محاکمه شده است. وی ۱۲۶ شاکی و به همین میزان جرم و خیانت داشته. با وجود این دادگاه رژیم با اخذ یک میلیون تومان پول از وی، او را آزاد نموده است!!

* در ادامه ی با اصطلاح بازگشائی دانشگاه ها، دانشکده ی دندان پزشکی دانشگاه ملی تهران آغاز بکار کرده است. بدین ترتیب که از ۱۲۰۰ دانشجوی این دانشکده ۱۰۰۰ نفر دانشجوی آن تصفیه شده اند!!

* در رابطه با شدت نفرت مردم از رژیم ضد بشری خمینی منجمله انواع جوک در مورد شخص خمینی خائن و دارودسته ی جنایتکارش در بین مردم رواج پیدا کرده است.

* در بسیاری موارد برای نگهبانی مراکزی که رژیم به عنوان پایگاه سرکوب از آنها استفاده می کند نظیر مسجد، کمیته و... از افراد کم سن مثلاً بچه های ۱۳ - ۱۴ ساله استفاده می شود.

* در جلوی زندان اوین پدر یکی از شهدا لباس سیاه پوشیده بود. یک نسوار

قرمز به دور با زوی خود بسته بود و یک شال گردن قرمز هم انداخته بود و برای مردم حرف می زد و می گفت پسر من نمرده، پسر من زنده است. این آرزوی او بوده که شهید بشود و من هم افتخار می کنم که پدر او هستم.

* یک خواهر هوادار مجاهدین بنام سیمین شیرزاد که دانشجوی دانشگاه مشهد بوده و همچنین در الیگودرز تدریس می کرده در اول دیماه اعدام می شود. البته خبر این اعدام در هیچ نشریه ای منعکس نشده است.

* در زندان اوین در رابطه با شکنجه های وحشیانه توسط سرپرندگان خمینی جنایت پیشه صدای جیغ و فریاد ناله به قدری زیبا است که اشخاص را از حال طبیعی خارج می کند. چند تن از بازجویان و پاسداران که ما مورتیر باران هستند و تعدادشان حدود یک صد نفر است روانی شده اند. تعدادی از آنها را به بیمارستان و عده ای را برای استراحت به هتل قدس منتقل کرده اند.

* یکی از برادران را که برای اعدام می برده اند موفق به خلع سلاح دو پاسدار مزدور می شود و هر دو نفر را به هلاکت می رساند. * در جلسه ای که لاجوردی و موسوی اردبیلی و تبریزی و گیلانی در نزد خمینی بوده اند، مطرح می شود چند نفر از نامدین را برای تبلیغات آزاد کنند. لاجوردی جلاد گفته است تا آقای اردبیلی بدون اسکورت در خیابان نتواند برود یک نفر را هم آزاد نخواهم کرد.

* چهار نفر ایرانی برای خرید لوازم هواپیما از طرف ایران به کراچی آمده اند یکی از آنها مقداری پونصد خرد کرده و روپیه گرفته که پوندها سریال مرتبی داشته اند.

* دولت ایران اعلام کرده است از کسانی که قصد زیارت کعبه را دارند تا پنج سال فقط امسال ثبت نام می کند تا سال

از کسی ثبت نام نخواهد کرد. حجاج باید مخارج سفر خود را نقداً به حساب دولت واریز کنند. دولت می خواهد کمبودهای خود را به هر طریق جبران کند.

* کنسولگری ایران در پاکستان طرفداران خود را در برخی مساجد سازماندهی می کند تا علیه پیروان سایر مذاهب دست به اقداماتی بزنند.

* یکی از فرماندهان سپاه زاهدان اخیراً "وارد کراچی شده است."

* بعد از سفر وزیر خارجه ایران به پاکستان قرار شده که ۳۰ نفر از فالانژها به عنوان دانشجویان دانشگاه های پاکستان پذیرفته شوند.

* خروج فرش و قالی از ایران نیز به هیچوجه امکان پذیر نیست و این امر یک مسئله قاچاق به حساب می آید زیرا مقامات و بازاریهای وابسته به رژیم عملاً خود انحصار صادرات فرش را به عهده گرفته و از خروج فرش دیگران جلوگیری به عمل می آورند.

* پاسداران در حدود ساعت ۵ صبح روز... به محله ای واقع در خیابان نظام آباد حمله کرده و سرتاسر محله را بستند و به در خانه های رفته و در زدند. خانم که خواب بود از خواب بیدار شده و آمد که در را باز کنند و با مسلسل پاسدارها رو برو شد و چون آمادگی چنین برخوردی را نداشت ترسیده و در را بست که پاسدارها نهایت بی شرمی خود را به ثبت رسانده و از پشت در بسته زن را به مسلسل بستند. که شوهر و بچه های این خانم از خواب بیدار شده و با جسد خون آلود همسروما در شان رو برو شدند. وقتی که این خانم را به بیمارستان می بردند، در راه به شهادت می رسید.

این جریان تمام اهالی آن محله را تحت تاثیر قرار داد. و همه نسبت به این جنایت پاسداران با دیدهای تنفروا نترجار برخورد می کردند.



نیروهای انقلابی و رزمندگان مجاهد میلبشای قهرمان خلق!

در هر کجا و هر زمان ضربات روزافزون خود را بر بیکر فرسوده و پوسیده ارتجاع فرود آورید و شب ظلمانی حاکمیت مرتجعین دین فروش را که اکنون واپسین مرحله خود را می گذرانند، از هم بدرید تا سپیده آزادی و صبح پیروزی بدرسد.

(از پیام سردار شهید خلق مجاهد کبیر موسی خیابانی)



قسمتهائی از آخرین سخنرانی پدر طالقانی

در آستانه اولین سالروز ۱۷ شهریور سه روز قبل از رحلتش در بهشت زهرا

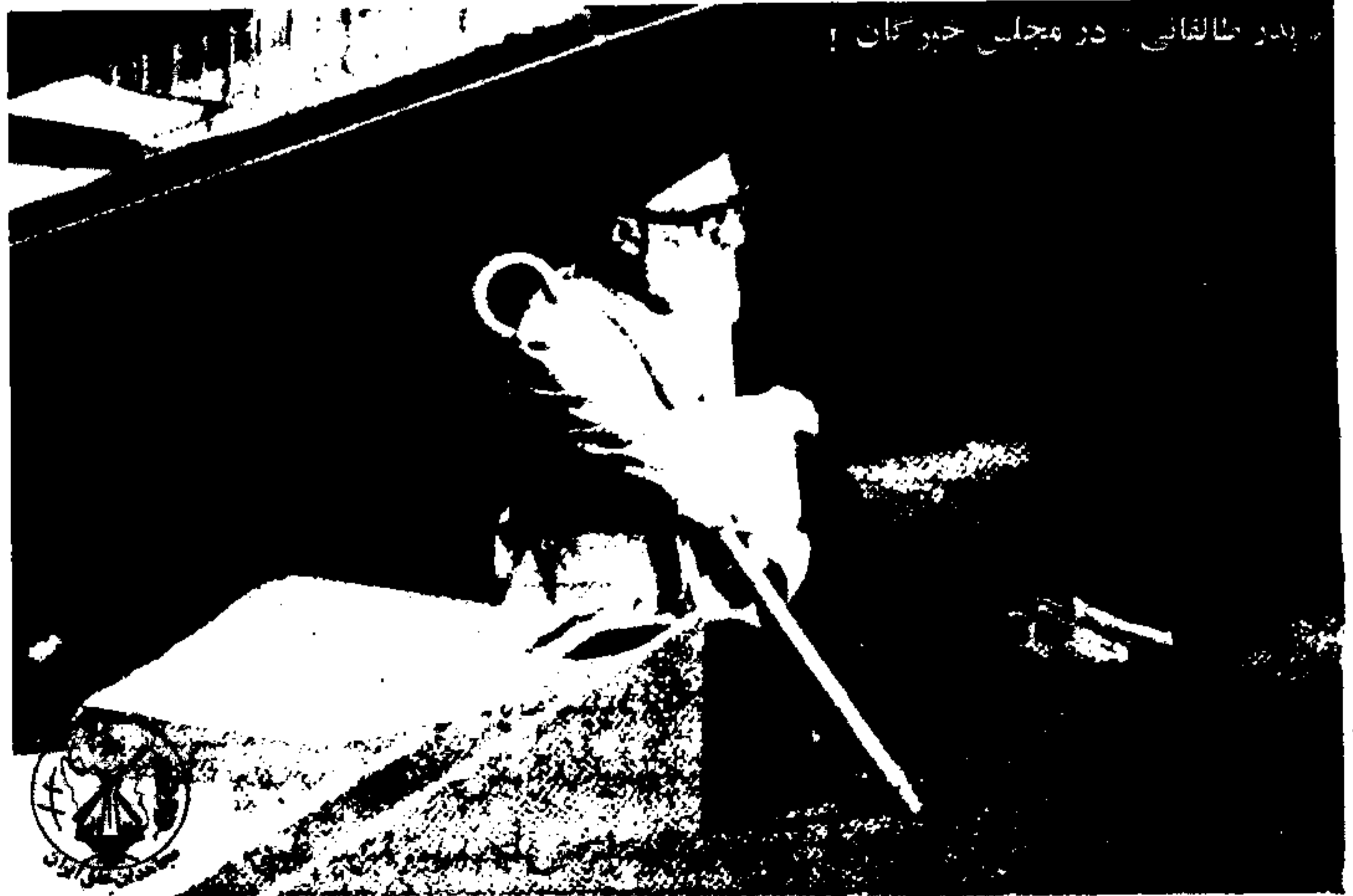
آنچه که ذیلاً می خوانید قسمت هائی است از خطبه های آخرین نماز جمعه ی پدر طالقانی در روز جمعه ۱۶ شهریور یعنی سه روز قبل از رحلتش که بر سر مزار شهدای ۱۷ شهریور در بهشت زهرا و در حضور بیش از یک میلیون نفر از مردم تهران ایراد نمود و در آن نگرانی و اعتراض خود را به عملکردهای ارتجاعی و دیکتاتور منشیانه ی مرتجعین حاکم که در صدد استقراض استبداد دزیر پرده ی دین بودند، آشکارا اعلام نمود:



باید زنده کند. برای این جمع شدیم با شما پیمان می بندیم در آن روزی که شما آماده شدید که سینه سپر کنید و خودتان را در مقابل گلوله قرار بدهید بزرگترین و عظیم ترین کار تاریخ را کردید، رژیم را با آن همه سلاحها از پا در آوردید درود خدا و درود همه ی ما بر شما باد... " صد ها بار من گفتم که مسئله ی شورا از اساسی ترین مسئله ی اسلامی است حتی به پیا میرش با عظمت می گوید با این مردم مشورت کن به اینها شخصیت بده بدانند که مسئولیت دارند متکی به شخص رهبر نباشند ولی نه اینکه نکرده اند می دانم چرا نکردند هنوز در مجلس خبرگان بحث می کنند در این اصل اساسی قرآن که به چه صورت پیاده شود! باید؟ شاید؟ یا اینکه می توانند؟ نه! این اصل اسلامی است. یعنی همه ی مردم از خانه و زندگی و واحدها با یکدیگر هم مشورت کنند در کارشان. علی می فرمود من استبداد برایه هلاک. هر کس استبداد کند در کارهای خودش هلاک می شود. من شاویرالرجال شاکهم فی عقولهم. وقتی من یک دید دارم با یک نفر شما دونه، دونه، وقتی مشورت می کنم ده دید پیدا می کنم. ده عقل به عقل خودم

... ای بچه های که در این خاک خفته اید، ای جوانانی که با گلوله ی دشمن تنهای شما و قلب های شما دریده شده، ای زنهای بزرگواری که به میدان ریختید و بچه ها را به بغل گرفتید و در مقابل گلوله ها شافتید ما آمدیم بعد از یک سال با شما تجدید میثاق کنیم. خون شما میثاق ماست، فریاد الله اکبر شما میثاق ماست، آن هدفی که شما دنبال کردید در مقابل طاغوت و برای آزادی انسانهای ایران و مسلمانان و همه ی انسانهای دنیا. ما با شما تجدید پیوند و تجدید عهد می کنیم که ما همان را تعقیب خواهیم کرد و ما در زیر این آفتاب سوزان و در میان این جمعیت و کنار مزار شما آمدیم تجدید پیمان کنیم، تجدید پیمان در مقابل هرگونه استبداد و به هر شرط، تجدید پیمان در مقابل هرگونه استعمار و استعمار، تجدید پیمان برای آزادی همه ی بشرو همه ی مردم، تجدید پیمان برای پیاده کردن احکام عالییه ی اسلام و قرآن که مدت ها در زیر خاک ها مانده بود و فقط برای قرائت، تجدید پیمان برای زنده کردن قرآن، زنده کردن احکام اسلام، زنده کردن قوانینی که بشر را

ضمیمه می کنم چرا نمی شود نمی دانم... ما فریاد می کشیم، دولت هم تصویب می کند ولی عملی نمی شود. مگر در سنج که این شورای نیم بند تشکیل شد ضرری به جانی رسید؟ و می بینیم که اونجا نسبتاً "از همه جای کردستان آرا متر است یعنی گروه های افراد دست اندرکار، شاید اینطور تشخیص بدهند که اگر شورا تشکیل بشود دیگر ما چکاره هستیم شما هیچی بروید دنبال کارتان بگذارید این مردم مسئولیت پیدا کنند این مردم که کشته دادند اینها بی که اینها خوابیده اند از همین توده های جنوب شهر بودند منطبق اینها بود. می گویند در کارخانه ها اختلال می شود، خوب یک مرتبه اختلال بشود آن اصل مهمتر از این است که در یک کارخانه اختلال بشود در کارخانه اختلال شد، شورا را تعطیل کنید چرا؟... " "شاید بعضی از دوستان ما بگویند آقا شما چرا این مسائل را در میان توده ی مردم مطرح می کنید بیاید در مجلس خبرگان، می گویم بین موکلین شما من مطرح می کنم، اینها هستند ما را وکیل کردند... " "خودرانی و خودخواهی را کنار بگذاریم. گروه گراشی و فرصت طلبی و تحمیل عقیده یا خداشی نخواسته استبداد دزیر پرده ی دین را کنار بگذاریم و بیاییم با مردم، با دردمندها، با رنج کشیده ها، با محروم ها همصدا بشویم... "



در غروب خورشید طالقان

از: م. آرم

و عاقبت طلبانی که با زبرسرامواج خون خلق
به مسند رسیده اند امروز!
چه سالهای درازی به پایداری در راه خلق
برتو گذشت!
و گامهای توهمواره راههای مسلخ و تبعید و
بند را پیمود!
و درسهای تودر مسجدها بیت و سلولهای
قصر و اوپن،
دونسل را سوی میدان کازار هدایت کرد!
تورا هنوز به زندان قصر می بینم:
ستبر صخره ایمان به نزد دژ خیمان!
زلال چشمی حیوان به نزد همبندان!
*
توروی کوهی امواج گاهوارهی دریای
خلق می رفتی
دوباره با ز مگر روز را هیما می،
وروزهای خون و خطر بود؟
که با ز پیش صف کاروان خلق روان بودی!
*
تورا به شهر سندانج دوباره می بینم
که خلق کردتورا یک زبان پذیرا بند،
و در پناه توشورای شهر به سامان شده است!
تورا به نیمه شبان ناشناس درگسندری
نا به گاه می بینم
که از حرم ستار مجاهدین خلق گذر می کنی،
و با شگفتی و اندوه،
هجوم دسته ی مزدور را به سوی ستاد،
ز پشت پرده ای اشکی به چشم می بینی!
*
کدام مصلحت خلق پیش چشم تو بود،
که گرچه نیش گزند سلاح بدوشان ضد خلق به اندام
پارهی دل تو رسید
تو برجسارترا اینان به لطف بخشودی
و کوههای غمان را به هجرتی ناگاه،
به سوی حومه ی با ز دشتها بردی،
ورازهای دل خویش جز به کوه نگفتی کسه
خوب می دیدی،
به لب گشودن تودا سر خشم خلق به یکبار،
تمام خرمن این هرزه پیچکان مزرعه انقلاب
را در می کرد!
و این به چشم تو گوئی صلاح کار نبود!
*
کدام مصلحت انقلاب چنینت صبور نگه می داشت؟
تورا که ذات خروشان انقلابهای روان بودی!
ز خبرگان چه شنیدی مگر به مجلس شور
که چهره ی تو از آن گونه مات و غمزده بود؟

جنارهی تو همان نفس آرزوها بود
توروی شانهای امواج اضطراب،
توروی شانهای مجروح انقلاب روان بودی،
ومن هنوز تورا گرم کار می دیدم:
ز پشت پرده ی لرزان اشک،
ز پشت پنجره ی روبه باغهای مه آلود کودکی،
تورا درست از آن دور دستهای خاطره تا امروز
مرور می کردم.

که نبض خلق به سی سال - تا به یادم بود -
همراه دررگ جان تومی طپید،
و کارنامه ی عمرتونیز در خور چونان تو بود
بس!

که راه خلق و خدا را چنین یگانه سپردی،
نه روی مسند مدرس که روی تیغی چل سال
راه محبس و مقتل!

تورا هنوز همان مرد کار می دیدم:

به مهربانی لبخند
به استواری ایمان
به پاکبازی خورشید
به جان نثاری باران

که با طنین کلامت که زخمهای دل خلق را
شفای می داد،

برای الفت اقوام خلق و مصلحت انقلاب
پند می دادی

حقوق خلق به تعیین سرنوشت،
حضور خلق به شورای کارخانه و شورای شهر و
دانشگاه،

همیشه و رد زبان تو بود.

صدای گرم تو موسیقی محبت بود
و مهربانی عالم به چشمهای تو گل می داد

تو از زلالی پاک کدام چشمه ی ایمان و عشق
نوشیدی؟

که در میان چنین منکران خلق و خدا،
بیان معنی قرآن و دین و انسان را
به تارهای صوتی نای تودا ده بود خدای!

توروی شانهای امواج خلق می رفتی
ومن درست تورا گرم کار می دیدم

ز دور دست افاقهای یا دتا امروز:
درون جنبش پراالتهاب نهضت ملی

امین و یار ممدق - بزرگ رهبر ایران -
و سالیهای پس از کودتا،

- شبی بلند که یک ربع قرن طول کشید -
و آزمون بزرگ عیار سنجی بود!

عیار سنجی مردان مرد و مدعیان

جنارهی تو همان نفس آرزوها بود
که موج مویه و سیلاب اشک می بردش،
توروی شانهای لرزان موج اشک روان بودی،
اگرچه شانهای امواج گاهوارهی دریای
خلق تورا می برد -
چنان که پهنه ی دریای خلق در همه ی ایران
به سوکت و آشفست،

به یاد دو حافظه ی هیچ رعد و توفان نیست!
میان آن همه تصویرها در آینه ی آسمان
ایران شهر،

قیامتی که زمین لرزه کرد از این سان نیست!
سپیده ی سحری بر نتافتاده هنوز،
که جغد این خبر شوم صبحه زده بر شهر!

هنوز با نگرانان بر نخاسته بود،
که با نگر شیون سوکت و خواست از درو با م!

گشاده شد در هر خانه و بیرون شد خلق،
به سوگواری مرگرتو این نه برهنگام!

هنوز از گل خورشید شعله می شد باز،

که سیل صیحه زن مردوزن ز چارسوی به سوی
توروی می آورد

منادیان حکومت نداننده هنوز،
تمام طول خیابان انقلاب با زولوله بود،

تمام طول خیابان انقلاب که آغاز آن ز خانه
توست،

مسیر شط خروشان خلق بود که بدرود را به
سوی تومی آمد

به سان جنبش تاریخ سازتو سوعا،
که خلق را به فراروشی رژیم فرا خواندی،

و انقلاب هم از خانه ی تودا آغاز!
دوباره خلق به سوی تو باز می آمد

که با خبر شده بود،
که انقلاب در این خانه از نفس افتاد!

جنارهی تو همان خواب آرزوها بود
که از فرا ز خیابان انقلاب سفر می کرد

سفر به سوی شهیدان انقلاب که چشم
امیدشان بودی

و خلق بدرقه ات می کرد،
شگفت بدرقه ای بود:

میان خانه ی توتا بهشت زهرا، خلق،
گرفته بود چنان راه را که راه نبود.

به زیر سطح زمین بهشت زهرا نیز،
که آسمان بلندیست پرستاره و خورشید،

قیامتی ز شهیدان خلق برپا بود،
حنیفها و رضا ثیها

به پیشوا ز تو آمده می شدند.

پیام سازمان مجاهدین خلق ایران بمناسبت هجدهمین سالگرد تأسیس سازمان

بقیه از صفحه ۲
ودر همین جا با ردیگر به خون تمام
شهادی خلق با خلق کبیرمان تجدید عهد
میکنیم و سوگند میخوریم که برغم همه رنجها و
خونها و سختیها، حتی اگر روزهای سخت تر و
سهمگین تری نیز در پیش داشته باشیم، حتی
اگر کماکان تمام مدعیان کاذب اسلام و
انقلاب با زهم ما را تنها بگذارند، با تمام
توش و توان، تا آخرین کس و تا آخرین نفس
در مسیر خون افشان آزادی تا به گور سپردن
ارتجاع خمینی و تا نیل به جامعه بی طبقه
توحیدی برزمیم و بجنگیم.

کاروانی قریب به ۲۰ هزار شهید و
نزدیک به ۵۰ هزار اسیر و بیش از یکصد هزار
بی خانمان و آواره، گواه حقانیت و اصالت
سوگندی است که از حنیف نژاد تا خیا بانی
مجاهدین این خلق قهرمان را برانگیخته است.

سلام بر خلق - سلام بر آزادی
مرگ بر خمینی - مرگ بر امپریالیسم
پیش بسوی جامعه بی طبقه توحیدی
مجاهدین خلق ایران
۱۵ / شهریور / ۶۱

در غروب خورشید طالقان

تورا هنوز به روی زمین نشسته و سر هشته
روی دست، پریشان می بینم

کدام شعبده از آستین خویش

سرمه ی سحری فشاند بر آفاق؟

کدام جادوی پنهان به چشمهای تو

افسون دمید؟

که در زلالی آئینه وار زده نت گاه،

شمای دیووددی را فرشته می دیدی!

کمال پاکی جان تو گاه ذات هیچ بدی را

مجال جلوه نمی داد!

صفای باطن تو عکس آرزوی تورا می نمود

در ذهنست!

و عکس آرزویت بود!

اگر سراب فریبی نمودا اینجا بود!

به جام جان تو آیا چهره های مگس

زهر اندهان افشانند؟

که استوانه ی پولاد شیر صخره ی اندام جان تو،

که ضربه ضربه ی شلاقهای تند رچل ساله خشم

یاد صمد بهرنگی، آموزگار و نویسنده انقلابی گرامی باد!

۱۶ شهریور چها ردهمین سالروز شهادت
صمد بهرنگی است.
صمد قلبش مملو از عشق به توده های
مردم بود، صمد به بیجه ها درس میساز
می آموخت، او به شاگردانش یاد میداد که با
چشمان باز و با ذهنی جستجوگر به اطرافشان
بنگرند. صمد دیدگاهش نسبت به زندگی و
مرگ از زبان "ماهی سیاه کوچولویش"
چنین بیان می کند:

"مرگ خیلی آسان می تواند الان به
سراغ من بیاید، اما من تا می توانم
زندگی کنم نباید به پیشواز مرگ بروم،
البته اگر یک وقتی ناچار با مرگ روبرو
شدم - که می شوم - مهم نیست، مهم اینست
که زندگی یا مرگ من چه اثری در زندگی
دیگران داشته باشد...."

یادش گرامی باد

اهرمنی را صورت آب آورد
به هفت ماه ازین نیش زهریش نپائید!

تورا خدای چنان دوست داشت که هر چند
از زبان تو یکبار،

سنان طعنه ی تلخی به ناگزیر به سوی قرارگاه
چپ جبهه بزرگ رهائی جهید ولیکن

به روزهای آخر عمر مبارکتوبه آن خطبه
باز جانان شد!

به او پسین پرواز
زواج قله گشودی به سوی دریا بال!

توروی گرده ی طوفان خلق ز دروازه های
منزل آخر عبور می کردی

و کجا جهای جوان بهشت زهرانیز
میان همه می خلق می خروشیدند.

تورا به جا نبرد هلیز گور می بردند،
واشک راه نمی داد

طنین نوحه و تکبیر تا افق می رفت،
تورا به سوی سراشیر گور می بردند

و چتر همه های می شکفت از دل خاک
به پیشواز تو گوئی مجاهدین شهید،

سرود می خواندند!
در آستانه ی آرا مگاه خود بودی،

و از دحام نمی داد ما ن که بتوان دید،
کدام چهره ی نخستین خوشاً مدت گوید!

به خاک می شدی و گریه راه نمی داد تا ببینم باز
کدام قامت خونین تورا به سینه فشرد!

اظهارات تأسف سازمان مجاهدین خلق ایران مرکز کردستان از درگیری بین پیشمرگه های حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله)

توضیح: این اعلامیه در تاریخ ۹ شهریور
۶۱ از اردیو صدای مجا هدپخش گردیده است.
بنام خدا
بنام خلق قهرمان ایران
مردم دلیر کردستان، پیشمرگه های قهرمان
امروز هشتم شهریور ماه، خبر درگیری
مسلحانه بین پیشمرگه های حزب دمکرات
کردستان ایران و سازمان انقلابی زحمتکشان
کردستان (کومله) در روستای قره داغ واقع
در نزدیکی مها با د از اردیو های صدای
کردستان و صدای انقلاب پخش شد.

سازمان مجاهدین خلق ایران - مرکز
کردستان، ضمن اظهار تأسف عمیق خود از
این نوع درگیری های دشمن شادکن، بار دیگر
اصل خدشه نا پذیر حاکم بر روابط بین نیرو-
های مردمی را متذکر می شود. به موجب این
اصل بنیادین، تضادهای درون جبهه ی خلق،
با یستی به شیوه ی مسالمت آمیز حل گردد و
درگیری مسلحانه بین نیروهای مردمی و
مترقی از پیش محکوم می باشد.

ولذا ما مصراً از طرفین می خواهیم که
با مذاکرات دوستانه و مسالمت آمیز برای
همیشه مانع از بروز این نوع برخوردها شوند
و اجازه ندهند که تجربه ی پر بار و شیرین
دمکراتیک به سردی گراید. دوستان و
برادران، پیشمرگه های قهرمان، همسایه ی
تفنگ ها را با یاده سوی دشمن مشترک خدا و
خلق خمینی دجال و دارودسته ی ردالت پیشه ی
وی نشانه رفت و همه ی خشم و کین مقدس انقلابی
و مردمی را علیه دشمن واحد به کار برد.
مرگ بر امپریالیسم - مرگ بر خمینی

زنده باد آزادی
پیش بسوی تجربه ی روشهای دمکراتیک و مردمی
سازمان مجاهدین خلق ایران مرکز کردستان
۸ شهریور ماه ۶۱

میان بچ بچ خاموش برگ های درختان
سوگوار زمزمه های بود،
که سرکنا رهم آورده با زمی گفتند،
و با دها به همه می گنگر خویش، بازمی خواندند:
دریغ، گورتو خود گور آرزوها بود!
عظیم فاجعه ای بود این نه برهنگام.
چهار از بود درین نقش بازی تقدیر،
که آنکه دیر بشا یست زیست، زود می میرد!
و آنکه زود بشا یست مُرد، دیر می ماند!
تهران - اول شهریور ۱۳۵۹

نمونه ای از

وحشت مزدوران خمینی دجال در رابطه با مرحله نوبین مقاومت

در گزارشی که یکی از هواداران در داخل کشور نوشته، چنین آمده است:

در روز ۱۳ مرداد سوار یک ماشین کرایه شدم. سه نفر در عقب و دو نفر در جلوه اتفاق را ننده حرکت کردیم. در بین راه یکی از مسافری که جلونشسته و لباس سربازی بر تن داشت. با ترس و لرزه عقب نگاه کرد و پرسید: "کسی از شما که منافق نیست!!؟" فرد بغلی من گفت: "چطور مگه، چی شده؟" نه. "فرد مزبور با نا احوالی دهان باز کرد که: "آخرمردیم از دست اینها. در هر جا آفتابی شویم ما را می کشند. همین روزها یکی از دوستانم را در خیابان کشتند." فرد بغلی من پرسید: "چرا، مگر چی شده؟" که طرف مربوطه گفت: "آخرمردم پاسدار هستم، والان بخاطر اینکه مرا نشناختند یک لباس سربازی روی لباسهایم پوشیده ام." و ادامه داد که: "نازگی از جبهه آمده ام ولی احساس امنیت نمیکنیم و میخواهم هر چه زودتر برگردم جبهه، آخر این منافقین دیگر به ما امان نمی دهند." سپس اضافه کرد که: "فلانکس و فلانکس از ما میلهایم، پاسدار بودند که یکی دوروز پیش بدست اینها در خیابان شهید شدند." فرد بغلی من با تظاهر به این که از این ماجرا ناراحت شده است گفت:

چند نمونه از استقبال مردم از عملیات مجاهدین

و هنگامی که آنان در درگیری با مجاهدین به هلاکت رسیدند مجاهدین با خونسردی ز محلد و رشدند. مردم در محل جمع شده و همگی خوشحال بودند. ده دقیقه بعد از عملیات کمیته ایها میزنند و باتیراندازی هوایی مردم را متفرق می کنند.

اعترافات محدود رژیم در مورد عملیات مجاهدین

یک زن: خوب آنها چریک هستند می دانند چه میکنند چطوری بزنند و چطوری فرار کنند. رژیم اعدا می کند، اینها هم جوابش را می دهند. یک کارگر: اینها (میلیشیا) فرار می کنند و سپاه و کمیته آلکی می گویند دستگیرشان کردیم. اینها مجاهدین را می کشند مجاهدین هم حق دارند تلافی کنند. - یک کارگر جو شکار: روز سه شنبه ۶۱/۳/۱۱ در جاده کرج نزدیک هلی کوپتر سازی صدای انفجاری شنیدم بعد از محصل انفجار، دود سیاه بی بند شد به طرف صدا رفتیم و کسی که از نزدیک جریان را مشاهده کرده بود، می گفت: سرنشینان یک تویوتا که ۲ نفر بودند با پرتاب نارنجک ماشین حامل ۲ آخوند و ۲ پاسدار را متوقف کردند.

آخرمی گویند که اینها تمام شده اند، پس چطور؟ پاسدار مزبور کلامش را قطع کرد و گفت: "ای آقا، اینها همه تبلیغات است. ما را امان نمی دهند و می کشند." جالب اینکه فرد بغلی من با اصرار و تظاهر به اینکه می خواهد هدیه و کمک کند، گفت: "خوب حالا بگو که خانه ات کجاست؟" و اصرار داشت آدرسش را بگیرد که پاسدار با ترس و لرز از دادن آدرس طفره می رفت و نمی داد و بالاخره ما جرایس از اینک فـرد بغلی من طرف را دست انداخته و سربسش می گذاشت، پایان یافت.

یادداشت

کارنامه درخشان

«فرزندان خلق»!

پرشب هر کدام از آن (۱۰ نفر) که دهان می گشود و فقره ای از قتل یک انسان بیگناه را بازگو می کرد و میگفت که چه آسوده و بی خیال گلوله های سربین را بر قلب و مغز یک پاسدار، پلیس قضائی، عضو انجمن اسلامی، موتورساز، ارتشی، بسیجی، ... و ... شلیک کرده

- ۳- گشت با موتور در نظام آباد و مشکوک شدن به یک فرد و شلیک و شهادت.
- ۴- موتوری بود، مشکوک شدیم، دو تا تیسر آتش کردیم شهید شد.
- ۵- شب بود، تهران پارس، یک ماشین، ریش و اورکت، ایست دادیم، فرار کرد، شلیک کردیم، به احتمال زیاد شهید شد.
- ۶- موقع برگشتن، انتهای در دشت، یک نفر را بازرسی کردیم، کارت بسیج داشت، شلیک کردم، تیر به گوشش خورد، شهید شد.
- ۷- خیابان هاشمی، مشکوک شدیم، شلیک کردیم ... شهید شد.
- ۸- خیابان شادمان، کارت انجمن اسلامی ... احتمالاً شهید شد.
- ۹- ۲۲ بهمن بود ... به یک روحانی بارانشه شلیک کردیم ... شهید شد.
- ۱۰- ساک دستی، انجمن اسلامی بانک تجارت ... آتش کردیم شهید شد.

- ۱۱- خیابان سپهرودی، یک ماشین با ۲ سرنشین مشکوک شدیم، آتش، شهید شدند.
- ۱۲- به ستاد بسیج دانش آموزی حمله کردیم، یک نفر شهید شد.
- ۱۳- خیابان خواجه نظام ... یک نفر ... خواست فرار کند ... شهید شد.
- ۱۴- خیابان ترقی ... کارمند نخست وزیری ... شهید شد.
- ۱۵- میدان گلها ... ماشین بنز با ۲ سرنشین ...
- ۱۶- خیابان آپادانا ... شلوار سپاهی داشت ... شهید شد.
- ۱۷- خیابان سپهرودی ... در حین گشت ۷ صبح ... شهید شد.
- ۱۸- با اصغر در عملیات جلو حسینیه ارشاد ... گشت آگاهی ... یک نفر شهید شد و ... هنگام فرار حمله به کمیته قبا ...
- ۱۹- گشت ماشینی خیابان ... چند نفر جلوی مسجد بودند احتمالاً بسیجی بودند، شلیک کردیم احتمالاً چند نفر شهید شدند.
- ۲۰- شلیک به پیشمرگان کرد و موقع در رفتن ... کارمند وزارت دفاع ...
- آری، اینهاست کارنامه یک فرد، یک جانی، یک چریک مجاهد!
- آری، اینهاست کارنامه درخشان فرزندان مجاهد خلق (منافقین نامرد)!

پنجشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۶۱

۲۰ میلیارد ریال از سوی دولت در اختیار سپاه پاسداران قرار گرفت

۳- مبلغ بیست میلیارد ریال جهت تامین هزینه های ناشی از جنگ تمیمی در اختیار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار گرفت.

را که رابطه نزدیک و روبروی ما می بینیم است. آنوقتها ما سوار را با مردم قطع کردند، آنبوه مردمی که منتظر وسیله نقلیه هستند شبیه اجتماع تظاهرات پا می کردیم.

یکشنبه ۳۱ مرداد ۱۳۶۱

از: دکتر عباس شیبانی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی

توزیع نفت و به خصوص گاز درست انجام نمی گیرد مردم ما گاه ۳ تا ۴ ماه منتظر آوردن یک کسول گاز میشوند. مسئله وسیله نقلیه و اتوبوس مشکل دیگر، که چون اتوبوس به مقدار کافی نیست مردم مجبورند پشت وانت بار سوار شوند، ساعت ۸ شب اول پنج شیران بیاید بپیند، (خدا لعنت کند منافقین

شنبه چهارم اسفند ماه ۱۳۶۰ شماره ۱۶۶۰۹

۳ منافق در شیراز اعدام شدند

شیراز- خبرنگار اطلاعات بحکم دادگاه انقلاب اسلامی شیراز سرگرد حسین فیروزانی که تی ان تی جهت ساختن مواد منفجره در اختیار منافقین میگذاشته و نیز دو تن دیگر از مرحله اجرا درآمد

منافقین به اسامی احمد قحیمی و مهراں توکلی از اعضای نظامی سازمان منافقین بجرم شرکت در عملیات نظامی، به اعدام محکوم شدند و حکم صادره در مورد آنها به مرحله اجرا درآمد

یکشنبه ۲۷ تیر ماه ۱۳۶۱ شماره ۱۶۷۷۲

یک مجارب در اردبیل اعدام شد

روابط عمومی دادستانی کل انقلاب اسلامی اعلام کرد: به حکم دادگاه انقلاب اسلامی اردبیل و به تأیید شورای عالی قضایی، یدالله عباسپور آتشگاه فرزند افضل ستوان دوم وظیفه شهربانی اردبیل به جرم عضویت در شاخه نظامی منافقین در این شهرستان و شناسایی و قرض افراد حزب الله، مجارب و باغی و مسدود فریادش شناخته شد و به اعدام محکوم شد. حکم صادره در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۶۱ به مورد اجرا گذاشته شد.

اطلاعیه دفتر مجاهدین خلق در پاریس

هفته گذشته در تهران بیش از ۱۰۰ تن از پاسداران خمینی به هلاکت رسیدند

طی عملیات گسترده ای که در سراسر هفته ی گذشته در شهر تهران جریان داشت و در برخی روزها به بیش از ۱۵ عمل در روز بالغ می شد، بیش از صد تن از پاسداران و مزدوران اختناق آفرین رژیم خمینی که عوامل سرکوب و ترور و شکنجه بودند توسط نیروهای مقاومت به هلاکت رسیدند.

این عملیات در نقاط مختلف تهران از شمال تا جنوب شهر منجمله خیا با نه های انقلاب، جیحون، رسالت، شریعتی و حافظ، حنیف نژاد و مولوی و غیره گسترش داشت. این عملیات گویای افزایش چشمگیر مقاومت در مرحله ی جدید آن است که ایادی سرکوبگر رژیم خمینی را هدف قرار داده است.

دفتر مجاهدین خلق - پاریس

۱۴ شهریور ۶۱

اطلاعیه سیاسی - نظامی مجاهدین خلق ایران مرکز کردستان

گزارش پاره ای از عملیات پیشمرگان مجاهد خلق از ۲۶ تا ۲۸ مرداد ماه سال جاری در سنندج

توضیح: این اطلاعیه در تاریخ ۱۰ شهریور ۶۱ از رادیو صدای مجاهد پخش گردیده است. متن اطلاعیه به شرح زیر است.

بنا م خدا

بنا م خلق قهرمان ایران

هم میهنان مبارز، مردم دلیر کردستان

پیشمرگان مجاهد خلق برای رهایی خلق و وطن خویش از زیر یوغ یکی از پلیدترین

(توجه)

به خاطر اشکالات بانکی موجود، به هنگام ارسال کمکهای خود، فقط متن داخل کادر مقابل را بکار ببرید و از نوشتن عناوین دیگر خودداری کنید.

مقام بلند پایه حزب جمهوری و مسئول شاخه سرکوبگر کارگری این حزب به هلاکت رسید

"عباس مخلوجی" مقام بلند پایه حزب جمهوری اسلامی و مسئول شاخه ی سرکوب کارگری این حزب که در عین حال مسئولیت هماهنگی فعالیت پاسداران و کمیته هارا در سرکوب کارگران نیز به عهده داشت، طی یک طرح عملیاتی واحدهای مقاومت در روز ۶ شهریور در تهران به هلاکت رسیده است.

مخلوجی همچنین در مقام "بازرس ویژه صنف خیابان تهران" سرکوب اعتراضات دو هفته ای اخیر کارگران این صنف را هدایت می کرد.

لازم به توضیح است که علاوه بر تعداد بسیار حفاظتی برای حفظ جان مخلوجی وی شخما "نیز همواره مسلح بود. در این عملیات به نیروهای مقاومت هیچگونه آسیبی نرسید و سلاح های مخلوجی و محافظان او نیز مصادره گردید.

دفتر مجاهدین خلق در پاریس

۱۱ شهریور ۶۱

و درنده خوترین رژیم های ضد بشری تاریخ و در مسیر انهدام ماشین نظامی سرکوب دشمن ضربات بیامان خود را بر پاسداران ظلمت و تباهی و دیگر ایادی اختناق خمینی جلاد در کردستان فرود آورده و هر روز بر ابعاد مقاومت خود می افزایند.

در کردستان همچون سراسر ایران عملیات پیشمرگان رزمنده ی مجاهد خلق بر علیه ایادی سرکوب خمینی روبه گسترش است و ما بر آنیم تا در هر کجا و هر زمان ایادی جنایتکار رژیم، و پیگانه های نظامی ارتجاع را با تمام قوای درهم بکوبیم.

در اینجا بخشی از عملیات مقاومت که از پنجم تا بیست و ششم مرداد ماه سال جاری بقیه در صفحه ۳۸

اطلاعیه دفتر مجاهدین خلق در پاریس

انفجار عمدی در مرکز تهران جنایت دیگری توسط رژیم خمینی، برای توجیه ۲۰ هزار اعدام در کنفرانس بین المجالس

بر اساس اسناد مستند و غیر قابل انکار بدست آمده از منابع درونی رژیم خمینی که تدارک تبلیغاتی رژیم برای کنفرانس بین المجالس در تاریخ ۱۴ سپتامبر (۲۳ شهریور) در ایالتیاریا تشریح می کند، انفجار دیروز در مرکز تهران و تظاهرات پیش بینی شده ی عوامل خمینی که بلافاصله بعد از آن به راه افتاد بخشی از تدارک صحنه سازی و تبلیغات دروغین برای توجیه حنایات ضد بشری و ۲۰ هزار اعدام و شکنجه ی ۵۰ هزار زندانی سیاسی رژیم خمینی است.

این انفجار مانند سایر انفجارهای عمدی رژیم خمینی در اماکن و میادین عمومی (مانند انفجار جلوی فروشگاه قدس در تاریخ ۶ آبان ۶۰ و آخرین آن انفجار بمب توسط سپاه پاسداران در تاریخ ۳ اسفند ۶۰ در میدان عشرت آباد بود) یک تاکتیک شناخته شده ی رژیم خمینی برای افزودن بر موج اعدام ها و نشانیه ی هراس و درماندگی او در برابر بحران های ناشی از شکست در جنگ و اوج گیری عملیات مقاومت است که دقیقاً "پاسداران سرکوبگر و عوامل شکنجه را هدف قرار داده است. البته مردم ایران هرگز فریب این روش های جنایتکارانه و پست خمینی را نخورده و نخواهند خورد.

دفتر مجاهدین خلق - پاریس

۱۶ شهریور ۶۱

BANK SOCIETE GENERAL
N°: 58133126 Mr. EBRAHIM AG. CENTRALE ETRA.
(PARIS - FRANCE) code guichet 03002

و در داخل فرانسه به شماره حساب
B.N.P. PONTOISE 1269652 واریز کنید.
B.P. 18 95430
AUVERS - SUR - OISE FRANCE
و حواله آنرا به آدرس مقابل ارسال دارید.

IMPRIMERIE SPECIALE

مرگ بر خمینی شعار محوری مرحله کنونی مبارزه انقلابی مسلحانه تا کتیک محوری مرحله کنونی

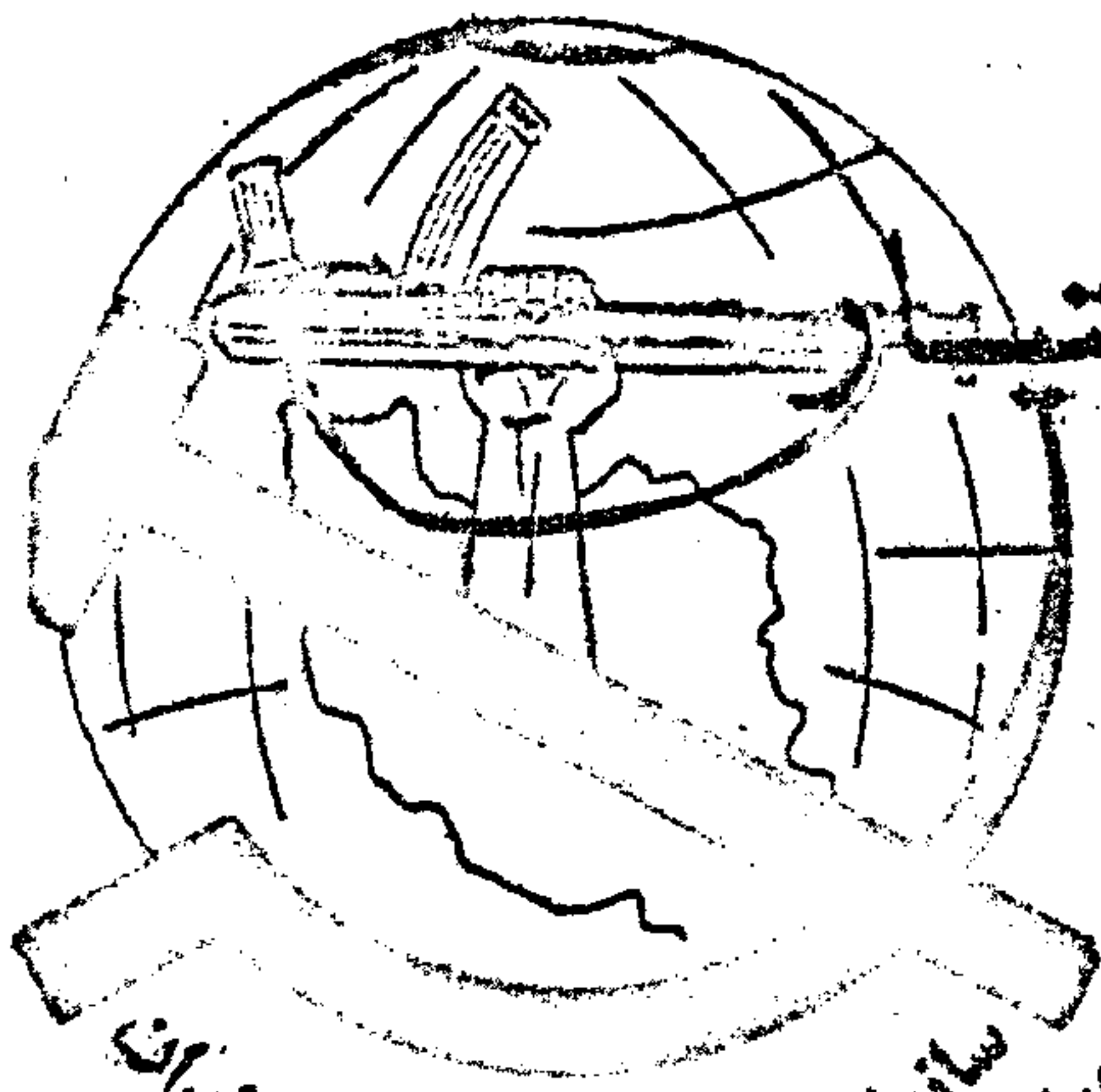


توطئه جدید امپریالیسم

و

ماهیت خائن به خلق شاپور بختیار

را افشا کنیم



خلق زحمتکش و مبارز ایران!

امپریالیسم جنایتکار و غارتگر آمریکا که سالهاست از موجودیت رژیم ضد خلق شاه در سازمان جوانان فدائیان خلق ایران، دستپاچه میهن ما دفاع می کند، اکنون در مقابل طوفان رزمجویانه خلقهای ایران، دستپاچه و سراسیمه جهت نجات حاکمیت متزلزل خویش جمعی از خود فروشان سازشکار را دعوت به تشکیل دولت غیرنظامی نموده است. تا این بار با دادن ظاهری دموکرات منشا و آزادی خواهانه به حکومت جلادان بی وطن، انقلاب آغاز شده مردم را به بند کشد. از آنجا که این توطئه امپریالیستی، در یکی از نقطه عطف های تاریخی مبارزات مردم شکل گرفته است، افسای هر چه بیشتر ماهیت سازشکاران و همگامی کثیف آنها با رژیم، در شرایطی که تمامی پایه های حاکمیت امپریالیسم در نتیجه اراده قدرتمند توده ها در حال فرو ریختن است، وظیفه مبرم تمامی نیروهای انقلابی و مبارز است. باشد تا وظیفه خود را در قبال آرمانهای انقلابی مردم و هزاران شهید بخون خفته خلق ادا کرده باشیم.

شاپور بختیار کیست؟

اولین پرسش همه مردم در مورد انتصاب شاپور بختیار بریاست دولت این است که دلیل انتخاب او از نظر رژیم چه بوده است؟ بزبان دیگر او دارای چه امتیازی است که این چنین در این لحظات بحرانی مورد توجه امپریالیسم آمریکا و رژیم سرسپرد ما و قرار گرفته و چرا از میان همه، او برای این کار انتخاب شده است؟ گذشته این سرور در پاسخ روشنی به سوالات مردم خواهد بود.

آن دسته از مردم ما که خاطرات مبارزات ملی سالهای ۳۲ - ۳۳ را بیاد دارند، در آن دوران دیدند که چگونه پس از سقوط دیکتاتوری رضاخان و فرار مشعشعانه او از ایران، تلاش عظیمی از جانب تمامی نیروهای انقلابی خلق جهت ناپسورد کردن بقایای دوران خودکامی رضاخان و محور سلطه امپریالیسم در میهن ما آغاز گردید. و می دانیم که سرنوشت این تلاش بخاطر عدم وحدت و ضعف سازماندهی لازم در صفوف مردم که بار مسئولیت آن به عهده جمعی از رهبران فرصت طلب و سازشکار حزب توده و جبهه ملی قرار داشت، در نتیجه کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد در خون خفته شد.

در دوران ملی شدن صنعت نفت طی سالهای ۳۲ - ۳۳ جبهه ملی ایران با متشکل نمودن بخش بزرگی از مردم در زیر شعارهای مبارزه با شرکت غاصب نفت ایران و انگلیس و حکومت قانون، نقش بزرگی را در صف نیروهای مردم ایفا می نمود. اما جبهه ملی که بهیچ وجه دارای تشکیلات واحد و انسجام یافته ای نبود، از احزاب و دسته جات و شخصیت های منفرد چندینی تشکیل گردیده بود. این جبهه در برگیرنده شخصیت های صدیق ملی و مبارزی چون دکتر مصدق، دکتر فاطمی و کریم پسر شیرازی... و از جانب دیگر عناصر سازشکار که در نتیجه قدرت یافتن مردم، فرصت طلبانه خود را در صف آنها جا زده بودند بود. در آن دوران شاپور بختیار در این ترکیب نیروها جزء عناصر سرشناس در دست دوم بود.

پیروزی با همه مبارزان، مستطانتان مبارزان را در شایسته خلق ایران

شاپور بختیار در يك خانواده از سران در تبع ایل بختیاری بنیا آمده است . روسای ایل بختیاری بر طی تمام نهران حاکمیت امپریالیسم انگلیس در ایران همیشه در خدمت سیاستهای امپریالیسم انگلیس در جنوب قرار داشتند . در جریان سرکوب اعتصاب کارگران نفت بر جنوب در سال ۱۳۲۵ که منجر به شهادت ۵ کارگر مبارز گردید ، سران مرتجع بختیاری با نیروهای دولتی و انگلیسی در سرکوبی این اعتصاب همکاری نزدیک داشتند . شاپور بختیار پس از گرفتن دکترای حقوق و بازگشت به ایران در سال ۱۳۳۱ به حزب ایران از احزاب سازشکار جبهه ملی پیوست . حزب ایران در سال ۱۳۲۱ توسط الهیار صالح تأسیس شده بود . این حزب در جریان مبارزات ملی با سازشکارها و زد و بند های پشت پرده اش معروف خاص و عام بود .

اعضای این حزب ترکیبی بودند از رکلای مجلس ، مقامات عالی رتبه مملکتی ، وکلای طراز اول داد گستری و اساتید بالی دانشگاه و بدین خاطر در فرهنگ مردم به حزب رجال معروف شده بود . دکتر مصدق پس از ۳۰ خرداد ۱۳۳۱ ، بخاطر باند بازی رهبران این حزب یکی از شروط انتصاب انوار در امور دولتی را نداشتن هیچگونه رابطه با حزب ایران قرار داده بود . رهبران حزب ایران که شاپور بختیار از اعضای فعال آن بود ، پس از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد و بازگشت مجدد شاه به ایران دست از هرگونه مخالفت و مبارزه با امپریالیسم آمریکا و رژیم دست نشانده او کشیدند و با مورد حمله قرار دادن مصدق و وارد آوردن اتهاماتی کثیف به شخصیت انقلابی جنیش ملی دکتر فاطمی سعی در جلب محبت رژیم نموده و بارنگ عوض کردن پس رژیم کودتا نزدیک شدند . این حزب پس از ۲۸ مرداد طی بیانیهای دگرگون آیزنهاور در ایران را مورد تأیید و پشتیبانی قرار داد . تأیید دگرگون آیزنهاور به مفهوم تأیید وابستگی اقتصادی و سیاسی ایران به امپریالیسم آمریکا بود . در سال ۱۳۴۰ هنگامیکه تیمور بختیار فرماندار نظامی سالهای پس از ۲۸ مرداد و عامل عمده جنایات فجیع رژیم و مسئول اعدام مبارزین و رهبران انقلابی ، و رئیس همبندی سازمان اطلاعات و امنیت (ساواک) ، قصد داشت برای دفاع از منافع نفوذ الیها و امپریالیسم انگلیس دست به کودتا بزند ، یکی از هنستان سرشناس او عسوزاده اش یعنی همین شاپور بختیار بود . که پس از ناموفق ماندن طرح کودتا ، بعد ها تلاش شد که تیمور بختیار برای تشکیل کابینه کودتای خویش با شاپور بختیار به توافق رسیده بود .

در فاصله سالهای ۴۲ - ۳۹ این هرزه سیاسی با ظاهری ملی و فریبنده با روابط مشکوک با عوامل امپریالیسم ، چگون امروز در دانه خود را بسوی پشت های وزارت و کالت می کشید . شاپور بختیار و ندر او دسته حزب ایران در آن سالها بخاطر جلب نظر امپریالیسم آمریکا ، از طرح شعار های ضد امپریالیستی و ضد سلطنت و حتی هواداری آشکار از دکتر محمد مصدق دست کشید و بود زد . پس از سرکوب خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ، که دیگر احزاب جبهه ملی بطور کامل از صحنه مبارزات مردم با خارج شده اند ، و طی سالهای پس از آن که رژیم وابسته به امپریالیسم شاه ، خونبارترین دیکتاتورهای را بر مردم ما اعمال نمود و بهترین فرزندان انقلابی این مرز و بوم را بطور دسته جمعی به جوخه های تیرباران می سپرد و آنگاه که در شکنجه گاهها ، زندانهای ساواک ، انقلابیون با ایمان به پیروزی خلق در زیر شلاق و دوخیمان بخود می پیچیدند و زحمتکشان و مردم ستمدیده ما در نتیجه فشارهای اقتصادی و سیاسی رژیم جنایتکار شاه کمر خم کرده بودند ، شاپور بختیار و دار و دسته اش بدین اینکه هیچگونه سهمی در مبارزات مردم در این سالهای هولناک دیکتاتوری داشته باشند ، بسا خیال راحت و دست در دست رژیم به زرانده وزی ، و چپارل اموال مردم مشغول بودند . و امروز که انقلاب بود همان ستمدیده ایران بمساطر تمام توطئه گریها و دسائیس را بر هم کوبیده ، امروز که خلق ما می رود تا در تاریخ بد تلاش مبارزات خویش فصل نویسی آغاز کند ، امروز که پیش رژیم حیوانه توده های مردم برقراری حاکمیت خلقی و بنای ایرانی آزاد و دموکراتیک را نهاده می دهد ، بار دیگر این گروه رجالیگان خود فرزند کلاهی بی مشنری خود را در آستانه بازار دهم شکسته رژیم منقر شاه بسا حراج گذارد هاند .

آنها بدین ترتیب می توانند کستی طوفان زد و ارتجاع و امپریالیسم که خود از سر نشینان دائمی آند ، از غرق شدن در اقیانوس خشم و نفرت توده ها نجات یابند . این گذشته سرا پا خیانت و دورشی نشان می دهد که چرا امپریالیسم آمریکایی شاپور بختیار و دار و دسته در شکسته انوار را در این لحظات بحرانی به کمک طلبیده است و سعی دارد با چسباندن گذشته ننگین این دلال منافق انگلیس و آمریکا و مرتجعین داخلی ، به جنبش ملی با شخصیت سازی کاذب از او ، گریبان خود را از دست مردم آزاد کند . امپریالیسم آمریکا در حقیقت بدین علت شاپور بختیار را انتخاب می کند که او در تمام

طول حیات ننگین اش هیچگاه کام بسود منافع مردم برنداشته و بهمین دلیل هیچگاه در قلب مردم جای نداشته است. آنها هانگونه که در گذشته از پشت به نهضت ملی ایران خنجر زدند، این بار نیز ابلهانه چنین می‌اندیشند که قادرند مانند گذشته تاریخ را در جهت منافع خرد واریابانشان متوقف سازند. ولی امروز تاریخ مبارزات خلق مسا در جهتی دیگر سیر می‌کند، در جهت اخراج امپریالیسم و برقراری حاکمیت خلقی.

* * *
اکنون بیش از یکسال از روزهایی که نخستین شطبه های قیام خونین مردم سرکشید می‌گذرد. مردم در طی یکسال گذشته در نتیجه مبارزات پیگیر و پرتلاطم خویش بیش از دهها سال رکود و سکون تجربه مبارزه و انقلاب آموخته‌اند.

در سال گذشته عقب نشینی رژیم از پاره‌ای مواضع خویش که در نتیجه تشدید بحران اقتصادی و سیاسی امپریالیسم زمینهای فراهم آمد، به یکباره آنچنان خشم و نفرت فروخورده عظیم مردم را آشکار ساخت که در تمامی تاریخ مبارزات مردم ما بیسابقه بوده است. اما پیروزی های جنبش آسان بدست نیامد. این پیروزیها در نتیجه مبارزات خونین و ناپسای جان میان نیروهای اهریمنی ارتجاع و امپریالیسم و مردم شریف و مبارز ما شکل گرفت. این پیروزیها در هر گام خود ناکزیر از مبارزه با کثیف ترین و زنیلا نه ترین توطئه‌های بود که تلاش می‌نمود در اراده انقلابی مردم سستی و رخوت ایجاد نماید.

راه طی شده توسط مردم از دوره سقوط دولت هویدا تا با امروز برآستی در خور تحسین و ستایش است. مردم تمامی آنچه را که برخلاف اراده آنها در نتیجه سانسها دیکتاتوری و اختناق تحصیل شده بود با طوفانی از خشم و نفوسرت ناپود کردند. آنچه از نظر ارتجاع و امپریالیسم جاودانی و خلل ناپذیر قلمداد می‌شد، به یکباره آن چنان در هم فرو ریخت که امروزه خاطره آنها را باید در دوران اوراق کهنه تاریخ جستجو نمود.

هر بار که رژیم توطئه‌های را علیه جنبش خلق سازمان داد، بر سر انجام آن توده‌ها را قدرتمند تر و پرتوان تر و خود را حقیر تر و زبون تر یافت.

مردم از تمام آزمایشهای بزرگ با در دست داشتن پرچم خونین هزاران شهید کهسرمان سر بلند بیرون آمده و با گامهایی استوار و همتی عظیم تر از گذشته، پراه خود ادامه دادند. آنها جان بکف تمامی دستگاه جهنمی سرکوب رژیم را تحقیر کردند و هر روز ۱۷ شهیدهای تازه‌ای در گوشه و کنار این سرزمین تکرار گشت. خون شهدای خلق شعله‌های انقلاب را در دل‌های مردم پر فروغ تر و سرکش تر می‌نماید. و امروز پس از دو ماه جنلادی و مردم کشی بولت نظامی، بار دیگر رژیم خود را در مانده تر و عاجز تر از گذشته و جنبش خلق را رشد یافته تر و نیرومند تر از قبل در مقابل خود می‌بیند. اگر تا دیروز رژیم سر سپرده شاه فکر می‌کرد که انتصاب سرکردگان مزدور نظامی و نمایش نیروهای ارتش می‌تواند چاره کار باشد. امروز با فرا خواندن دارودسته شاپور بختیار این مهره "زایاس" امپریالیسم، سعی دارند به توهات پوچ خود جامه عمل بپوشانند.

تلاش زبونانه مشتکی و اخسوردگان بی حیثیت که از وحشت به حاکمیت رسیدن خلق، هراسان به رژیم پناه بردند و سعی در استحکام بخشیدن بدان دارند، تنها اراده مردم را بسوی مقاومت و پایداری استوارتر سوق خواهد داد. چرا که سر مردم ما دیگر در عمل نشان داده اند که امروز چیزی کمتر از سرنگونی بساط امپریالیسم و دیکتاتوری حافظ آن را نخواهند پذیرفت. آنها هیچگاه اجازه نخواهند داد که نمره بزرگترین و خونین ترین مبارزات خلق، وجهه الصالحه ای جهت دست یافتن مشتکی مزدور و سازشکار به حکمیت گردد.

امپریالیسم آمریکا، امروز با اعزام صدها کارشناس سازمان سیا و تشکیل بخش ویژه ای در آمریکا جهت بررسی مسائل ایران، در تلاش است تا سیر وقایع و رویدادها را در جهت حفظ و تعمیم خود در میهن ما عدایت نماید. اکنون میلیارد ها دلار سرمایه گذاری در زبان بین المللی، غارت منابع عظیم نفتی و بازار چند میلیارد دلاری سلاحهای آمریکایی در این نقطه از جهان با خطر توقف و نابودی روبرو گردیده. رهایی خلق ما و خارج شدن ایران از حلقه وابستگی با امپریالیسم، بزرگترین ضربات را از لحاظ اقتصادی و سیاسی و نظامی بدانها وارد خواهد نمود.

این حقایق نشان می‌دهند که مقاومت امپریالیسم جهت نابودی جنبش مردم بسیار جدی و شدید خواهد بود. تجربیات سایر جنبشهای انقلابی ثابت کرده اند که آنها تا نابودی کامل به تمام تاکتیکها و توطئه‌های ممکن متوسل

خواهند شد . امپریالیسم بهادگی دست از چپاول ایران نخواهد کشید و هرگز براحتمی ایران را ترك نخواهد كرد . از از کودتای نظامی و قتل عام و شکنجه مردم گرفته تا تعرض مبره های حكومتی و تن دادن به برخی عقب نشینی های تاکتیکی همه و همه مانور ظنی است که امپریالیسم برای بقای حاکمیت خویش بدانها متوسل می شود . امپریالیسم آمریکا می داند که رژیم مغرور شاه دیگر قادر به حفظ منافعش در ایران نیست و هرگاه قادر باشد مسئله جانشینی شاه با مهرهای دیکسورا بشکلی حل کند که تمامی سیستم در هم فرو نریزد ، مسلما او را با نگرانی دیگر عرض خواهد نمود . رفتن شاه و حتی رژیم سلطنتی در حالیکه خود پیروزی بزرگی است اما به تنهایی بدون ناپودی تمامی مظاهر وابستگی با امپریالیسم که در تمام زوایای جامعه ما ریشه دوانیده يك پیروزی نیمه کاره و موقت خواهد بود .

سرمایه های بزرگ مالی و صنعتی ، وجود هزاران کارشناس نظامی بر ارتش و وجود ارتشی که تمام سازماندهی و آموزش آن از روی الگوهای آمریکائی برای حفظ منافع امپریالیسم و صهیونیسم تجاوزگر تدارك دیده شده و پیمان های اقتصادی و نظامی اسارت بار که ایران را به گردونه سیاستهای امپریالیسم آمریکا متصل نموده ، بارزترین نمونه های وابستگی مبین ما به امپریالیسم است . جنبش انقلابی خلقهای ما بدون ناپودی کامل این نهاد ها که دیکتاتوری رژیم شاه بمثابة سنگ زنجیری آمریکا ، سالهاست حافظ و نگهبان آن است به پیروزی دست نخواهد یافت . امروز تمام کسانی که تلاش نمایند چیزی غیر از این را به عنوان راه حل در مقابل مردم قرار دهند جز سازشکاران و خائنین به خلق نخواهند بود . اینان با این تلاش خسوسد مستقیما در جبهه ارتجاع قرار خواهند گرفت . از آن جا که امپریالیسم آمریکا در شرایط کنونی قادر نیست همه مواضع خود را در ایران همچون سابق حفظ نماید تلاش می کند برای حفظ حاکمیت خویش يك عقب نشینی موقت را پذیرفته تا در موقعیت مناسب بار دیگر با تکیه بر ارتش مرتد و که عمده ترین ابزار اعمال حاکمیت ارتجاع محسوب می شود ، همه پیروزی های بدست آمده مردم را از نو بازستاند . بدین خاطر تا زمانیکه ارتش مرتد موجود ناپود نشود تمام تحولات سیاسی به مفهوم انتقال کامل قدرت به خلق نخواهد بود . حاکمیت خلق تنها در صورتی که شکستن و ناپودی کامل ابزار های قهر ضد انقلاب و در رأس آن ارتش بدست خواهد آمد و جنگ مسلحانه خلق تنها راه ممکن وصول بدان است . خلقی مسلح شده و سازمان یافته قطعا می تواند بزرگترین زراد خانه های ارتجاع را ناپود کرده و راه را بر تمام سازشکاران و فرصت طلبی ها ببندد . بدین سبب تبلیغ و تدارك جنگ مسلحانه و پایه گذاری ارتش خلق امروز وظیفه ایست که باید تمام اشکال سازماندهی مبارزات مردم در جهت آن بسیج و هدایت گردد . ایمان و صداقت انقلابی همراهِ با هوشیاری و جهت گیری صحیح نیروهای انقلابی و مبارز در انجام این وظیفه حیاتی ضامن پیروزی خلق است .

" ناپود بار جبهه سازشکاران و فرصت طلبان "

" سرنگ پسر شاه دیکتاتور و حامیان امپریالیستش "

" برقرار بساد حاکمیت خلقی "

(دیماه ۵۷) " سازمان چریکهای فدائی خلق ایران "

کمیته دانشجویان جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی

CONFEDERATION OF IRANIAN
STUDENTS NATIONAL UNION